



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



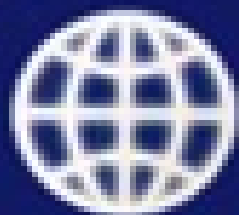
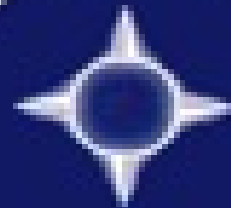
عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# جغرافیای ری

نهری

علی ملکی میانجی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# جغرافیای ری

نویسنده:

علی ملکی میانجی

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	جغرافیای ری
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۲۴	پیشگفتار
۲۶	مقدمه
۲۸	جغرافیای طبیعی
۲۸	موقعیت و وسعت
۲۹	آب و هوا
۲۹	ناهمواری ها
۳۲	رودخانه ها
۳۵	پوشش گیاهی
۳۶	جغرافیای اقتصادی
۳۶	کشاورزی
۳۸	دامداری
۳۸	معادن
۳۹	صنایع و بازرگانی
۳۹	راه های ارتباطی
۴۳	جغرافیای انسانی
۴۳	جمعیت
۴۳	بخش مرکزی
۴۴	بخش کهریزک
۴۵	بخش فشاپویه

۴۵	زبان و مذهب
۴۶	شهر زیارتی
۴۷	جغرافیای سیاسی
۴۷	تقسیمات کشوری
۵۳	بخش مرکزی
۵۴	بخش کهریزک
۵۵	بخش فشاپویه
۵۹	روستاهای شهرستان ری
۵۹	بخش مرکزی
۶۰	بخش کهریزک
۶۱	بخش فشاپویه
۶۴	جغرافیای تاریخی ری
۶۴	اشاره
۶۵	نام های قدیم ری
۶۶	تاریخ استعمال نام های ری
۶۷	نسبت ری
۶۸	وجه تسمیه ری
۷۰	جغرافیای تاریخی توابع ری
۷۰	اشاره
۷۴	اسامی توابع ری در گذشته
۸۱	تاریخ ری
۸۱	۱. پیدایش ری
۸۳	۲. ری قبل از اسلام
۸۶	۳. فتح ری به دست مسلمانان

۸۷	۴. ری بعد از اسلام
۱۰۱	اهمیت ری
۱۰۶	ری در متون کهن و گذشته
۱۱۹	اوصاف جغرافیایی ری در گذشته
۱۱۹	۱. محلّ ری قدیم
۱۲۲	ری برین و ری زیرین
۱۲۳	۲. موقعیت اقلیمی ری
۱۲۴	۳. زبان مردمان ری
۱۲۸	۴. مذهب مردم ری
۱۳۴	دانش و فرهنگ ری
۱۳۶	وابستگی منطقه ای ری
۱۳۶	سرزمین ماد
۱۴۰	ماد راگیانا
۱۴۱	ماد پائین
۱۴۲	رَگ
۱۴۴	پَهله
۱۴۵	پادوسپان شمال
۱۴۶	ری از مضافات دیلم و خراسان
۱۴۸	سرزمین جبال (قهستان و کوهستان)
۱۵۲	خُره ری
۱۵۳	عراق، عراق عجم
۱۵۶	تومان ری
۱۵۷	ولایت ری
۱۵۹	بیگلربیگی ری

- ۱۶۷ ..... الکای ری
- ۱۶۸ ..... دارالخلافه تهران
- ۱۶۸ ..... ولایت تهران
- ۱۷۱ ..... استان دوم، استان مرکزی، استان تهران
- ۱۷۳ ..... مرکزیت سیاسی و اداری تاریخی ری
- ۱۷۳ ..... اشاره
- ۱۸۰ ..... سرزمین ری بعد از حمله مغول
- ۱۹۶ ..... تغییر مرکزیت اداری و اسمی سرزمین ری
- ۲۰۵ ..... نوسانات حوزه سیاسی ری
- ۲۰۷ ..... آثار تاریخی و باستانی
- ۲۰۷ ..... ۱. بقاع و اماکن متبرکه
- ۲۰۷ ..... مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام
- ۲۱۴ ..... مرقد امامزاده حمزه
- ۲۱۴ ..... مرقد امامزاده طاهر و امامزاده مطهر
- ۲۱۴ ..... مرقد امامزاده عبدالله
- ۲۱۵ ..... مرقد امامزاده هادی
- ۲۱۵ ..... مرقد امامزاده ابوالحسن
- ۲۱۵ ..... سه دختران و دو برادران
- ۲۱۵ ..... بقعه بی بی شهربانو
- ۲۱۶ ..... بقعه بی بی زبیده
- ۲۱۶ ..... بقعه ابن بابویه
- ۲۱۷ ..... مدفن ابوالفتوح رازی
- ۲۱۷ ..... بقعه جوانمرد قصاب
- ۲۱۸ ..... دیگر بقعه ها و مدفن ها



- ۲۱۸ ..... ۲. برخی از آثار و بناهای باستانی
- ۲۱۸ ..... بقایای آتشکده ری و تپه میل
- ۲۱۹ ..... تپه چال ترخان و تپه مرتضی کرد
- ۲۱۹ ..... کاخ اشکانیان
- ۲۲۰ ..... باروی بزرگ ری برین
- ۲۲۰ ..... سرای صاحب بن عباد
- ۲۲۰ ..... گنبد مردآویج زیاری و رکن الدوله
- ۲۲۱ ..... گنبد فخرالدوله
- ۲۲۱ ..... برج طغرل
- ۲۲۵ ..... استودان بزرگومید
- ۲۲۵ ..... دخمه گبرها یا قلعه گبرها
- ۲۲۵ ..... آثار نقاره خانه (گور اینانج)
- ۲۲۶ ..... بقایای قلعه طبرک
- ۲۲۷ ..... سرسره فتحعلی شاه
- ۲۲۷ ..... چهار بنای سنگی مکعب شکل
- ۲۲۸ ..... زندان هارون
- ۲۲۸ ..... پل صفوی حسن آباد
- ۲۲۹ ..... پل قاجاری حسن آباد
- ۲۲۹ ..... ۳. آثار هنری و مسکوکات ری
- ۲۳۲ ..... منابع و مآخذ
- ۲۵۲ ..... درباره مرکز

## جغرافیای ری

## مشخصات کتاب

سرشناسه : ملکی میانجی، علی

عنوان و نام پدیدآور : جغرافیای ری /تالیف علی ملکی میانجی.

مشخصات نشر : قم: دارالحديث، ۱۳۸۳

مشخصات ظاهری : ۲۰۰ ص: نقشه

فروست : مجموعه آثار کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم علیه السلام

شابک : ۷۰۰۰ ریال: ۷-۸۹-۷۴۸۹-۹۶۴

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی توصیفی

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Ali Maleki Miyanagi. Geography of Rey

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۸۵]-۱۹۶؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع : ری

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۲۲۹۵۱

ص: ۱

اشاره







ص: ۵

بسم الله الرحمن الرحيم تاریخ بشر را همواره ستارگانِ فروزانی مشعلدار بوده اند، تا آدمی بر جهالت و تاریکی فائق آید و بتواند ودیعه خداوندی نهفته در درونش را پیروزد و خویشتن را از نادانی، درنده خویی و پستی برهاند. طلایه داران این منظومه فروزان، پیامبران الهی و جانشینان پاک نهاد و معصوم آنان اند و در صف بعد، دست پروردگان آنها، یعنی عالمان دین، محدثان، مفسران و... که در دانش و سلوک، پای در جای پای آنان نهادند. شهر ری به عنوان یکی از پایگاههای کهن تشیع، مهد رشد و بالندگی عالمانی از این تبار (چون ثقه الاسلام کلینی، شیخ صدوق، ابوالفتوح رازی و...) بوده است، و حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام را می توان پایه گذار این مهد و حرکت علمی و فرهنگی دانست. آستان حضرت عبدالعظیم و مؤسسه فرهنگی دارالحدیث (دانشکده، پژوهشکده، انتشارات)، طرحی را با عنوان «گرامیداشت بزرگان و عالمان ری» در دست گرفت تا در پرتو شناساندن این چهره های ماندگار، برخی فعالیت‌های پژوهشی و فرهنگی نیز سامان یابد. در این طرح، نخست چهار تن از بزرگان و عالمان ری انتخاب شدند که در صدر آنان حضرت عبدالعظیم علیه السلام جای می گیرد. حضرت عبدالعظیم مشعل فروزانی است که از دوران حیات خویشتن تاکنون بر تاریخ تشیع و ایران، پرتو افکنده و بر معنویت، دانش و فرهنگ شیعه در این مرز و بوم، تأثیر گذار بوده است. از این رو، نخستین گام در اجرای طرح، کنگره بزرگداشت ایشان خواهد بود. اهدافی که برگزاری این کنگره دنبال می کند، عبارت است از: ۱. معرفی و بزرگداشت شخصیت علمی و معنوی حضرت عبدالعظیم علیه السلام؛ ۲. ترویج معارف حدیثی اهل بیت علیهم السلام؛ ۳. تحقیق و پژوهش در میراث حدیثی حضرت عبدالعظیم علیه السلام؛ ۴. شناخت جایگاه آستان حضرت عبدالعظیم علیه السلام و تأثیر آن بر تحولات تاریخ تشیع در ایران. این طرح، در آبان ماه ۱۳۸۰ در نخستین جلسه شورای سیاستگذاری که از عالمان و فرزندان و نخبگان فرهنگی اند به تصویب رسید و کمیته علمی کنگره از خرداد ۱۳۸۱ کار خود را آغاز کرد. کمیته علمی با فرصت اندکی که در اختیار داشت، برنامه های خود را در پنج حوزه ساماندهی کرد: ۱. تألیف، تصحیح و گردآوری آثار مربوط به حضرت عبدالعظیم و شهر ری (کتاب و مقاله). ۲. سفارش و فراخوان نگارش مقاله. ۳. سفارش انتشار ویژه نامه هایی از سوی نشریات، همزمان با برگزاری کنگره. ۴. انتشار لوح فشرده (CD) تولیدات علمی کنگره. ۵. انتشار خبرنامه. با یاری خداوند و مدد قدسی روح حضرت عبدالعظیم علیه السلام، در حوزه نخست، بیش از بیست و پنج جلد کتاب آماده شد که همزمان با برگزاری کنگره، توزیع گردید. همچنین مقالات منتخب و تأیید شده علمی در چهار جلد، عرضه شد. دو ویژه نامه از سوی مجلات علمی و نیز خبرنامه کنگره در پنج شماره عرضه شد. همه این آثار، علاوه بر نشر مکتوب، بر روی یک لوح فشرده (CD) تا هنگام برپایی کنگره در اختیار علاقه مندان قرار گرفت. گفتنی است با فرصت اندک و حجم گسترده برنامه های علمی، وجود نقایص، امری طبیعی است که اهل فضل و دانش آن را بر ما خواهند بخشید و ما را از نصایح عالمانه خویش بهره مند خواهند ساخت. امید است این مجموعه، مقبول در گاه الهی و مورد عنایت روح بزرگ و قدسی حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام قرار گیرد و در گسترش و بالندگی فرهنگ و معارف تشیع، سودمند افتد. در پایان از همه کسانی که در به ثمر رسیدن این برنامه ها سهم وافر داشتند؛ تولید محترم آستان حضرت عبدالعظیم علیه السلام و ریاست محترم مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، شورای عالی سیاستگذاری، مدیران محترم آستان حضرت عبدالعظیم و مؤسسه فرهنگی دارالحدیث و به ویژه فاضل گرانقدر جناب آقای علی اکبر زمانی نژاد که بار عمده بر دوش ایشان بود سپاسگزاری می شود. مهدی مهریزی دبیر کمیته علمی

بهار ۱۳۸۲

ص: ۶

..

ص: ۷

..



ص: ۸

..

ص: ۹

..

ص: ۱۰

..

ص: ۱۱

M۴۹۰\_T۱\_File\_۶۸۱۱۲.jpg

ص: ۱۲

M۴۹۰\_T۱\_File\_۶۸۱۱۳.jpg

ص: ۱۳

M۴۹۰\_T۱\_File\_۶۸۱۱۴.jpg

ص: ۱۴

M۴۹۰\_T۱\_File\_۶۸۱۱۵.jpg

## پیشگفتار

پیشگفتار بشر به مقتضای نهاد و سرشت خویش، طالب علم و آگاهی است و شناخت از اوضاع طبیعی و اقتصادی و انسانی محیط زندگی خود و تاریخ گذشته آن، از پرجاذبه ترین آگاهی های انسان است که به وسیله آن، اهمیت موقعیت و جایگاه زندگی خویش را بهتر می شناسد و به هویت منطقه ای و تاریخی خود واقف می گردد. نوشتار حاضر در راستای شناخت جغرافیا و جغرافیای تاریخی و تاریخ ری سامان یافته است. این ناحیه به لحاظ موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی از اهمیت خاصی برخوردار است. به طوری که ری، امّ البلاد (مادر شهرهای ایران) و شیخ البلاد (کهن ترین شهرها) لقب یافته است. این مهم در متون کهن و گذشته از ری به خوبی نمایان است. بزرگ ترین شهر ماد؛ بهترین زمینهای آفریده شده؛ عروس بلاد؛ گذرگاه و چهارراه دنیا؛ شهر بزرگ؛ شهری مشهور؛ ری با شکوه؛ از با شکوه ترین نواحی؛ شهری بزرگ و آبادان؛ یکی از مفاخر اسلام؛ از امّهات بلاد و شهرهای سرشناس؛ از جمله اوصاف ری هستند. این توصیفات بیش تر بیان گر ارزش های طبیعی این ناحیه است و با بررسی ابعاد تمدنی و سیاسی ری، جایگاه رفیع این شهر بیش تر نمایان می شود. نقش ری در سیر مذاهب و تمدن ها و دانش و فرهنگ ادوار مختلف، در این نوشتار به اختصار عرضه شده است و تفصیل آن در تاریخ تمدن و تاریخ سیاسی ایران باستان و ایران دوره اسلامی قابل بررسی و ارائه است. مهم ترین ویژگی این شهر در دوران اسلامی آن است که شهر ری به عنوان مدفن حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام از شخصیت های عالقدر اسلامی، یکی از شهرهای مذهبی جهان تشیع به حساب می آید و این بارگاه مقدس، پیوسته مطاف شیعیان و علاقه مندان خاندان عصمت و طهارت بوده و در اصل تداوم کیان و رونق ری مرهون این مدفن شریف است. امّا ناحیه ری به عنوان منطقه ای مهم از دوران مادها تا زمان حاضر، اهمیت سیاسی خود را با نوساناتی حفظ کرده است. در طی این دوران، پایتخت، پایتخت فصلی، مرکز ناحیه ای وسیع، مرکز استان بوده است. اگر چه بعد از حمله مغول، شهر ری مرکزیت سیاسی و رونق پیشین خود را از دست داد، اما ناحیه ری همچنان عظمت خود را حفظ نموده است. چرا که میراث شکوه و بزرگی شهر ری به شهر همجواریش تهران منتقل شد. شهری که روزگاری یکی از قصبات حومه شهر ری به حساب می آمد و از دوران صفویه تا زمان حاضر، استمرار ارتقا و اعتلای سیاسی آن تا حد کمال تداوم یافته است. نوشتار حاضر هرچند مشتمل بر جغرافیای ری و خلاصه ای از تاریخ آن است، اما بخش بزرگی از محتوای آن پژوهشی است جامع در نمایاندن جایگاه سیاسی ری و سیر تقسیمات کشوری آن. و این برجسته ترین ویژگی این کتاب است. با این حال، به یقین، این مکتوب خالی از کاستی و نقصان نیست که امید است با ارشادات اهل نظر، در رفع آن توفیق حاصل شود. در پایان، شکر و سپاس فراوان خود را به درگاه اقدس ربوبی تقدیم می دارم که توفیق تدوین این اثر را به این ناقابل عطا فرمود. و از دست اندرکاران و مسؤولان محترم کنگره حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام تشکر می کنم؛ به ویژه از تلاش های بی شائبه برادر دانشور جناب آقای علی اکبر زمانی نژاد که با شکیبایی و اخلاق درخور تحسین در مراحل مختلف اعم از ویرایش و غلط گیری و آماده سازی نشر و طبع این اثر اهتمام خاصی مبذول نمودند، تشکر می نمایم. ومن الله التوفیق وعلیه التکلان ۱۳۸۲. قم. علی ملکی میانجی



ص: ۱۶

..

ص: ۱۷

## مقدمه

مقدمه شرح وضعیت جغرافیایی هر منطقه، نیازمند بررسی جغرافیای طبیعی، اقتصادی، انسانی، سیاسی، تاریخی، ارائه اطلاعات گردشگری و شرح آثار باستانی و تاریخی آن منطقه است. و این عناوین خود در بر گیرنده سرفصل‌ها و عناوین فرعی دیگری است. اما وضعیت شهرستان ری، به گونه ای است که ارائه برخی از معلومات جغرافیایی مستقل به سان دیگر مناطق، حتی در سطح عناوین اصلی هم کاملاً ممکن نیست؛ زیرا محدوده ری در سال‌های گذشته، بارها به واحدهای کوچک تر تجزیه شده است و پیوستگی و قرب مکانی شهر ری با بخش عظیمی از این واحدها به ویژه شهر و شهرستان تهران موجب گشته است که اطلاعات اختصاصی یا مهم جغرافیایی نتواند در شأن و جایگاه خود ظاهر شود. این مهم، هم در عوارض طبیعی و هم در وضعیت اداری، خود را نشان داده است. حتی در برهه ای از زمان معاصر، واحد سیاسی مستقل ری منحل و ضمیمه شهر تهران گردید و پس از مدتی مجدداً به صورت واحد مستقلی احیا گردید. (۱) با این همه، در حال حاضر، شهرداری آن، در شمار یکی از اجزای شهرداری تهران منظور شده است (۲)؛ و یا شهرستان ری فاقد برخی امکانات اداری است. اما ری به لحاظ موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی از اهمیت ویژه ای برخوردار است به طوری که «ام البلاد ایران» (مادر شهرهای ایران) و «شیخ البلاد» (کهن ترین شهرها) لقب یافته است. (۳) لذا جغرافیای تاریخی آن دارای سوابق درخشان و نیازمند شرحی است دراز دامن. و می توان گفت بیشتر شهرستان‌های فعلی استان تهران و بخش کمی از استان‌های همجوار همگی از اجزای ری به حساب می آمدند و مجموعه هویت طبیعی و اقتصادی و سیاسی آنان سیمای ری را تشکیل می داد. و در برخی از زمان‌ها محدوده توابع آن، به تمام یا بخشی از استان‌های همجوار بلکه فراتر از آن نیز می رسید که شرح آن خواهد آمد. از این رو، در نوشتار حاضر، در حدّ میسر از وضعیت جغرافیایی ری، سخن به میان آمده است ولی بیشترین حجم آن به جغرافیای تاریخی ری اختصاص یافته است تا اهمیت تاریخی این سامان در گذر تاریخ روشن گردد. لازم به ذکر است که عظمت این سامان به گذشته تاریخی آن محدود نمی شود؛ بلکه در حال حاضر هم، میراث بزرگی و شکوه آن به شهر همجوارش، تهران منتقل شده است که پایتخت ایران و مرکز ثقل سیاسی و انسانی و اقتصادی و ارتباطی آن است. شهر تهران روزگاری یکی از قرای معظم ناحیه غار در حومه شهر ری بوده است. (۴)

۱- شرح مستند این موضوع در سیر تقسیمات کشوری ری آمده است.

۲- مطابق آمار سال ۱۳۷۵ ش جمعیت شهر ری مرکز شهرستان ری، شامل ۳۵۶۰۷۹ نفر در منطقه ۲۰ تهران و ۳۴۱ نفر در منطقه ۱۵ است. این آمار مستند است به پاسخ خانم گیتی مرتضائیان کارشناس آمار از سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران به چند آمار جغرافیایی ری، استعلامی نگارنده، اسفند ۱۳۸۱.

۳- نزهة القلوب، حمدالله مستوفی، ص ۵۲.

۴- همان مأخذ، ص ۵۴.

ص: ۱۸

..

## جغرافیای طبیعی

### موقعیت و وسعت

جغرافیای طبیعی موقعیت و وسعتی یکی از شهرستان های استان تهران می باشد که از شمال به شهرستان تهران و از جنوب به شهرستان قم و از مشرق به شهرستان های پاکدشت و ورامین و از مغرب به شهرستان های اسلام شهر، رباط کریم، زرننده محدود می گردد. (۱) وسعت آن بالغ بر ۲۲۹۳ کیلومتر مربع است. (۲) مساحت بخش های سه گانه شهرستان ری: بخش مرکزی ۱۷۴؛ بخش کهریزک ۵۴۳؛ و فشاپویه ۱۶۴۵ کیلومتر مربع می باشد. (۳) یعنی در مجموع مساحت شهرستان ری ۲۳۶۲ کیلومتر مربع است. شهر ری مرکز شهرستان ری است که بین مختصات جغرافیایی طول جغرافیایی ۲۶° و ۵۱° و عرض جغرافیایی ۳۶° و ۳۵° واقع شده است. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۰۶۲ متر است. (۴) شهر ری در جنوب شرقی شهر تهران و متصل به این شهر است. فاصله ری تا مرکز شهر تهران بالغ بر ۱۴ کیلومتر است. (۵) و فاصله ری تا تهران ۸ کیلومتر است. (۶) مختصات جغرافیایی شهر ری (در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام) ۴۵° و ۳۵° و ۳۵° عرض شمالی و ۱۵° و ۲۶° و ۵۱° طول شرقی است. (۷)

- ۱- . سالنامه آماری استان تهران ۱۳۸۰، نقشه استان تهران، اولین صفحه مقدمه. با اعمال تغییرات جدید تقسیمات کشوری .
- ۲- . همان مأخذ، ص ۹.
- ۳- . نمابر اداره کل امور اجتماعی استانداری تهران در پاسخ به چند آمار جغرافیایی شهرستان ری؛ استعلامی نگارنده، فروردین ۱۳۸۲.
- ۴- . فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور جمهوری اسلامی ایران، (تهران)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ج ۳۸، ص ۱۷۱.
- ۵- . همان مأخذ، ص ۱۷۱.
- ۶- . فرهنگ جغرافیایی ایران، از انتشارات دایره جغرافیایی ارتش، ۱۳۲۸ شمسی (تجدید طبع ۱۳۵۵ ش) جلد نخست، ص ۱۰۲.
- ۷- . شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، عباس جعفری، ص ۱۱.

ص: ۲۰

## آب و هوا

## ناهمواری ها

آب و هوا هوای شهر ری معتدل و خشک می باشد. حداکثر درجه حرارت در تابستان ها به ۴۲ درجه بالای صفر و حداقل آن در زمستان ها به ۴ درجه زیر صفر می رسد. میزان باران سالانه شهر ری به طور متوسط ۲۰۰ میلیمتر است. (۱)

ناهمواری هاشهرستان ری در دشت واقع گردیده و کوه های آن ارتفاع زیادی ندارند. این کوه ها عبارتند از: ۱. بی بی شهربانو: این کوه در شرق شهر ری و متصل به آن می باشد. (۲) کوه بی بی شهربانو در خاور شهر ری و ارتفاعش از سطح دریا ۱۵۳۵ متر است. (۳) ۲. کوه آراد: این کوه در مرکز شهرستان ری حد فاصل بخش های کهریزک و فشاپویه قرار گرفته است. کوه آراد در ۹ کیلومتری شمال شرقی حسن آباد واقع شده و ارتفاع آن ۱۴۲۸ متر است. (۴) از این کوه با نام «اراده» هم یاد شده است. (۵) همچنین در یک نقشه متعلق به ۱۳۰۷ قمری دوره ناصرالدین شاه قاجار که توسط دو نفر از مهندسين ایرانی وقت ترسیم شده، از کوه آراد با نام کوه «اراد» یاد شده است. (۶) نیز در کتاب جغرافیای مفصل ایران کوه آراد با نام کوه «حسن آباد و کناره گرد» ذکر شده است. (۷) ۳. کوه مره: این کوه در جنوب غربی شهر ری و جنوب شهر حسن آباد و رود شور قرار گرفته است و ارتفاع آن ۱۵۰۳ متر است. (۸) مطابق نقشه ۵۰۱، ۵۰۰ مصوب هیئت دولت، این کوه با نام «مری» و با ارتفاع ۱۵۱۴ متر از سطح دریا در مرز استان قم و شهرستان ری استان تهران واقع شده و مرز دو استان از رأس این کوه عبور می کند. (۹) ۴. دامنه های شمالی کوه کورابلاغ: کوه کورابلاغ یکی از کوه های ناحیه مرکزی ایران است که در محل تلاقی چهار شهرستان زرننده و ساوه و ری و قم واقع شده است. قسمت عمده این کوه و دو ارتفاع بلند آن ۱۹۱۵ متر و ۱۹۴۰ متر در شمال استان قم واقع شده است. جنوب غرب شهرستان ری به دامنه های شمالی این کوه ختم می شود. و بخش شرقی کوه «گوی داغ» در شمال کوه کورابلاغ در شهرستان ری واقع شده است. (۱۰)

- ۱- فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور (تهران)، ج ۳۸، ص ۱۷۱.
- ۲- همان مأخذ، ص ۱۷۱.
- ۳- کوه ها و کوهنامه ایران، عباس جعفری، ص ۱۲۳.
- ۴- فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور (تهران)، ج ۳۸، ص ۲۴۸ و نقشه شماره ۱۳۰، البرز مرکزی، گیتاشناسی.
- ۵- کوه ها و کوهنامه ایران، ص ۵۵.
- ۶- جغرافیای مفصل ایران، مسعود کیهان، ج ۳، نقشه مابین ص ۱۶۴ و ۱۶۵.
- ۷- همان مأخذ، ج ۲، ص ۳۵۸. لازم به ذکر است که در شناسنامه آبادی های کشور شهرستان ری سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، ص ۲ و ۶ به جای کناره گرد؛ کنارگرد بالا و پایین از بخش فشاپویه ذکر شده است.
- ۸- ر.ک: نقشه شماره ۱۳۰ البرز مرکزی، گیتاشناسی؛ جغرافیای استان تهران، ۱۳۶۳، ص ۳۵.
- ۹- نقشه ۵۰۱، ۵۰۰ ۶۲۶۰ III از استانداری قم.

۱۰- ر.ک: نقشه ۵۰۱,۰۰۰,۶۱۶۰ II از استانداری قم؛ نقشه ۱۸۳ گیتاشناسی؛ کوه ها و کوهنامه ایران، ص ۴۵۳.

ص: ۲۱

..

## رودخانه ها

رودخانه هاجندین رود مشهور و مهم ایران که به حوضه آبریز مرکزی ایران روان هستند همانند رودهای کرج، شور فشاپویه، جاجرود (در ناحیه مرز شرقی شهرستان ری) در شهرستان ری جاری هستند. نیز چندین رود کوچک دیگر که از البرز سرچشمه می‌گیرند در شهرستان ری جریان یافته سپس به رودهای کرج و جاجرود می‌پیوندند. (۱) رودخانه کرج: رود کرج از کوه البرز سرچشمه گرفته و پس از عبور از چندین شهرستان استان تهران به حوضه دریاچه نمک قم می‌ریزد، یک رودخانه دائمی و طولش ۲۴۵ کیلومتر است. این رودخانه با جهت شمال غربی جنوب شرقی سرتاسر عرض شهرستان ری را طی می‌نماید و از جمله از مجاورت شمال حسن آباد مرکز بخش فشاپویه عبور می‌کند. رود کرج پس از پیوستن به یکی از شاخه‌های جاجرود به نام جاروارو به دریاچه نمک قم می‌ریزد. (۲) رودخانه جاجرود رودخانه جاجرود یکی از رودهای دائمی (۳) و مهم شرق استان تهران است که با مسیر کلی جنوبی جاری است و در نهایت به دریاچه نمک استان قم می‌ریزد. شاخه‌ای از این رود از ناحیه مرز شرقی شهرستان ری عبور می‌کند. رودخانه جاجرود در شمار یکی از رودهای شهرستان ری هم ذکر شده که در زمستان‌ها و اوایل بهار از ۲۰ کیلومتری جنوب خاوری شهر ری، مرکز این شهرستان جریان می‌یابد. (۴) رود شور فشاپویه: رود طولانی شور با جهت شمال غربی جنوب شرقی، عرض شهرستان ری را طی می‌کند. این رود از ۶ کیلومتری جنوب حسن آباد فشاپویه عبور می‌کند و به شوره زار شرق حوض سلطان قم می‌ریزد. (۵) رود شور در بخشی از شهرستان ری به موازات رود کرج و در جنوب آن و با فاصله متوسط ۱۰ کیلومتری روان است و با طی یک قوس بزرگ راستگرد از فشاپویه ری خارج و به دهستان قمرود شهرستان قم وارد می‌شود. این رود، دائمی و ۴۲۰ کیلومتر طول دارد. (۶) رود شور از استان زنجان سرچشمه گرفته و پس از عبور از استان قزوین و جنوب غرب استان تهران و شهرستان زرننده، به شهرستان ری می‌رسد. شاخه‌های مشهور این رود عبارتند از: خررود، ابهرود، کردان، سرود در شهرستان زرننده. ۴. چندین رودخانه کوتاه هم از شهرستان ری عبور می‌کنند که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود. الف) رودخانه جعفرآباد یا دربند که از دامنه جنوبی کوه توچال سرچشمه گرفته و پس از عبور از خاور شهر ری و روستاهای امین آباد و اشرف آباد و چند روستای دیگر به رودخانه جاجرود ختم می‌شود. (۷) ب) رودخانه سرخه حصار این رودخانه از ارتفاعات شرق تهران سرچشمه گرفته و به رودخانه جعفرآباد پیوسته و از شرق شهر ری عبور می‌کند. (۸) ج) رودخانه کن این رود از ارتفاعات شمال شرقی امامزاده داود سرچشمه می‌گیرد و در مسیر خود ریزابه‌های متعددی را هم دریافت می‌کند. به این رودخانه، سولقان هم می‌گویند. رودخانه کن از بخش کهریزک شهرستان ری هم عبور می‌کند و در انتها به رود کرج می‌ریزد. (۹)

۱- در آمارنامه استان تهران ۱۳۷۳، ص ۲۵، علاوه بر سه رود اصلی استان تهران، نام تعداد قابل توجهی از رودهای فرعی این استان هم ذکر شده است.

۲- ر.ک: رودها و رودنامه ایران، عباس جعفری، ص ۳۸۸.

۳- ر.ک: همان مأخذ، ص ۱۶۳.

۴- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور (تهران)، ج ۳۸، ص ۱۶۶.



- ۵- . ر.ک: همان مأخذ، ص ۲۴۸.
- ۶- . ر.ک: رودها و رودنامه ایران، ص ۳۰۷.
- ۷- . ر.ک: همان مأخذ، ص ۱۶۷.
- ۸- . ر.ک: همان مأخذ، ص ۲۶۸.
- ۹- . ر.ک: همان مأخذ، ص ۲۸۰؛ فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور (تهران)، ج ۳۸، ص ۲۹۶.

ص: ۲۳

..

**پوشش گیاهی**

پوشش گیاهیشهرستان ری به لحاظ آب و هوای نیمه صحرائی، دارای جنگل طبیعی نیست. و جنگل دشت کاشت آن بالغ بر ۳۸۷ هکتار است؛ امّا از نظر مرتع نسبتاً غنی است و با ۱۶۶۲۰۰ هکتار در میان ۱۲ شهرستان استان تهران پس از فیروزکوه، ساوجبلاغ، دماوند رتبه چهارم را داراست. (۱) درختان گز و از گیاهانی که کاربرد دارویی دارند مانند خاکشیر، گل گاوزبان، کاسنی، کرچک و پونه در بسیاری نقاط می روید. (۲)

---

۱- ر.ک: سالنامه آماری استان تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۵. لازم به ذکر است که هم اینک در آخرین تغییرات تقسیمات کشوری، شهرستان ساوجبلاغ به دو شهرستان نظرآباد و ساوجبلاغ (با محدوده جدید) تقسیم شده است و شهرستان های تهران به ۱۳ رسیده است.

۲- فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور (تهران)، ج ۳۸، ص ۱۶۷.

## جغرافیای اقتصادی

### کشاورزی

جغرافیای اقتصادی شهرستان ری یکی از قطب‌های کشاورزی و دامداری استان تهران است. بازرگانی و صنعت هم در این شهرستان رونق دارد.

کشاورزی استان تهران را می‌توان از نظر اقلیمی به دو ناحیه تقسیم کرد: یکی ناحیه کوهستانی و معتدل کوهستانی و دیگری ناحیه دشت‌ها و کوهپایه‌های جنوبی البرز. شهرستان ری در جنوب تهران دارای آب و هوای نیمه‌صحرائی با بارندگی کم و فصل خشک طولانی است. با این همه دارای زمین‌های مناسب و مستعد کشاورزی است. اما کمبود آب و شوره زار دو عامل محدودکننده زراعت و دامداری این شهرستان بخصوص در نواحی جنوبی آن است. زمین‌های شهرستان ری از آبرفت‌های سیلابی دامنه جنوبی ارتفاعات البرز مرکزی و آبرفت‌های اطراف کوه آراد تشکیل یافته است که به وسیله قنات‌ها، مسیل‌ها و همچنین کانال‌هایی که از پایین دست رود کرج منشعب می‌شوند مشروب می‌شود. (۱) جهت آبیاری زمین‌های زیر کشت و باغات شهرستان ری از چاه‌های ژرف و نیمه ژرف و قنات استفاده می‌گردد. ضمناً برای هدایت آب رودخانه کن به منطقه کم‌آب فشاپویه کانالی در ۲ فاز حفر شده است. (۲) سطح زیر کشت محصولات سالانه و دائمی شهرستان ری در سال زراعی ۱۳۷۹/۸۰ شمسی بالغ بر ۳۳۱۵۱ هکتار حدود ۷/۱۶٪ اراضی استان بوده و پس از شهرستان ورامین مقام دوم را در سطح استان تهران داراست. (۳) شهرستان ری با تولید ۶۱۱۱۷ تن گندم آبی (حدود ۵/۳۱٪ استان) و جو آبی با تولید ۱۹۷۶۹ تن (حدود ۳/۱۶٪ استان) و با تولید ۵۳۲۹۴ تن گوجه‌فرنگی (حدود ۲۵٪ استان) پس از شهرستان ورامین مقام دوم را در استان تهران داراست. (۴) شهرستان ری در تولید ذرت دانه‌ای با ۵۰۹ تن (حدود ۵/۸۹٪ استان) و تولید ۱۸۴۹۳۵ تن سبزیجات (حدود ۴۲٪ استان) و تولید سایر نبات‌علوفه‌ای (غیر از یونجه) با ۲۲۴۶۰۵ تن (حدود ۸/۴۰٪ استان) مقام اول استان تهران را به خود اختصاص داده است. (۵) شهرستان ری در تولید هندوانه و یونجه در رتبه سوم، و در تولید پنبه در رتبه چهارم استان تهران قرار دارد. (۶) شهرستان ری از نظر باغداری و سطح زیر کشت باغات مثمر و غیر مثمر غنی نیست و رتبه نهم از میان ۱۲ شهرستان استان تهران را داراست. (۷)

۱- ر.ک: جغرافیای استان تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۳، ص ۳۴.

۲- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور (تهران)، ج ۳۸، ص ۱۶۷.

۳- سالنامه آماری استان تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۹۰.

۴- همان مأخذ، ص ۲۰۰ و ۲۰۶.

۵- همان مأخذ، ص ۲۰۱ و ۲۰۶ و ۲۰۹.

۶- ر.ک: همان مأخذ، ص ۲۰۷ و ۲۰۹.

۷- همان مأخذ، ص ۱۹۱.

ص: ۲۶

..

ص: ۲۷

**دامداری****معادن**

دامداری شهرستان ری با ۱۶۵۰۰۰ رأس گوسفند و بره، و ۴۰۰۰۰ رأس بز و بزغاله، و ۵۴۲۱۵ رأس گاو و گوساله به ترتیب، رتبه سوم در تعداد گوسفندان و بزها و رتبه دوم در گاو و گوساله در سطح استان تهران است. و با ۱۶۵۰ نفر شتر (حدود ۵۲٪ استان) مقام اول را در سطح استان تهران دارا می باشد. (۱) در شهرستان ری تعداد قابل ملاحظه ای مرغداری صنعتی وجود دارد که به تولید مرغ گوشتی و تخمی اشتغال دارند. همچنین پرورش ماهی در منابع آبی طبیعی و نیمه طبیعی رایج است و شهرستان ری در پرورش با این روش با ۱۹۵ تن (حدود ۹۰٪ محصولات استان) در رده اول استان تهران قرار دارد. نیز در پرورش ماهی در مزارع گرم آبی با ۳۲ تن مقام دوم استان را داراست. (۲)

معادن شماری از معادن فعال شهرستان ری عبارتند از منگنز محمدآباد، سولفات دوسود فشاپویه، کوارتزیت غنی آباد، سنگ آهک لپه زنگ، دولت آباد، صفائیه و چاه حمزه، بی بی شهربانو. در ضمن در مسیر رودخانه کرج معادن شن و ماسه موجود است که در چندین نقطه استخراج و مورد بهره برداری قرار می گیرد. (۳)

۱- همان مأخذ، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۲- همان مأخذ، ص ۲۴۴ و ۲۴۶.

۳- فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور (تهران)، ج ۳۸، ص ۱۶۶ ۱۶۷.

## صنایع و بازرگانی

## راه‌های ارتباطی

صنایع و بازرگانی استان تهران یکی از مراکز بزرگ و مهاجرپذیر و صنعتی کشور است. و شهرستان ری به عنوان سومین مکان تمرکز جمعیتی استان، بخش مهمی از این صنایع را در خود جای داده است. و صدها کارگاه و کارخانه کوچک و بزرگ صنعتی در این شهرستان دایر است. و چندین کارخانه مشهور کشور همانند پالایشگاه بزرگ نفت از جمله آن هاست. در سالنامه آماری استان تهران، تعداد برخی از این واحدهای تولیدی و صنعتی به صورت مجزا و برخی در شمار مجموعه استان تهران ارائه شده است. (۱) صنایع دستی و کارگاه‌های سنتی و بازرگانی و دیگر مشاغل خدماتی، شغل و پیشه بخش مهمی از ساکنان این شهر را تشکیل می‌دهد. وجود حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام هم، موجب آمد و شد زائران فراوان به این شهر گردیده است. از این رو بعد مذهبی این شهر هم باعث پدید آمدن مشاغل خدماتی در این زمینه گشته است.

راه‌های ارتباطی شهرستان ری در جنوب تهران در مسیر آزادراه‌ها و بزرگراه‌ها و راه‌های تهران به قم و جنوب ایران و منطقه ورامین قرار دارد. نیز راه آهن تهران مشهد و تهران شمال از شهر ری می‌گذرد. مجموع راه‌های اصلی و فرعی شهرستان ری بالغ بر ۸/۴۱۲ کیلومتر است و مشتمل است بر: ۳/۹۱ کیلومتر آزادراه و ۲/۹۷ کیلومتر بزرگراه (چهار خطه) و ۶/۱۴۹ کیلومتر راه اصلی معمولی و ۵/۱۳ کیلومتر راه فرعی آسفالت‌ده درجه یک و ۲/۶۱ کیلومتر راه شنی است. (۲) مجموع راه‌های روستایی شهرستان هم، بالغ بر ۳۰۷ کیلومتر است که مشتمل است بر ۱۷۱ کیلومتر آسفالت‌ده و ۸۲ کیلومتر شوسه و ۵۶ کیلومتر دسترسی. (۳) اولین راه آهن ایران از تهران به ری کشیده شد. در گزارش عصر ناصری تاریخ تهران آمده است: در سال ۱۲۹۹ ه. ق (عهد ناصرالدین شاه قاجار) مهندس بواتال امتیاز احداث خط آهن تهران شهر ری و یا به عبارتی شاه عبدالعظیم را از دولت ایران تحصیل نمود و پس از چندی، ساختمان این خط شروع شد. و لرد کرزن در این باره می‌نویسد: می‌گویند هر ساله ۳۰۰,۰۰۰ (سیصد هزار) نفر از تهران به آنجا برای زیارت می‌روند. دسترسی آسان، این محل را نقطه مورد علاقه‌ای در ایام تعطیل و زیارتگاهی محبوب نموده است. (۴) در ژوئیه ۱۸۸۸ (ذی‌قعدة ۱۳۰۵ تیر ماه ۱۲۶۷) شاه (ناصرالدین شاه) آن خط را افتتاح نمود. بهای بلیت بسته به درجات مختلف یک سره دو قران و یک قران و نیم و ده شاهی است. (۵) این راه آهن ۸۳۶۵ متر طول داشته است. (۶) اولین ایستگاه راه آهن شمال در قسمت خاور شهر ری واقع است. (۷) این ایستگاه در مسیر راه آهن مشهد و خراسان و آسیای میانه هم قرار دارد. و کثرت زائران مشهد رضوی علیه السلام به حدی است که امروزه این خط آهن پرتراфик ترین خط حمل و نقل مسافری ریلی ایران محسوب می‌شود.

۱- ر.ک: سالنامه آماری استان تهران ۱۳۸۰، ص ۲۸۱ ۲۲۳ (بخش صنعت)؛ ص ۳۸۵ ۴۱۳ (بخش بازرگانی، رستوران و هتلداری).

۲- سالنامه آماری استان تهران ۱۳۸۰، ص ۴۲۵ و ۴۲۶، برگرفته از آمار اداره کل راه و ترابری استان تهران.

۳- همان مأخذ، ص ۴۲۷، برگرفته از آمار سازمان جهاد کشاورزی استان تهران.

۴- تهران به روایت تاریخ، مسعود نوربخش، ج ۲، ص ۹۶۶.

۵- همان مأخذ، ص ۹۶۷.

- ۶- . جغرافیای مفصل ایران، مسعود کیهان، ج ۲، ص ۳۵۸.
- ۷- . فرهنگ جغرافیایی ایران، از انتشارات سازمان جغرافیایی ارتش، ۱۳۲۸ ش، ص ۱۰۲.



ص: ۲۹

..

ص: ۳۰

..

## جغرافیای انسانی

## جمعیت

## بخش مرکزی

جغرافیای انسانی جمعیت‌شهرستان ری طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، جمعیتی بالغ بر ۵۵۶۲۴۵ نفر است که از این تعداد ۴۲۱۰۲۰ نفر جمعیت شهری و ۱۳۵۲۲۵ نفر جمعیت روستایی را تشکیل می‌دهد. (۱) مطابق این آمار تراکم نسبی جمعیت کل شهرستان ری حدود ۲۴۳ نفر در کیلومتر مربع است. بر مبنای آمار سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران (۲) جمعیت کل شهرستان ری ۶۹۹۰۷۴ نفر است که ۱۵۸۵۴۲ نفر از آن جمعیت روستایی و ۵۴۰۵۳۲ نفر جمعیت شهری را تشکیل می‌دهد. و مجموع خانوارهای شهرستان ری بالغ بر ۱۶۳۸۵۳ می‌باشد که ۳۵۲۶۰ خانوار از آن روستایی و ۱۲۸۵۹۳ نفر شهری هستند.

بخش مرکزی جمعیت شهر ری مرکز شهرستان ری، مطابق آمار ۱۳۷۵، بالغ بر ۳۵۶۴۲۰ نفر می‌باشد. (۳) همچنین جمعیت ساکن در نقاط روستایی این بخش، ۶۲۹۶۰ نفر است. (۴) تراکم نسبی جمعیت بخش مرکزی بالغ بر حدود ۲۴۱۰ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد.

۱- سالنامه آماری استان تهران ۱۳۸۰، ص ۶۱.

۲- این آمار، مستند است به پاسخ چند آمار جغرافیایی ری، استعلامی نگارنده از سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، شهریور ۱۳۸۲.

۳- پاسخ خانم گیتی مرتضائیان کارشناس آمار از سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران به چند آمار جغرافیایی شهرستان ری، استعلامی نگارنده، اسفند ۱۳۸۱.

۴- شناسنامه آبادی های کشور، شهرستان ری، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، ص ۱۴.

**بخش کهریزک**

بخش کهریزک جمعیت بخش کهریزک مطابق سرشماری ۱۳۷۵، بالغ بر ۱۲۸۷۴۴ نفر است. (۱) و تراکم نسبی آن حدود ۲۳۷ نفر در کیلومتر مربع است. بخش کهریزک در حال حاضر دارای دو شهر به نام های کهریزک (مرکز بخش) و باقرشهر است. مطابق سرشماری ۱۳۷۵ جمعیت شهر کهریزک بالغ بر ۷۸۱۵ نفر است. (۲) همچنین باقرشهر دارای ۴۵۶۰۷ نفر جمعیت می باشد. ۳ نیز بر مبنای برآورد آمار ۱۳۷۹، شهرهای کهریزک ۱۵۴۷۹ نفر و باقرشهر ۵۲۷۸۰ نفر جمعیت دارند. (۳) بخش کهریزک، بخشی است پرجمعیت؛ اما تعداد جمعیت آن بعد از بخش مرکزی در رتبه دوم قرار دارد.

---

۱- همان مأخذ، ص ۶.

۲- همان مأخذ، ص ۱۴.

۳- همان مأخذ.

ص: ۳۳

**بخش فشاپویه****زبان و مذهب**

بخش فشاپویهبخش فشاپویه مطابق سرشماری ۱۳۷۵، بالغ بر ۱۶۸۱۷ نفر است (۱) و تراکم نسبی آن حدود ۱۰ نفر در کیلومتر مربع است. این بخش کم تراکم ترین ناحیه شهرستان ری است. حتی نسبت به سایر نقاط ایران هم ناحیه پرجمعیت، محسوب نمی شود. شهر حسن آباد مرکز بخش فشاپویه مطابق سرشماری ۱۳۷۵ جمعیتی بالغ بر ۱۱۱۷۸ نفر می باشد. (۲) همچنین این شهر بر مبنای برآورد آماری ۱۳۷۹ ش، دارای ۱۴۸۳۵ نفر جمعیت است. (۳)

زبان و مذهبمردم شهرستان ری، مسلمان و شیعه اثنی عشری هستند. و زبان بیشتر مردم این سامان فارسی و ترکی است. (۴) بر مبنای آمار اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران، شهرستان ری، تعداد ۲۸ اماکن متبرکه اسلامی و ۴۲۵ مسجد و ۷۲ تکیه و حسینیه دارد. ۵

۱- همان مأخذ. برای محاسبه آمار جمعیت بخش، آمار جمعیت شهر حسن آباد ۱۱۱۷۸ نفر مستند به سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، بر آمار جمعیت روستائی بخش ۶۶۳۹ نفر مستند به شناسنامه آبادی های کشور، شهرستان ری (ص ۲) با لحاظ نمودن تغییرات جدید تقسیمات کشوری ۱۳۸۱ افزوده شد.

۲- و ۴. همان مأخذ.

۳- فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور (تهران)، ج ۳۸، ص ۱۶۷.

۴- سالنامه آماری استان تهران ۱۳۸۰، ص ۶۶۹.

ص: ۳۴

**شهر زیارتی**

شهر زیارتی واقع شدن مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام در شهرستان ری، باعث گردیده که این شهر در شمار یکی از شهرهای معروف مذهبی ایران در آید و سالانه پذیرای هزاران زائر گردد. همچنین مدفن عده ای از امامزادگان و برخی از امرا و رجال دینی و سیاسی در این شهرستان قرار دارد.

## جغرافیای سیاسی

### تقسیمات کشوری

جغرافیای سیاسی تقسیمات کشوری شهر ری یکی از شهرهای کهن ایران با تاریخی پر فراز و نشیب، به ویژه پس از حمله مغول در مجموع دوران افول و سیر نزولی خود را پیموده است و گاه از نظر اهمیت به ضعیف ترین موقعیت خود تنزل نموده و با عنوان روستا (قریه) از آن یاد شده است. (۱) شرح تفصیلی آنچه گفته شد در بخش جغرافیای تاریخی ری، این نوشتار عرضه شده است؛ اما از حدود بیش از یک قرن پیش تا کنون شهر ری و ناحیه آن به تدریج و آرام آرام از ترقی تقسیمات سیاسی کشوری برخوردار شده است و از قریه به قصبه و شهر و همچنین به بلوک و بخش و سپس شهرستان، ارتقاء یافته است. ناصرالدین شاه در اواسط دوران پادشاهی اش مملکت را به چهار ایالت و بیست و سه ولایت تقسیم نمود. ولایت تهران یکی از بیست و سه ولایات ایران محسوب می شد. (۲) مسعود کیهان در کتاب جغرافیای مفصل ایران مطبوع به سال ۱۳۱۱ش نوشته است: در حال حاضر ایران به ۲۷ قسمت نابرابر تقسیم شده است. بر حسب اهمیت دارای حکامی هستند که به اسامی مختلف والی برای ایالت و حاکم بر ولایت و نایب الحکومه برای بلوک و غیره نامیده می شود. والی ها از طرف شخص پادشاه و حکام از طرف وزارت داخله معین می شوند و نایب الحکومه ها از طرف والی ها و حکام منصوب شده و مسئول آنها می باشند. (۳) با شرحی که گذشت می توان نتیجه گرفت هر ولایت از چند بلوک و هر بلوک از چند قریه و روستا تشکیل می شده است. مسعود کیهان، تقسیمات حکومتی ولایت تهران را ۱۳ بلوک ذکر کرده است. از جمله از هشتمین بلوک با نام بلوک غار و پشاپویه یاد کرده است. (۴) اما وی در جدول دیگری تعداد بلوک های تهران را ۱۴ و غار و پشاپویه را جداگانه ذکر کرده است. در این جدول مراکز بلوک ها و جمعیت و تعداد روستاهای آن ها آمده است. از جمله شمار آبادی های بلوک «غار» را ۱۷۴ قریه با جمعیت تقریبی ۲۹۱۵۶ نفر نوشته است. در شمار شهرها و قصبات این بلوک، از حضرت عبدالعظیم نام برده است. همچنین بلوک پشاپویه دارای ۵۵ روستا و ۴۹۳۷ نفر ذکر شده است. برای این بلوک قصبه یا شهری نوشته نشده است. مطابق این جدول، دو بلوک غار و پشاپویه جمعاً با ۲۲۹ روستا و ۳۴۰۹۳ نفر جمعیت؛ در آن تاریخ از نظر جمعیت، بعد از بلوک تهران و حومه رتبه اول را دارا بوده است و از نظر تعداد روستا هم اول بوده است. (۵) (تعداد روستای حومه تهران در جدول نیامده است). مسعود کیهان در شرح مبسوط دیگری از هشتمین بلوک ولایت تهران مجدداً با نام بلوک غار و پشاپویه یاد کرده است و غار و پشاپویه را یک بلوک به حساب آورده است. وی نوشته است: بلوک غار و پشاپویه از شمال محدود است به کوه سه پایه و حومه تهران و بلوک کن و از مغرب به بلوک شهریار و از جنوب به دریاچه قم و کویر و از مشرق به بلوک ورامین. قسمت شمالی آن موسوم به «غار» و قسمت جنوبی آن «پشاپویه» است. مرکز این بلوک، قصبه حضرت عبدالعظیم است. (۶) در سال ۱۳۱۶ در قانون تقسیمات کشوری ایران تغییرات مهمی رخ نمود و واحدهای استان و شهرستان و بخش پدید آمد. استان دوم به مرکزیت ساری بود و شهرستان های تابعه آن ساری، گرگان، سمنان، تهران، قم، کاشان بود. (۷) سپس در تقسیمات استانی تغییرات دیگری رخ نمود و استان مرکزی به مرکزیت تهران با ۶ شهرستان تهران، قزوین، قم، دماوند، ساوه و محلات پدید آمد. (۸) شهر ری مطابق اصلاح قانون تقسیمات کشوری مصوب ۱۹ دی ۱۳۱۶ به عنوان «بخش حضرت عبدالعظیم» از توابع شهرستان تهران استان دوم اعلام گردید. (۹) در ۱۳۱۷ ه. ش، فرهنگستان ایران، نام شاه عبدالعظیم را به شهر ری تغییر داد و از آن پس در نامه نگاری های رسمی و دولتی، شهر ری نامیده شد. ولی مردم محل هنوز هم شاه عبدالعظیم می گویند. (۱۰) شهرستان تهران به چندین بخش تقسیم می شد. یکی از بخش های آن، بخش ری به مرکزیت شهر ری بود این بخش از دو

دهستان غار و فشافویه تشکیل می‌گردید. (۱۱) هیئت وزیران در جلسه مورّخه ۱۳/۹/۱۳۳۶ بنا بر پیشنهاد ۵۳۵۷/۵/۵۴۴۲۲ وزارت کشور طبق تبصره ۲ از ماده ۲ قانون تقسیمات کشوری مصوّب آبان ماه سال ۱۳۱۶ تصویب نمودند بخش ری به شهرستان تبدیل و بخش‌های حومه و فشافویه از بخش‌های تابعه آن باشند. (۱۲) در تاریخ ۱۷/۳/۱۳۵۵ شهرستان ری منحل گردیده و در شهرستان تهران ادغام گردید. (۱۳) در تاریخ ۲۵/۷/۱۳۵۷ همزمان با تأسیس استان تهران، مجدداً شهرستان ری با سه بخش مرکزی، کهریزک و فشافویه به عنوان یکی از شهرستان‌های استان تهران موجودیت یافت. (۱۴) لازم به ذکر است که در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در استان مرکزی سابق به مرکزیت تهران، تغییراتی به وجود آمد. و آن ناحیه تبدیل به دو استان گردید. یکی استان تهران به مرکزیت تهران، دیگری استان مرکزی به مرکزیت اراک. همچنین قسمت‌هایی از استان مرکزی سابق به استان‌های سمنان و اصفهان و زنجان قبل از تأسیس استان قزوین ضمیمه گردید. در ۱۳۶۴ شمسی یک بخش بر بخش‌های شهرستان ری اضافه گردید. نام این چهارمین بخش، اسلام شهر بود. (۱۵) اما دیری نپایید که این بخش بسیار کم وسعت ولی پرجمعیت در سال ۱۳۷۳ ش به صورت شهرستانی مستقل از ری جدا گردید ۱۶ و تعداد بخش‌های شهرستان به سه تا تقلیل یافت. شهرستان ری دارای ۱۵۵ روستا و ۶ دهستان و ۳ بخش و ۴ شهر می‌باشد. از این مجموع، ۱۲۰ روستا دارای سکنه و ۳۵ روستا و مکان دیگر خالی از سکنه است. ۱۷ بخش‌های شهرستان ری به ترتیب: مرکزی، کهریزک و فشافویه از شمال به جنوب به صورت پلکانی واقع شده‌اند. مرکزی و کهریزک در نیمه کم عرض شمالی و فشافویه با عرض زیاد در نیمه جنوبی شهرستان قرار گرفته است.

- ۱- حدائق السیاحه، زین العابدین شروانی، ص ۲۵۴.
- ۲- ر.ک: بلوچستان و سیستان، اقبال یغمائی، ص ۷.
- ۳- جغرافیای مفصل ایران، مسعود کیهان، ج ۲، ص ۱۳۶ ۱۳۷.
- ۴- همان مأخذ، ص ۳۱۲.
- ۵- همان مأخذ، ص ۳۲۶.
- ۶- همان مأخذ، ص ۳۵۸.
- ۷- جغرافیای مفصل ایران، ربیع بدیعی، ج ۲، ص ۲۲۲.
- ۸- ر.ک: فرهنگ جغرافیایی ایران از انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، جلد نخست، ۱۳۲۸ ش، جدول صفحه ماقبل یک.
- ۹- یادداشت‌های مخطوط از اسناد تقسیمات کشوری مستند به آرشیو اسناد وزارت کشور توسط آقای نعمت‌الله محرمی از اعضای واحد تقسیمات کشوری وزارت کشور.
- ۱۰- پژوهشی در نام شهرهای ایران، ایرج افشار سیستانی، ص ۳۶۲.
- ۱۱- ر.ک: جغرافیای تاریخی ری تهران، میرحسین یکرنگیان، ص ۴۸ ۵۰.
- ۱۲- یادداشت‌های مخطوط از اسناد تقسیمات کشوری مستند به آرشیو اسناد وزارت کشور توسط آقای نعمت‌الله محرمی.
- ۱۳- و ۵. همان مأخذ.
- ۱۴- و ۲. همان مأخذ.
- ۱۵- سالنامه آماری استان تهران ۱۳۸۰، ص ۱۱. لازم به ذکر است که تعداد کل روستاهای شهرستان ری در سالنامه آماری استان تهران، ۱۳۸۰، ۱۶۴ تا و تعداد روستاهای مسکون ۱۲۹ تا نوشته شده است؛ اما بر اثر تغییرات تقسیمات کشوری بخش فشافویه در



سال ۱۳۸۱ش، ۹ روستا از شهرستان ری جدا گردیده است و تعداد روستاهای کل و مسکون این شهرستان به ترتیب به ۱۵۵ و ۱۲۰ تقلیل یافته است که شرح این تغییرات در ارائه دیگر اطلاعات جغرافیایی این نوشتار آمده است.

ص: ۳۶

..

ص: ۳۷

..

ص: ۳۸

..

ص: ۳۹

**بخش مرکزی**

بخش مرکزیبخش مرکزی به مرکزیت شهر ری جمعاً دارای ۲۳ روستا می باشد. این بخش دارای دو دهستان است به نام های دهستان خلایق به مرکزیت روستای خلایق با ۷ روستا در غرب این بخش، و دهستان غنی آباد به مرکزیت روستای غنی آباد با ۱۶ روستا (۱۱ تا مسکونی و ۵ تا خالی از سکنه) در شرق آن. بخش مرکزی دارای یک شهر است و آن شهر ری مرکز شهرستان ری است. (۱) این بخش که مرکز ثقل درجه اول جمعیتی شهرستان ری است. مساحتی بالغ بر ۱۷۴ کیلومتر مربع (۲) و حدود ۳۶/۷٪ وسعت شهرستان را تشکیل می دهد.

۱- همان مأخذ، ص ۱۱؛ شناسنامه آبادی های کشور، شهرستان ری، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران، نقشه صفحه پیش تر از یک (۱).

۲- نمایر اداره کل امور اجتماعی استانداری تهران در پاسخ به چند آمار جغرافیایی شهرستان ری، استعلامی نگارنده، فروردین ۱۳۸۲.

**بخش کهریزک**

بخش کهریزکبخش کهریزک به مرکزیت شهر کهریزک در جنوب بخش مرکزی شهرستان ری قرار دارد که دارای ۸۳ روستا است. این بخش دارای دو دهستان است به نام های دهستان قلعه نو به مرکزیت روستای قلعه نو با ۲۲ روستا (۲۰ تا مسکونی و ۲ تا غیر مسکونی) در شرق این بخش، و دهستان کهریزک به مرکزیت شهر کهریزک با ۶۱ روستا (۴۸ تا مسکونی و ۱۳ تا غیر مسکونی) در نیمه غربی بخش. همچنین بخش کهریزک دارای دو شهر به نام های کهریزک (مرکز بخش) و باقرشهر است. این بخش از نظر جمعیت و وسعت در سطح شهرستان ری حائز رتبه دوم است و با مساحتی بالغ بر ۵۴۳ کیلومتر مربع حدود ۲۳٪ وسعت شهرستان را تشکیل می دهد. (۱)

---

۱- ر.ک: همان مأخذ؛ سالنامه آماری استان تهران ۱۳۸۰، ص ۱۱؛ شناسنامه آبادی های کشور، شهرستان ری، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵.

## بخش فشاپویه

بخش فشاپویه این بخش یکی از بخش های قدیمی ری است که حتی در متون قرن چهارم هجری هم از آن یاد شده است (۱) که در بخش جغرافیای تاریخی این نوشتار شرح آن ارائه گردیده است. از این بخش با نام «بشاویه» (۲) و «فشاپویه» (۳) و «بسا» (۴) یاد شده است. بخش فشاپویه به مرکزیت شهر حسن آباد در جنوب بخش کهریزک و به طور کلی نیمه جنوبی و عریض شهرستان ری قرار دارد. این بخش دارای دو دهستان است. نیز دارای یک شهر به نام حسن آباد است که مرکز بخش محسوب می شود. این بخش کم جمعیت ترین ناحیه شهرستان ری است؛ (۵) امّا از نظر وسعت، وسیع ترین بخش شهرستان محسوب می شود. بخش فشاپویه با مساحتی بالغ بر ۱۶۴۵ کیلومتر مربع (۶) حدود ۷۰٪ وسعت شهرستان ری را تشکیل می دهد. بخش فشاپویه مطابق سالنامه آماری استان تهران ۱۳۸۰ دارای ۵۸ روستا بود که شامل دهستان وهن آباد با ۹ روستا (۸ تا مسکونی و ۱ غیر مسکونی) و دهستان حسن آباد با ۴۹ روستا (۳۵ تا مسکونی و ۱۴ تا غیر مسکونی). (۷) در سال ۱۳۸۱ در تقسیمات کشوری این بخش تغییراتی پدید آمد و مطابق مصوبه ۲۹/۵/۱۳۸۱ هیئت دولت، دهستان وهن آباد بخش فشاپویه از این بخش منتزع و به بخش مرکزی شهرستان رباط کریم الحاق گردید. (۸) نیز روستای صنعتی چرم شهر مطابق مصوبه ۱۰/۷/۱۳۸۱ از بخش فشاپویه منتزع و به دهستان بهنام عرب جنوبی بخش جوادآباد ورامین پیوست. (۹) همچنین مطابق مصوبه ۲۹/۵/۱۳۸۱ هیئت دولت دهستان کلین به مرکزیت روستای کلین در نیمه شرقی بخش فشاپویه ایجاد و تأسیس گردید. (۱۰) یعنی در حقیقت دهستان حسن آباد سابق به دو دهستان کلین و حسن آباد (با محدوده کوچک تر فعلی) تقسیم گردید. در حال حاضر بخش فشاپویه دارای ۴۹ روستا و دو دهستان می باشد. دهستان کلین به مرکزیت کلین با ۱۹ روستا (مسکون) و دهستان حسن آباد به مرکزیت شهر حسن آباد با ۳۰ روستا (۱۵ مسکون و ۱۵ غیر مسکون). (۱۱)

۱- . صوره الارض، ابن حوقل، ترجمه جعفر شعار، ص ۱۲۱.

۲- . همان مأخذ، ص ۱۲۱.

۳- . نزه القلوب، ص ۵۴.

۴- . المسالك و الممالک، استخری، ص ۱۷۱.

۵- . سالنامه آماری استان تهران ۱۳۸۰، ص ۱۱ و نقشه شهرستان ری در ششمین صفحه ابتدای کتاب؛ شناسنامه آبادی های کشور، شهرستان ری، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، ص ۲، و نقشه شهرستان ری در صفحه ماقبل یک.

۶- . نمابر اداره کل امور اجتماعی استانداری تهران در پاسخ به چند آمار جغرافیایی شهرستان ری، استعلامی نگارنده، فروردین ۱۳۸۲.

۷- . سالنامه آماری استان تهران، ص ۱۱.

۸- . روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، قوه قضائیه مورخ ۹/۶/۱۳۸۱، ش ۱۶۷۵۰، ص ۷. لازم به ذکر است که دهستان وهن آباد مجموعاً دارای ۹ روستا بود که یکی از آن ها خالی از سکنه و نامش فرودگاه بین المللی هفت تیر. در پاسخ استعلامی نگارنده از سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران در موضوع انتزاع دهستان وهن آباد، آمده است که کل دهستان وهن آباد از ری جدا

شده است. ظاهر مصوبه هیئت دولت هم بر این معنا دلالت دارد. اما در تماس با استانداری تهران و فرمانداری رباط کریم گفته شد که مکان خالی از سکنه فرودگاه بین‌المللی هفت تیر جزو بخش فشاویه باقی مانده است. به ویژه مطابق پاسخ استانداری تهران، این تغییرات در نقشه ضمیمه اعمال شده است. چون مصوبه هیئت دولت به همراه نقشه ضمیمه است. لذا در این نوشتار، فرودگاه بین‌المللی هفت تیر جزو شهرستان ری لحاظ گردیده است و جمع روستاهای جدا شده از ری، مجموعاً ۹ تا (۸ تا الحاقی به رباط کریم و یکی به ورامین) محاسبه شده است.

۹- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، قوه قضائیه، مورخ ۲۴/۷/۱۳۸۱، ش ۱۶۷۸۸، ص ۱.

۱۰- همان مأخذ، ش ۱۶۷۵۰، ص ۷.

۱۱- ر.ک: همان مأخذ؛ شناسنامه آبادی های کشور، شهرستان ری، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ با اعمال تقسیمات جدید کشوری ۱۳۸۱.



ص: ۴۲

..

ص: ۴۳

..

## روستاهای شهرستان ری

### بخش مرکزی

روستاهای شهرستان ریشهرستان ری در حال حاضر ۱۵۵ روستا و مکان و مزرعه دارد که اسامی روستاهای مسکون به تفکیک دهستان و بخش و آمار جمعیت مراکز دهستان ها و روستاهای با بیش از ۲۰۰۰ نفر بر مبنای آمار سال ۱۳۷۵ این چنین است. (۱)

بخش مرکزی دهستان خلانزیر به مرکزیت خلانزیر مشتمل بر ۷ روستا و ۱۶۵۲۹ نفر جمعیت است: حسن آباد باقراف، خلانزیر (۱۸۸۹ نفر)، شهرک رسالت (۹۷۷۱ نفر)، صالح آباد سیدآباد (۲۳۷۷ نفر)، کریم آباد، مرتضی گرد، یوسف آباد خلانزیر. دهستان غنی آباد به مرکزیت غنی آباد مشتمل بر ۱۶ روستا (۱۱ تا مسکون و ۵ تا خالی از سکنه) و ۴۶۴۳۱ نفر جمعیت است: اسلام آباد (۴۱۶۲ نفر)، پادگان انصار الحسین، توتک، خاورشهر (۹۵۱۱ نفر)، خورابین، سنگ تراشان، شرکت موزاییک سازی، غنی آباد، قیام دشت (۲۸۳۰۷ نفر)، لپه زنگ، مسگرآباد (۲۸۳۴ نفر).

۱- ر.ک: شناسنامه آبادی های کشور، شهرستان ری سرشمار عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. لازم به ذکر است که تعداد روستاهای بخش کهریزک مطابق آمار ۱۳۷۵ و ۱۳۸۰ دارای اندکی اختلاف است. و احتمالاً این اختلاف بر اثر ادغام دو واحد جغرافیایی در محدوده بخش یا الحاق به شهرستان های همجوار به وجود آمده است.

## بخش کهریزک

بخش کهریزک دهستان کهریزک به مرکزیت شهر کهریزک با ۶۱ روستا (۴۸ روستای مسکون و ۱۳ روستای خالی از سکنه) است که در آمار ۱۳۷۵ تعداد روستاهای مسکون ۵۲ و جمعیت روستایی آن قبل از تأسیس دو شهر باقر شهر و کهریزک، بالغ بر ۸۴۸۱۸ نفر ذکر شده است. اسماعیل آباد، اسماعیل آباد معین، بی بی مریم، پادگان مخابرات کهریزک، تبایین، تورقوزآباد، جعفرآباد باقراف، حسین آباد گردنه، حمزه آباد، خیرآباد، درسون آباد، دوتوهه سفلی، دوتوهه علیا، ده نو، رشیدآباد، سعیدآباد آهن چی، سلمان آباد، سلمبر (۲۶۹۶ نفر)، شریف آباد، شهرسنگ، شهرک امام حسن مجتبی (۴۴۰۵ نفر)، شهرک جعفرآباد (۴۶۰۴ نفر)، صادق آباد، عبدالله آباد اجاق، عبدل آباد گردنه، عظیم آباد، علی آباد باقراف، قاسم آباد شورآباد (۲۱۲۹ نفر)، قاسم آباد قنات شور، قلعه پروان، قلعه سنگی، قلعه سید، قلعه شریفی، قلعه شیخ (۲۲۷۹ نفر)، قلعه نو چمن زمین، قلعه نو حاجی موسی، قمصر (۳۹۹۳ نفر)، قوچ حصار (۳۹۶۵ نفر)، قیصرآباد، کبیرآباد، کریم آباد موقوفه، کک آباد، مافتون، محمدآباد امین، محمودآباد، مزرعه زه کش، مقصودآباد، مهدی آباد، میان آباد، نعمت آباد غار. دهستان قلعه نو به مرکزیت روستای قلعه نو با ۲۲ روستا (۲۰ تا مسکون و ۲ تا خالی از سکنه) است که در آمار ۱۳۷۵ جمعیت این دهستان ۴۳۹۲۶ نفر و تعداد روستاها ۲۵ تا مسکون و ۲ تا خالی از سکنه ذکر شده است. چاله طرخان، حسن آباد قنات کوچک، حمیدآباد، ده خیر (۲۱۹۴ نفر)، زمان آباد، طالب آباد (۲۳۰۷ نفر)، عباس آباد علاقند، عشق آباد، علی آباد قیصریه، فرون آباد (۹۲۶۴ نفر)، فیروزآباد (۸۲۹۰ نفر)، قاسم آباد تهرانچی، قشلاق حاجی آباد، قشلاق فرون آباد، قشلاق قلعه نو املاک، قلعه درویش، قلعه نو املاک، قلعه نو خالصه (۴۹۹۳ نفر)، قمی آباد، کریم آباد تهرانچی، گل تپه کبیر، محمودآباد (۳۷۹۵ نفر)، مقیم آباد، نجم آباد، نظرآباد.

**بخش فشاپویه**

بخش فشاپویه دهستان حسن آباد به مرکزیت شهر حسن آباد با ۳۰ روستا (۱۵ تا مسکون و ۱۵ تا خالی از سکنه) مطابق آمار ۱۳۷۵، دارای ۳۰۱۶ نفر جمعیت است. احمدآباد، حاجی آباد، سد خاکی فشاپویه، سلمان آباد، شرکت کشت و صنعت احنام، شرکت کشت و صنعت حسامک، شمس آباد، عزیزآباد، قلعه محمد علیخان، قلعه نو فشاپویه، کمالیه، کنارگرد بالا، کنارگرد پایین، ویجین بالا، ویجین پایین. دهستان کلین به مرکزیت روستای کلین با ۱۹ روستا و مطابق آمار ۱۳۷۵، دارای ۳۶۲۳ نفر جمعیت است. ابراهیم آباد، آراد، اسدآباد، اشتهازان، انیس آباد، بوالقیطاس، حسین آباد، حصارچوپان، خانلق، خمارآباد، دولت آباد خرابه، زلف آباد، زیوان، صفرآباد، علی آباد موقوفه، قنبرآباد، کلین (۴۹۰ نفر)، کوشک، محمدآباد. (۱)

۱- همان مأخذ، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، قوه قضائیه، ش ۱۶۷۵۰ و ۱۶۷۸۸ شهریور و مهر ۱۳۸۱.

ص: ۴۷

تذکر مهمتدوین این نوشتار در اواخر سال ۱۳۸۱ آغاز گردید و برای ارائه آخرین آمار و اطلاعات رسمی شهرستان ری، سالنامه آماری استان تهران، ۱۳۸۰ مطبوع در آذر ۱۳۸۱ و پاسخ های سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران و استانداری تهران به چندین آمار جغرافیایی استعلامی نگارنده به تاریخ اسفند ۱۳۸۱ و فروردین ۱۳۸۲، مبنای آماری قرار گرفت. اما در نیمه تابستان ۱۳۸۲ و به هنگام تحقیق و تکمیل مباحث جغرافیایی این نوشتار معلوم گردید که در تقسیمات کشوری بخش فشاپویه تغییراتی رخ نموده است. برای آگاهی پیرامون این تغییرات؛ درارتباط متعدد بامسئولین استانداری تهران وفرمانداری ری و بخشداری فشاپویه وفرمانداری رباط کریم و سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، از برخی اطلاعات لازم بهره مند گردید. اما این اطلاعات، کامل و کافی نبود که لازم است در این جا مواردی را متذکر شود. ۱. از ۱۳۶۶ شمسی تغییرات وسیعی در اجزای تقسیمات کشوری در سطح دهستان و بخش و شهرستان در ایران رخ نموده است و شهرستان ری هم از این تحولات برکنار نمانده است. مقایسه سالنامه آماری ۱۳۷۳ و ۱۳۸۰ در تعداد روستاهای دهستان های ری اختلاف های فاحشی را نشان می دهد. ازاین رو حتی در موارد آماری، همچون مساحت واحدهای جغرافیایی که در شمار آمارهای ثابت محسوب می شود؛ نمی توان به آمارهای پیشین اکتفانمود و یا با محاسبه و کم و زیاد کردن آمارها اجتهاد نمود و به نتیجه رسید. زیرامحاسبه، نیازمند آگاهی از جزییات تغییرات تقسیماتی است و بایستی فقط به جدیدترین منابع رسمی و معتبر استناد شود. ۲. مساحت بخش ها و جمعیت نسبی هر کدام از آن ها بر مبنای پاسخ مورخه فروردین ۱۳۸۲ استانداری تهران محاسبه شده است و معلوم نیست که مساحت دهستان انتزاعی وهن آباد، از مساحت بخش فشاپویه کم شده است یا نه؟ ۳. بر مبنای پاسخ استانداری تهران مورخه فروردین ۱۳۸۲، مساحت بخش های مرکزی و کهریزک و فشاپویه به ترتیب: (۱۷۴) (۵۴۳) و (۱۶۴۵) کیلومتر مربع و در مجموع مساحت شهرستان ری بالغ بر ۲۳۶۲ کیلومتر مربع است. اما مطابق پاسخ مورخه شهریور ۱۳۸۲ استانداری تهران مساحت ری بالغ بر ۱۷۷/۲۵۰۷ کیلومتر مربع است با وجود انتزاع ۹ روستا از این شهرستان. ۴. مساحت دهستان کلین در دسترس نبود. ۵. مساحت نواحی شهری در دسترس نبود. ۶. مطابق پاسخ مورخه شهریور ۱۳۸۲ استانداری تهران بنا بر آمار ۱۳۷۶ مساحت دهستان های خلایزیر (۱۴)، غنی آباد (۱۱۳)، قلعه نو (۱۹۸)، کهریزک (۳۸۴)، حسن آباد (با محدوده پیشین) (۱۳۷۶) کیلومتر مربع است. همچنین مطابق پاسخ مورخه مذکور مساحت بخش فشاپویه ۱۵۸۴ کیلومتر مربع است. ۷. شهرستان ری، از جنوب غربی به بخش زرنند شهرستان ساوه اتصال داشت. در جدیدترین تغییرات تقسیمات کشوری، شهرستان زرنندیه از تجزیه شهرستان ساوه تأسیس گردیده است و در تماس با فرمانداری زرنندیه گفته شد که شهرستان های ری و ساوه دیگر با هم مرز مشترکی ندارند. اما تحقیق دقیق تر در این موضوع میسور نگشت.

ص: ۴۸

..

## جغرافیای تاریخی ری

### اشاره

جغرافیای تاریخی ریری یکی از کهن ترین شهرهای جهان و خاورمیانه است که از نظر قدمت با نینوا و بابل هم عهد بوده است و از نظر عظمت، در سده های نخستین اسلامی از مهم ترین شهرها به شمار می آمده است و جز بغداد و نیشابور شهری با آن قابل رقابت نبوده است. (۱) شکوه و اعتبار ری همچنان در حال تداوم است؛ چرا که تهران در گذشته با ری، که روزی جزو آن بوده است، شریک است. تهران از نظر زمانی ادامه ری و از نظر مکانی بخشی از آن است. مرکز این دو شهر که در گذشته حدود یک فرسنگ فاصله داشته، امروز به هم پیوسته است. تهران که دویست سال است پایتخت شده اکنون کلان شهری است که جایگزین ری، این شهر باستانی شده که در عهد شکوفایی خود، قبل از هجوم مغولان، امّ البلاد به شمار می آمده است. (۲) پرداختن به جغرافیای تاریخی چنین منطقه ای از کشور در حجم محدود این نوشتار میسر نیست با این همه، گزارشی کوتاه عرضه شده است مشتمل بر نام های قدیم ری، تاریخ ری، اهمیت ری در گذشته، ری در متون کهن، اوصاف جغرافیایی ری و تقسیمات سیاسی تاریخی آن.

۱- ر.ک: شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، ج ۲، ص ۱۱۸ مقاله آقای دکتر حسین کریمان.

۲- ر.ک: تهران به روایت تاریخ، مسعود نوربخش، ج ۱، ص ۲.



## نام های قدیم ری

نام های قدیم ریری در دوران تاریخی پرسابقه خود، اسم ها و لقب های متعددی را بر گرفته است. فهرستی از این اسم ها که با استناد به منابع قدیم و جدید در فرهنگنامه تطبیقی مکان های جغرافیایی ارائه شده، این چنین است. آرساسیا، آرساکیا، ارازی، ارساگیا، ارشکیه، اروپوس، آلژی، اورپا، اورپس، اورپوس، ائورپوس، بت رازیکایه، حضرت عبدالعظیم، دورا، ر، راجیس، راجیش، راجیک، راز، رازی، رازوک، رازس، راک، راکس، راکیا، راک، راکا، راکای، راکز، راکس، راکو، راکیا، راکیان، رام اردشیر، رام پیروز (رام فیروز)، رائی، راورپس، رای، رغه، رک، رگ، رگا، رگس، رگه، ری اردشیر، ریشهر، شیخ البلاد، ماد پایین، ماد راجیان، ماد رازی، ماد راکیان، ماد رگیا، ماد سفلا، محمّديه، مدی، ئورپوس. (۱) در مقدمه فرهنگنامه تطبیقی، کثرت صور و ضبط بخشی از اسامی و القاب ذکر شده ری به علت تفاوت در تلفظ ها، گویش ها و ضبط ها و حتی احتمالاً بر اثر اشتباه ناسخان به صورت های مختلف بیان شده است. (۲) نکته دیگر آن که اسامی ری کامل نقل نشده و نیاز به تتبع بیشتری دارد. در اینجا برخی از این نام ها ذکر می شود. «عروس البلاد» (۳) و «ام البلاد ایران» (۴) دو تا از القاب مشهور ری در فهرست بالا، از قلم افتاده است. همچنین در یک تألیف متعلق به ۵۲۰ ه. آمده است: منوچهر پیشدادی، شهر ری را که خراب بود از نو بنا نهاد و آن را «ماه جان» نامید. (۵) شاردن سیاح و جهانگرد در دوره صفوی نیز، در شمار القاب و عناوین ری «باب الابواب الارض»، «سوق العالم» و «بلده البلاد» را ذکر می کند. (۶) نیز در مورد نام ری، در الواح بیستون در آن لوحی که به زبان مادی می باشد راگ ثبت کرده و در لوح دیگر که به زبان تورانی است «راگ کا آن». (۷) همچنین در یک متن جغرافیایی قرن چهارم هجری از ری با نام «مهديه» یاد شده و در علت این نامگذاری نوشته است: زیرا مهدی در روزگار منصور در ری اقامت داشت و رشید در آنجا زاده شد. (۸)

- ۱- فرهنگنامه تطبیقی نام های قدیم و جدید مکان های جغرافیایی ایران و نواحی مجاور، علیرضا چکنگی، ص ۲۱۲.
- ۲- ر.ک: همان مأخذ، ص ۸.
- ۳- هفت اقلیم، امین احمد رازی، ج ۳، ص ۳.
- ۴- نزهه القلوب، ص ۵۲.
- ۵- مجمل التواریخ و القصص، ص ۴۳.
- ۶- سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ج ۳، ص ۵۵.
- ۷- تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، محمدحسن خان اعتماد السلطنه، ص ۹۵.
- ۸- آکام المرجان، اسحاق بن حسین منجم، تحقیق فهمی سعد، ترجمه محمّد آصف فکرت، ص ۶۷.

## تاریخ استعمال نام های ری

تاریخ استعمال نام های ری در پیش از اسلام نام ری در دو منبع متعلق به یهود، در توبیت به صورت «راگس» (Rages) و در ژودیت «راگو» (Ragau)، و در اوستا «رغه» (Ragha) و در کتیبه بیستون (کتیبه ای از داریوش هخامنشی) «رگا» (Raga) ذکر شده است. نام ری در منابع یونانی «راگو» (Ragoe)، «راگا» (Rhaga)، «راگیا» (Rhageia)، در سریانی «Rai»، در ارمنی «Re»، در پهلوی «Rai»، «Rag»، «Rag» و «Rak» و در زبان های اروپایی نیز بدان صورت که در توبیت آمده نامیده اند. (۱)

ری را سلوکیان «اورپا» (Europa) یا «اورپوس» و «اورپس» (Europos)، (Europos) و اشکانیان «ارشکیه» (Arsakia) گفته اند. (۲) در عهد ساسانیان، به گفته ارباب مسالک و تواریخ آن را «ری» و «ری اردشیر» و «رام اردشیر» یا «ریشهر» و نیز «رام فیروز» می نامیده اند. (۳) در منابع جغرافیایی عربی آمده است که در دوران جاهلیت ری را «آزاری» می خواندند. (۴) از مشهورترین نام های دوران اسلامی این شهر «ری» و «محمّدیه» (۵) است. نویسندگان عرب آن را با الف و لام تعریف به صورت «الرّی» می نوشتند. (۶)

- ۱- ری باستان، ج ۱، ص ۶۷.
- ۲- همان مأخذ، ص ۶۸؛ در کتاب تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، ص ۵۸ نوشته است: پادشاهان اشکانی به شهر ری یا به قسمتی از این شهر که خودشان بنا کرده بودند «آرساکیا» می گفتند.
- ۳- همان مأخذ، ص ۶۸.
- ۴- ر.ک: معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۳، ص ۱۱۸.
- ۵- جغرافیای سرزمین های خلافت شرقی، لسترنج، ترجمه محمود عرفان، ص ۲۳۱.
- ۶- همان مأخذ، ص ۲۳۱.

ص: ۵۲

**نسبت ری**

نسبت ریمنسوبین به ری را «رازی» گویند. همچنین با افزودن یای نسبت به ری «ری» هم استعمال شده است. از جمله حمدالله مستوفی از شخصی به نام ملک فخرالدین «ری» نام برده است. (۱) ابن خلف تبریزی نوشته است: ری نام شهری است در عراق و نام پادشاه زاده ای هم بوده گویند او را برادری بود «راز» نام داشت. هر دو به اتفاق شهری بنا کردند در تسمیه آن ایشان را با هم نزاع شد. هرچه یک می خواستند به نام خود کنند بزرگان آن زمان برای دفع نزاع شهر را به نام «ری» و اهل شهر را به نام «راز» کردند و حالا نیز شهر را «ری» گویند و اهل شهر را «رازی». (۲) چنان که پیشتر بیان شد «راز» یکی از اسم های شهر ری بود. و با افزودن یای نسبت به آسانی واژه «رازی» به دست می آید. و در حدائق السیاحه وصف ری به صورت مستقل و همچنین در ذیل کلمه «راز» آمده است. (۳)

---

۱- نزه القلوب، ص ۵۳.

۲- برهان قاطع، ابن خلف تبریزی به اهتمام محمد معین، ج ۲، ص ۹۸۵؛ فرهنگ جهانگیری، میر جمال الدین حسین انجوی شیرازی، ویراسته رحیم عقیقی، ج ۱، ص ۳۲۷.

۳- حدائق السیاحه، ص ۲۵۴.

## وجه تسمیه ری

وجه تسمیه ریدر مورد وجه تسمیه ری بیانات مختلفی عرضه شده است که مشتمل بر دو بخش است. در بخش اول ری یا دیگر نام های این شهر، نام اشخاصی بوده است که بنای ری را به آنها نسبت داده اند و مستندات آن در این نوشتار و در فصل نام های قدیم ری و تاریخ استعمال این نام و نسبت ری ارائه گردیده است. بخش دوم هم شامل معنای لغوی یا افسانه های منقول است. شیخ ربوه دمشقی (متوفی ۷۲۷هـ) نوشته است. ری به معنی نیکویی است. (۱) همچنین «راج» یا «راک» از نام های ری به معنای مشعشع است. (۲) اعتماد السلطنه افسانه ای را به نقل از یاقوت آورده و می نویسد: در تواریخ قدیم ایران می نویسند که کیکاوس اختراع ارابه نمود و آلا-تی در آن قرار داد که به واسطه آن به آسمان رود. حق تعالی به باد حکم داد آن ارابه را به ابر رساند و از آن جا سرنگون کند. کیکاوس با ارابه اش به دریای جرجان افتاد. کیخسرو پسر سیاوش چون به تخت نشست همان ارابه را مرمت کرد که به شهر بابل برد یعنی با ارابه به آنجا رود به محل شهری ری که رسید مردم او را دیده فریاد برآوردند که «به ری آمد» یعنی با ارابه آمد، چه ری در لغت فرس قدیم به معنای ارابه است. کیخسرو حکم کرد در آن محل شهری بنا کردند و آن را ری نام نهادند. (۳) اعتماد السلطنه در صحت این افسانه ها تردید می کند.

- ۱- . نخبه الدهر، شمس الدین دمشقی معروف به شیخ ربوه، ترجمه سید حمید طیبیان، ص ۳۱۳.
- ۲- . تاریخ اشکانیان (درر التیجان)، محمدحسن خان اعتماد السلطنه، به کوشش نعمت احمدی، ص ۸۱۴.
- ۳- . همان مأخذ، ص ۸۱۴ و ۸۱۵؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۶.

ص: ۵۴

..

## جغرافیای تاریخی توابع ری

### اشاره

جغرافیای تاریخی توابع ریسرزمین تاریخی ری دارای روستاها و قصبات و شهرهای متعددی بوده و از قضا نام تعداد زیادی از آن‌ها در متون کهن آمده است و این به علت موقعیت ممتاز ری به ویژه مرکزیت ارتباطی آن است که در حوادث مهم نام این نواحی ثبت شده است. مرحوم دکتر کریمان حدود ۲۴۰ تا از این نواحی را بر شمرده است. که تعدادی از آن‌ها تکراری است. و در صورت حذف مکررات هم شمارشان قابل توجه است. (۱) و تحقیق و بررسی اجمالی جغرافیای تاریخی این نواحی نوشتار مستقلی را می‌طلبد، حتی تبیین حدود و دایره تقسیماتی برخی از نواحی و قری و مزارع فعلی شهرستان ری که در متون کهن و شرح موقوفات ذکر شده نیازمند تحقیق است. از این روی در پایان این بخش فقط به ذکر اسامی توابع پیشین و فعلی تاریخی ری بسنده می‌شود. اما از میان آن نواحی به ضرورت، به جغرافیای تاریخی فشاپویه یکی از بخش‌های شهرستان ری در زمان معاصر پرداخته می‌شود. بخش فشاپویه یکی از بخش‌های سه‌گانه فعلی شهرستان ری است. این بخش از بخش‌های قدیمی ری است که در ادوار مختلف جزو ری باقی مانده است. ابن حوقل با نام «بشاویه» از آن یاد کرده است. (۲) در مسالک و ممالک استخری هم با نام «بسا» یاد شده است. (۳) در منتقله الطالبیه از منابع قرن پنجم آمده است: فشافویه از رُستاق ری است. (۴) یاقوت هم در شمار رساتیق مشهور ری از بشاویه نام می‌برد. (۵) مستوفی هم برای ولایت ری چهار ناحیه ذکر می‌کند یکی از آن‌ها را فشاپویه ذکر می‌کند و می‌نویسد: سیوم ناحیت «فشاپویه» است و در او سی پاره دیه است. کوشک و علیاباد و کیلین و جرم و قوچ آغاز معظم قرای آنجاست. (۶) احمد امین رازی هم فشاپویه را یکی از بلوک‌های ری نوشته است. (۷) در تقسیمات کشوری اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی، فشاپویه یکی از بلوکات ولایت تهران آمده است. (۸) در تقسیمات کشوری پس از سال ۱۳۱۶ش فشاپویه یکی از دهستان‌های بخش ری و سپس به عنوان یکی از بخش‌های شهرستان ری محسوب شده است. (۹) و هم اینک هم این بخش وسیع‌ترین بخش شهرستان ری است. کلین: در فرهنگ جغرافیایی ایران به سال ۱۳۲۸ش آمده است: روستای کلین جزو دهستان فشافویه بخش مرکزی ری شهرستان تهران، ۳۸ کیلومتری جنوب باختر شهر ری و ۵ کیلومتری خاور راه شوسه قم واقع است. (۱۰) ارتفاع کلین از سطح دریا بالغ بر ۹۳۵ متر و طول جغرافیایی آن ۱۸° و ۵۱° و عرض جغرافیایی ۲۰° و ۳۵° است. (۱۱) در شناسنامه آبادی‌های کشور، روستای کلین در شمار روستاهای بخش فشاپویه ری ذکر شده است و جمعیت آن مطابق آمار ۱۳۷۵ ش، ۴۹۰ نفر نوشته شده است. (۱۲) نام کلین در برخی از متون قدیمی آمده است. از جمله فیروزآبادی هم در کتابش قاموس المحيط نوشته است: کلین یکی از روستاهای ری است که محمد بن یعقوب کلینی از فقهای شیعه از آنجاست. (۱۳) در دوره قاجار در سفرنامه ناصرالدین شاه از کهریزک مرکز بخش کهریزک فعلی و حسن آباد مرکز بخش فشاپویه و روستای قلعه محمدعلی خان از این بخش نام برده شده است. (۱۴) در فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور (تهران) آمده است: از قراری که نقل کرده اند مکان فعلی کهریزک در قدیم محل جمع آوری کاه بوده و به همین دلیل به کاه ریزک نامگذاری گردیده و به مرور زمان کاه ریزک و بر اثر کثرت استعمال به کهریزک تبدیل شده است. (۱۵)

- ۲- . صورہ الارض، ص ۱۲۱.
- ۳- . المسالک و الممالک استخری، ص ۱۷۱.
- ۴- . منتقله الطالیبه، ص ۲۳۶.
- ۵- . معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۷.
- ۶- . نزہه القلوب، ص ۵۴.
- ۷- . هفت اقلیم، ج ۳، ص ۴.
- ۸- . جغرافیای مفصل ایران، مسعود کیهان، ج ۲، ص ۳۲۶.
- ۹- . ر.ک: به بخش تقسیمات کشوری کتاب .
- ۱۰- . فرهنگ جغرافیایی ایران، جلد نخست، سال ۱۳۲۸ ش، ص ۱۸۳.
- ۱۱- . فرهنگ آبادی ها و مکان های مذهبی کشور، محمدحسین پاپلی یزدی، ناشر بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۲- . شناسنامه آبادی های کشور، شهرستان ری سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، ص ۲.
- ۱۳- . قاموس المحيط، مجدالدین فیروزآبادی، ج ۴، ص ۲۶۵.
- ۱۴- . دو سفرنامه از جنوب ایران، تصحیح و اهتمام سید علی آل داود، چاپ اول، امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- ۱۵- . فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور (تهران)، ج ۳۸، ص ۲۹۶.

ص: ۵۶

..



ص: ۵۷

..

## اسامی توابع ری در گذشته

اسامی توابع ری در گذشتهدر کتاب ری باستان نام های توابع ری در گذشته این چنین آمده است (۱): ۱. آپامه ۲. آبه غار، مشهور به ده خیر ۳. آشب (بخشی از ناحیه طالقان) ۴. آوه ۵. آه ۶. مزرعه ابروهه ۷. ابهر ۸. آذون ۹. اردهن ۱۰. ارنبویه (رنبویه) ۱۱. ازدورقان ۱۲. اسان ۱۳. استاذ خرد ۱۴. استاذ افزون ۱۵. استناباذ (استوناوند) (استوناوند = استناباد و جَرَهْد) ۱۶. اسحق آباد ۱۷. اسفذن ۱۸. اشفیذَن ۱۹. اُسک ۲۰. افرندین (افریدون یا افریدن) ۲۱. مشهد امامزاده حسن ۲۲. اُنباہ ۲۳. اُنباہمه (نام امروزی امامه است) ۲۴. اندرمان ۲۵. اوین (ایوین) ۲۶. اهواز ۲۷. ایرین ۲۸. ایلمان ۲۹. ایوانک یا ایوان کیف یا ایوان کی ۳۰. بالغ آباد ۳۱. بامهر ۳۲. بانک ۳۳. برا (بوأ) ۳۴. برزیان ۳۵. برسین (ورزین) ۳۶. بشاویه (فشابویه) ۳۷. بشم ۳۸. بلنکومی ۳۹. مزرعه بند کردان ۴۰. بوسنه ۴۱. بهزان (بهنان) ۴۲. بهنام ۴۳. مزرعه بی بی مریم ۴۴. بیستی ۴۵. بیل ۴۶. تجریش (طجرت) ۴۷. مزرعه ترسناباد ۴۸. تهران (طهران) ۴۹. جائج ۵۰. جال کولی ۵۱. جاموران ۵۲. جرا ۵۳. جراذین (خراذین) ۵۴. جرجنبان ۵۵. جرم ۵۶. جلال آباد غار ری ۵۷. جوسق (مغرب کوشک) ۵۸. جوسق ۵۹. جی ۶۰. جیلان ۶۱. چال گاویان ۶۲. چهار هرز ۶۳. خاراکس ۶۴. خالدآباد ۶۵. خاوه ۶۶. خرماباد ۶۷. خسراهاباد (خسرو آباد) ۶۸. خشاب ۶۹. خوار ۷۰. خواجه ۷۱. خومین ۷۲. خوی (در مرز استان قم) ۷۳. خیل ۷۴. داشیلوا ۷۵. مزرعه دانگه استره ۷۶. داود آباد ۷۷. دبیران (دبیران) ۷۸. درمیه ۷۹. درود ۸۰. مزرعه دز ۸۱. دزاه یا دزک در ورامین ۸۲. دزاه قصران ۸۳. دستی (دشتی دشته) ۸۴. دستجرد ۸۵. دشتک ۸۶. دماوند ۸۷. دوریست (طرشت درشت) ۸۸. دولاب ۸۹. دولت آباد ۹۰. ده خاتون ۹۱. دهک ۹۲. دیرالجص یا دیرگچین یا دیرکرد شیر ۹۳. راشده شنست ۹۴. رام فیروز ۹۵. رباط خمار تکین ۹۶. روده ۹۷. زامین ۹۸. ساوجبلاغ ۹۹. ساوه ۱۰۰. سبور قرچ (قَرچ) ۱۰۱. سُد ۱۰۲. سرخاباد ۱۰۳. سُر ۱۰۴. سلوقان ۱۰۵. سن ۱۰۶. سونقین یا سوسنقین ۱۰۷. سیدآباد ۱۰۸. مزرعه سید عبدالله ایض ۱۰۹. سیرا ۱۱۰. سیروان (شیروان) ۱۱۱. سینک ۱۱۲. مزرعه سینک ۱۱۳. شاش ۱۱۴. مزرعه شاهی (مزرعه شرقی) ۱۱۵. شخره ۱۱۶. شکرآب ۱۱۷. شلمبه یا شلمبه ۱۱۸. شمیران ۱۱۹. شندر ۱۲۰. شنده ۱۲۱. شنشت ۱۲۲. شهرزور ۱۲۳. شهرستانک ۱۲۴. شهریار ۱۲۵. قلعه صید ۱۲۶. طالقان ۱۲۷. طورین ۱۲۸. طولان ۱۲۹. طیه ۱۳۰. عباس آباد ۱۳۱. عرادان خوار ری ۱۳۲. مزرعه علائین (در بلوک غار ری) ۱۳۳. علی آباد (کنار کیلومتر ۴ خط راه آهن شمال واقع گشته) ۱۳۴. علی آباد (در زیر قلعه طبرک) ۱۳۵. علی آباد (۲) ۱۳۶. عیالانه ۱۳۷. مزرعه عیساآباد ۱۳۸. مزرعه عین آباد ۱۳۹. غار (قار) ۱۴۰. فرزاد (فره زاد، فرح زاد، برزاد) ۱۴۱. فورارد ۱۴۲. فهرد ۱۴۳. فیروزان ۱۴۴. فیروز بهرام ۱۴۵. قلعه فیروز کوه ۱۴۶. قَرچ (ظاهراً همان ناحیه سبورقَرچ قدیم است) ۱۴۷. قزوین ۱۴۸. قسطانه ۱۴۹. قصر الملح ۱۵۰. قصران [داخل و خارج] ۱۵۱. قلوبس (۳) ۱۵۲. قم ۱۵۳. قوچ آغاز ۱۵۴. قوسین ۱۵۵. قوهه دشتی (قها، کها، قوهذ) ۱۵۶. قوهه سبور قرچ ۱۵۷. قها سبور قرچ (دوقوهه علیا و سفلی) ۱۵۸. کاسب ۱۵۹. کاواص ۱۶۰. کرج ۱۶۱. کرمانشاهان ۱۶۲. کرمانه ۱۶۳. کسکانه ۱۶۴. کشتانه ۱۶۵. کلین فشابویه (کلین) ۱۶۶. کلین بهنام ورامین ۱۶۷. کن ۱۶۸. کوشک ۱۶۹. کوشک دشت ۱۷۰. کومین ۱۷۱. کهنده (کهنده) ۱۷۲. کیاسارباد ۱۷۳. کیس ۱۷۴. کیسب (۴) ۱۷۵. لواسان ۱۷۶. مزرعه مافتان ۱۷۷. مامهن (نامهند) (۵) ۱۷۸. دشت ماوه ۱۷۹. مزرعه مبارک آباد، معروف به خیرآباد ۱۸۰. محله باغ ۱۸۱. مرجبی (مرکوی) ۱۸۲. مزدقان ۱۸۳. مسکویه (مشکویه) ۱۸۴. مشکاذین ۱۸۵. مفصل آباد (مفصل آباد) ۱۸۶. مقام خونی ۱۸۷. موسی آباد ۱۸۸. مهران ۱۸۹. مهران ۱۹۰. نرمق (نارمک) ۱۹۱. نرمین ۱۹۲. نوبهار ۱۹۳. وارنا ۱۹۴. واریان ۱۹۵. واریز ۱۹۶. ورام ۱۹۷. ورامین ۱۹۸. وزیق ۱۹۹. وسفنارد ۲۰۰. وسقند ۲۰۱. ونداد ۲۰۲. ونک ۲۰۳. وَهْن ۲۰۴. وَهْرَنْدازان ۲۰۵. وهشتاباد ۲۰۶. ویمه ۲۰۷. هاشمیه ۲۰۸. هرشیر ۲۰۹. هسنجان یا هسنگان ۲۱۰. هشتاد رودان ۲۱۱. هفتاد بولان ۲۱۲. هنزک یا هنزک ۲۱۳. مزرعه هوسنه ۲۱۴. یزدآباد والسلام

- ۱- ر.ک: ری باستان، ج ۲، ص ۴۷۶ ۶۴۲.
- ۲- در ذکر فشاپویه آمده است به زمان حاضر در فشاپویه سه دیه به نام علی آباد موجود است، و معلوم نیست که منظور از قریه فوق کدام یک از این هاست، لیکن ظاهراً به قرینه محل کوشک و کیلین گویا علی آبادی که در آن حدود به نزدیکی راه قم واقع است مراد بوده است. در حوزه ری باستان، در عصر حاضر بر روی هم بالغ بر هجده دیه به نام علی آباد موجود است. که بی گمان قدمت پاره ای از آن ها به قرون نخستین اسلامی می رسد. (ر.ک: ری باستان، ج ۲، ص ۵۹۴)
- ۳- (قلوصه به احتمال قوی نام دیگر این منطقه بوده است. ر.ک: ری باستان، ج ۲، ص ۶۰۷).
- ۴- در دیدگاه دکتر کریمان (احتمال اتحاد سه دیه اخیر را قوتی است).
- ۵- به نظر مؤلف ری باستان ظاهراً این محل با بومهن یا رودهن قابل انطباق است.

ص: ۵۹

..

ص: ۶۰

..

ص: ۶۱

..

ص: ۶۲

..

ص: ۶۳

..



ص: ۶۴

## تاریخ ری

## ۱. پیدایش ری

تاریخ ری ۱. پیدایش ریحمدالله مستوفی در بنای نخستین این شهر می نویسد: شهر ری را شیث بن آدم پیغمبر علیه السلام ساخت. هوشنگ پیشدادی از شاهان اساطیری باستان عمارت آن افزود و شهری بزرگ شد. بعد از خرابی، منوچهر بن ایرج بن فریدون تجدید عمارتش کرد. (۱) همچنین مؤلف هفت اقلیم می نویسد: در بنای شهر ری اختلاف بسیار کرده اند بعضی بر اینند که ری را راز بن اصفهان بن فلوح بنا کرده و برخی گویند راز بن خراسان ساخته و بعضی نقل می کنند هوشنگ. (۲) و کسانی هم روایت می کنند کیخسرو بن سیاوش. (۳) همچنین می گویند: ری شهری است که فیروز بن یزدجرد بنا کرد و آن را رام فیروز نام نهاد. (۴) در فرهنگ دهخدا آمده است: بانی ری، راز بن فارس بن لواسان و به قولی شیث بن آدم است. (۵) عده ای بنای ری را به «روی» از فرزندان نوح و یا ری بن بیلان بن اصفهان بن فلوح نسبت داده اند. (۶) حمزه بن حسن اصفهانی تاریخ آمد و شد و اقامت مهدی عباسی به ری را در سال های نیمه قرن دوم هجری بیان نموده است. (۷) یاقوت از جعفر بن محمد رازی نقل می کند: مهدی عباسی در زمان پدرش منصور به ری آمد و بنا نهاد شهر ری را آن چنانی که امروزه مردم در آن هستند و پیرامون آن خندقی قرار داد و در آن بنا کرد مسجدی جامع... و عملیات وی در سال ۱۵۸ پایان یافت. (۸) حمدالله مستوفی به فراز و نشیب های خرابی و آبادانی ری در دوران پیش از اسلام اشاره نموده و می نویسد: خرابی به ری راه یافت مهدی عباسی احیای عمارت آن کرد و شهر عظیم شد. (۹) همچنین لسترنج می نویسد: در زمان خلفای عباسی، نام رسمی یعنی دولتی ری، «محمّدیّه» بود به مناسبت این که، محمد، که همان مهدی خلیفه عباسی است، در زمان خلافت پدرش منصور در ری اقامت گزید و بیشتر آن شهر را تجدید عمارت کرد و پسرش هارون الرشید نیز در آنجا متولد گردید. شهر محمدیه، مهم ترین ضرابخانه آن ایالت بود و نام آن روی بسیاری از سکه های دوره خلفای عباسی دیده می شود. (۱۰)

- ۱- نزه القلوب، ص ۵۳.
- ۲- هفت اقلیم، ج ۳، ص ۳.
- ۳- معجم البلدان، ص ۱۱۶.
- ۴- همان مأخذ، ص ۱۱۶.
- ۵- فرهنگ دهخدا، ج ۲۲، حرف راء، ص ۲۴۲.
- ۶- ر.ک: ری باستان، ج ۱، ص ۷۰۷۱؛ در معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۷ بنای شهر ری را به مردی به نام ری، از بنی شیلان بن اصفهان بن فلوح بن سام بن نوح نسبت داده است.
- ۷- ر.ک: تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض و الانبیاء)، حمزه بن حسن اصفهانی، ترجمه جعفر شعار، ص ۲۰۰.
- ۸- معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۸.
- ۹- نزه القلوب، ص ۵۳.
- ۱۰- جغرافیای سرزمین های خلافت شرقی، ص ۲۳۱.

ص: ۶۵

..

## ۲. ری قبل از اسلام

۲. ری قبل از اسلامچنان که پیشتر گذشت، ری را مرکز دینی و پایگاه بزرگ مغان و زرتشتیان دانسته اند و گفته شده است که محل تولد زرتشت و مادرش ری بوده است. (۱) در دوره آشوریان، ری یکی از پنج ایالت ماد بود که در تصرف آنان بود. یهودیان قدیم ری از یهودیان کوچانده شده به ماد از جانب آشوریان هستند. (۲) هوخشتر پادشاه ماد، آشوریان را از سرزمین ماد راند و آن قوم را پس از قرن ها حکومت منقرض کرد. در طی سال های ۶۱۰ تا ۵۹۰ قبل از میلاد پادشاهی ماد نه تنها پادشاهی آشور را از پای درآورد بلکه پادشاهی های ماننا و اسکیت و اورارتو را نیز مطیع خویش ساخت. (۳) ری در دوران ماد از اهمیت خاصی برخوردار بود که در تقسیمات سیاسی تاریخی ری شرح آن عرضه شده است. کورش ماد را گشود و ری را به یکی از فرزنداناش واگذار کرد. (۴) داریوش پس از فتح بابل، شخصی به نام فرورتیش که یاغی شده بود شکست داد و او را که به ری فرار کرده بود دستگیر و در همدان به دار آویختند. (۵) نام ری در کتیبه بیستون که از داریوش به جا مانده به صورت «رگا» درج شده است. (۶) اسکندر در متلاشی کردن دولت هخامنشی و جنگ با داریوش سوم به ری رسید و پنج روز در ری ماند و به قشون استراحت داد. (۷) گفته شده است از ری سپاهی به کمک اسکندر رفته است و اعتمادالسلطنه این همکاری را به مردم پارت که بعدها سلسله اشکانیان از میان آنها برخاستند، نسبت داده است. (۸) در سال ۳۱۶ پیش از میلاد، «آنتیگن» یکی از سرداران اسکندر در جنگ با رقیب خود «اومنس» از ری عبور کرد این سردار مقتدرترین مرد آسیاگردید. (۹) در زمان سلوکیان زلزله ای شدید شهر ری را ویران کرد و سلوکوس اول معروف به نیکاتر (۳۱۲ تا ۲۸۰ قبل از میلاد) خرابی ها را مرمت و شهر را بار دیگر آباد گردانید و نام موطن خویش اورپس را بر آن نهاد. (۱۰) سلوکیان در پهنه ری و آبادی های دیگر نظیر آپامه که در آن حدود به وجود آورده بودند گروهی از مردم مقدونی را به منظور ترویج یونانیت مقیم گردانیدند. (۱۱) ری در زمان اشکانیان اهمیتی ویژه یافت و «ارشکیه» نامیده شد و پایتخت بهاره اشکانیان بود. (۱۲) گفته شده است که اردشیر پس از قتل اردوان و به زنی گرفتن دختری در شهر ری در کاخ اردوان چندی به سریر شاهی تکیه زد. مرزبانی ری به عهد ساسانیان به خاندان مهران واگذار گردید. از حوادث مهم دوران ساسانی پادشاهی بهرام چوبینه رازی و عصیان وی نسبت به هرمز و خسرو پرویز و سکه زدن درهم در شهر ری و تصمیم خسرو پرویز به تخریب این شهر است. خسرو پرویز بعد از شکست بهرام چوبینه واستقرار مجدد بر تخت پادشاهی، ری و گرگان و خراسان را به بندوی و بسطام، دایی های خویش داد. ۱۳

۱- ر.ک: ری باستان، ج ۱، ص ۶۲.

۲- همان مأخذ، ج ۲، ص ۹۳.

۳- تاریخ ماد، دیاکونف، ترجمه کریم کشاورز، ص ۲۷۵ تا ۲۹۵.

۴- ری باستان، ج ۲، ص ۹۶.

۵- همان مأخذ، ص ۹۷.

۶- همان مأخذ، ص ۹۸.

۷- ایران باستان، ج ۲، ص ۱۴۲۹ تا ۱۴۳۱.

- ۸- . ری باستان، ج ۲، ص ۱۰۰.
- ۹- . و ۴. همان مأخذ، ج ۲، ص ۱۰۱.
- ۱۰- . ر.ک: ایران باستان، ج ۳، ص ۲۱۱۵؛ ری باستان، ج ۲، ص ۱۰۲.
- ۱۱- . ر.ک: تاریخ اشکانیان (درر التیجان)، ص ۸۱۴؛ ایران باستان، ج ۳، ص ۲۶۴۵.
- ۱۲- . ری باستان، ج ۲، ص ۱۱۲ ۱۱۴.

ص: ۶۷

..

**۳. فتح ری به دست مسلمانان**

۳. فتح ری به دست مسلمانان پس از شکست سنگین نهاوند فروپاشی امپراطوری ساسانی آغاز شد و شهرها یکی پس از دیگری سقوط کرد. فتح ری را به تفاوت میان سال های ۱۸ ۲۴ هجری ذکر کرده اند. (۱) یعقوبی فتح ری را در سال ۲۳ ه. به دست قرظه بن کعب الانصاری دانسته است. (۲) طبری فتح ری را به سال ۲۲ ه. به دست نَعیم بن مقرن دانسته است. (۳) دکتر کریمان پس از ارائه اقوال مختلف متون تاریخی فتح ری می نویسد: در میان این متون نام هفت تن به عنوان فاتح ری به چشم می خورد. یکی از اسباب این اختلاف، عدم تسلیم یکباره مردم ری در برابر سپاه اعراب مسلمان بوده است که پس از فتح نخستین در هر فرصتی شورشی به پا می داشتند که سرداری از عرب آن را فرو می نشانند و آن را فتحی به حساب می آوردند و آن سردار را فاتح می شناختند. (۴) بلاذری ری را از جمله شهرهایی نوشته است که مردم آن با قبول جزیه و خراج بر مذهب خود باقی ماندند و آتشکده آنان خراب نگردید. (۵)

۱- همان مأخذ، ج ۱، ص ۱۵۲.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۷.

۳- تاریخ طبری، ابن جریر طبری، ج ۴، ص ۱۵۰.

۴- ری باستان، ج ۱، ص ۱۶۰ ۱۶۱.

۵- فتوح البلدان، بلاذری، ج ۲، ص ۳۹۰.

## ۴. ری بعد از اسلام

۴. ری بعد از اسلام (۱) در اواخر خلافت عمر، مغیره بن شعبه والی کوفه، کثیر بن شهاب حارثی را والی ری گردانید. وی مردم ری را که نقض عهد کرده بودند دوباره مطیع ساخت. کثیر در زمان معاویه نیز چندی والی این شهر شد و به امیرالمؤمنین علیه السلام دشنام فراوان می داد. عثمان در سال ۲۴ هـ براء بن عازب را والی ری گردانید. سعد بن ابی وقاص چون بار دوم والی کوفه شد، در آغاز سال ۲۵ هـ. برای سامان دادن به اوضاع پریشان ری به آنجا آمد و سپس به کوفه بازگشت. آخرین کس که ری را فتح نمود قرظه بن کعب انصاری در دوران ولایت ابوموسی در خلافت عثمان بود. در سال مرگ عثمان والی ری، سعید بن قیس بود. حضرت علی علیه السلام یزید بن قیس الارحبی را والی ری و همدان و اصفهان گردانید. همچنین یزید بن حجه از سوی علی علیه السلام والی ری و دشتی گردید. نیز ربیع بن خُثیم از طرف آن حضرت فرمانده جمعی از سپاهیان در ری و قزوین گردید. در زمان معاویه بن ابی سفیان حکومت بصره و ری و خراسان تا سال ۵۱ با زیاد بن ابیه بود. زمانی که عبیدالله بن زیاد از سوی یزید حکومت کوفه را بر عهده داشت، با فرمان مشروط و جداگانه ری به عمر بن سعد و شمر آن دو را در راه ارتکاب جنایت هولناک کربلا و شهادت سیدالشهداء علیه السلام و یاران پاکبازش تشویق نمود. پس از مرگ یزید، در سال ۶۴ مردم ری به رهبری «فرخان رازی» سر به طغیان برداشتند عامر بن مسعود امیر کوفه، محمد بن عمیر را به سرکوبی ایشان فرستاد لکن او کاری از پیش نبرد. و عامر، عتاب بن ورقاء را گسیل داشت و در نبرد سختی، فرخان کشته شد و همدستانش فرار کردند. در سال ۶۶ پس از استیلای مختار بر کوفه یزید بن ابی نجبه فرازی از سوی وی به حکومت ری منصوب گشت و به مدت ۱۸ ماه خراج این شهر به او می رسید. در سال ۶۸ گروهی از خوارج به ری حمله کردند و جمعی از مردم آن ها را یاری دادند عامل ری در این حمله کشته شد. مصعب بن زبیر عتاب بن ورقاء را فرستاد. او خوارج را شکست داد و غنایم زیادی به دست آورد. بنی امیه سلطه و نفوذ کامل به ری یافتند و میل اکثر مردم ری به سوی امویان و کارشان با والی خراسان بود. یکی از حوادث مهم ری، خروج سنباد خرمی است. مولانا اولیاءالله می نویسد: منصور مصمم بود ابومسلم را از میان بردارد و او را با فریب پیش خود خواند و وزرا ابومسلم را از مراجعت منع کردند نشنید و ابا کرد. سنباد نام نایی را بر سر مصالح و عمل بگذاشت و از ری پیش منصور بازگشت تا دید آنچه دید تا آخر گفت: ترک الرأی بالری. چون خبر کشته شدن ابومسلم رسید، سنباد به خونخواهی برخاست و رو به ری نهاد و ابوعبیده حاکم آنجا را شکست داد. و تمامت خزاین و اموال و نعمت ابومسلم را به دست آورد. و قریب صد هزار کس به گردش فراهم آمدند. منصور نیرویی به فرماندهی جمهور به ری گسیل داشت و سنباد شکست خورد و شصت هزار از نیروهای او کشته شدند. سنباد با فرستادن تحف و هدایای فراوان از حاکم طبرستان اسفهد خورشید پناهندگی خواست و او هم قبول کرد. و پسر عمویش طوس را به استقبال وی فرستاد؛ امّا بر اثر سوء تفاهمی که در مراسم استقبال پیش آمد، سنباد به وسیله طوس کشته شد. جمهور پس از پیروزی بر سنباد در ری، عَمّ طغیان برافراشت. منصور لشکری فرستاد و جمهور از ری گریخت و سرانجام در آذربایجان به دست کسانش کشته شد. منصور پسرش مهدی را برای مأموریت نظامی سوی خراسان فرستاد. مهدی در سال ۱۴۲ هـ. به مرو آمد. او به ری بازگشت و تا سال ۱۴۴ در آنجا اقامت کرد. سپس به بغداد و بار دیگر به سال ۱۴۶ به ری بازگشت و تا سال ۱۵۱ در آنجا ماند. آنگاه به بغداد رفت. مهدی دستور داد تا آن بخش از ری که در قرون سوم و چهارم آباد بود، پی افکنند. این بخش همان ری زیرین است. ری از سال ۱۴۹ هجری به نام محمد بن مهدی، «محمدیه» خوانده می شد. ولادت هادی چهارمین خلیفه عباسی را به سال ۱۴۶ در سیروان ری، نوشته اند. گفته شده است موسی هادی در حیات پدرش به ری آمد و روستای موسی آباد ری را ساخت. هارون الرشید برادر هادی و فرزند مهدی پنجمین خلیفه عباسی در سال ۱۴۸ هـ. در ری متولد شد، هارون به ری علاقه خاصی

داشت. وی فضل بن یحیی را والی ری، جرجان و طبرستان نمود. در سال ۱۹۵ ه. که دامنه اختلاف بین امین و مأمون بالا گرفت، امین سپاهی را به فرماندهی علی بن عیسی برای دفع برادر روانه خراسان کرد. امّا قبل از آن که این سپاه به خراسان برسد طاهر ذوالیمینین او را در نزدیکی ری مغلوب و مقتول کرد. با ظهور و آغاز حکومت های نیمه مستقل و مستقل ایرانی، بیشتر نیمه اول قرن سوم هجری ری در اختیار طاهریان قرار گرفت. حسن بن زید علوی داعی کبیر که در ری اقامت داشت، بنا به دعوت اهالی مازندران غربی در رمضان ۲۵۰ ه. به شمال رفت و حاکم محلی آنجا را شکست سختی داده و در شوال همان سال به آمل رسید. و پس از آن که طبرستان را به تصرف خود درآورد سپاهی به فرماندهی مردی از خاندان خویش برای تسخیر ری فرستاد، سردار مذکور ری را تسخیر کرد و عامل طاهریان از ری گریخت. مجدداً طاهریان به ری آمدند و سرانجام نماینده طاهریان شکست خورده و کشته شد. و ری برای داعی، مسلم گشت. در سال ۲۵۵ ری از طرف خلیفه عباسی المعتز سقوط کرد و از دست داعی بیرون شد و وی مجدداً در زمان معتمد، و به سال ۲۵۷ ری را به دست آورد. ری دوباره در سال ۲۵۹ ه. از دست داعی بیرون رفت در سال ۲۶۶ اساتکین نامی از ترکان بر ری غلبه یافت. در سال ۲۷۵ احمد بن حسن ماردانی بر ری غلبه یافت و به قول یاقوت تشیع را در آن دیار ظاهر گردانید. در سال ۲۸۱ المعتضد پسر خویش علی المکتفی را به ری فرستاد و ری و پاره ای از شهرهای جبال را به وی سپرد. به هنگام اقامت مکتفی در ری، جایگاهی در آنجا بنا گردید به نام مقام مکتفی. المکتفی عهد و لواء خراسان را برای امیر اسماعیل سامانی فرستاد با ذکر آن که امارت پس از او با پسرش احمد باشد و عهد و لواء ولایت ری و قزوین و زنجان را نیز بدان ضمّ کرد. و بدین گونه در سال ۲۸۹ ه. ری در اختیار سامانیان قرار گرفت. نوشته اند که سامانیان از نژاد بهرام چوبینه رازی و خاندان مهران بوده و در اصل از اهل ری بوده اند. اسماعیل ولایت ری را به برادرزاده اش ابوصالح منصور بن اسحاق سپرد وی شش سال در ری ماند. محمد بن زکریای رازی دانشمند مشهور ری، کتاب معروف طبّ منصورى (الکناشه) را به نام وی تصنیف کرد. در ۳۰۴ ه. یوسف بن ابی الساج والی آذربایجان و ارمیتیه با تزویر، ری را تصرف کرد. پسر ابی الساج تا سال ۳۰۷ ه. پس از جنگ های متمادی بیرون رفت، در سال ۳۱۰ مقتدر، حکومت ری و قزوین و ابهر و زنجان و آذربایجان را به یوسف بن ابی الساج سپرد. وی مجدداً در سال ۳۱۱ ه. به ری آمد. و سرانجام در سال ۳۱۴ ه. ری به تصرف سامانیان در آمد. در ۳۱۶ ه. اسفار بن شیرویه بر ری و کرج (محلی در حوالی اراک فعلی) غلبه کرد. و بعد از کشته شدن وی مردآویج زیاری تا ۳۱۸ ه. در ری اقامت داشت. مردآویج نیز ری را به پایتختی خویش برگزید و بناهایی استوار در آن ساخت. اما دولت او مستعجل بود. حکومت آل بویه از ۳۲۰ ه. آغاز شد و پس از قتل مردآویج، حسن رکن الدوله دیلمی از سوی برادر، اصفهان را فتح کرد و به گشودن همدان، ری، قم، قزوین و کاشان عازم شد، اما در ۳۲۷ ه. وشمگیر زیاری اصفهان را از دست حسن بیرون آورد. در ۲۱ ربیع الاول ۳۲۹ جنگ سختی در ری افتاد در این جنگ ابوعلی چغانی از امرای سامانی با حسن و علی از آل بویه به صورت محرمانه همکاری نموده و به جنگ ماکان عامل وشمگیر و وشمگیر پرداختند. ماکان با وجود نهایت رشادت در ری کشته شد. و وشمگیر به طبرستان گریخت. ابوعلی ری را گرفت و سر ماکان را با اسرای زیاد، به بخارا نزد امیر نصر سامانی فرستاده و حدود قلمرو سامانیان را تا حلوان (سرپل ذهاب امروزی) رساند. رکن الدوله در سال ۳۳۵ از نو بر ری و سایر اعمال جبال دست یافت. قلمرو آل بویه اعمال ری، جبل، فارس، اهواز و عراق تا نواحی شام و حجاز همه ایشان را شد و دو شهر بزرگ دنیای آن روز، یعنی بغداد و ری را پایتخت خود قرار دادند. در سال ۳۳۷ ه. مرزبان مسافری در ری طمع کرده و به قصد ری حرکت کرد. نیروهای رکن الدوله مرزبان را شکستی سخت دادند و آذربایجان را از دست پدر او و برادرش وهسودان گرفتند و ابومنصور طوسی یکی از فرماندهان اعزامی رکن الدوله یکسال در آذربایجان بود. ری تا سال ۴۲۰ قلمرو جانشینان رکن الدوله دیلمی بوده است. یکی از شخصیت های مشهور دیالمه ری و همدان و اصفهان، صاحب ابوالقاسم اسماعیل بن عباد (۳۲۶-۳۸۵) بود. وی از منشیان و بلغای بسیار معروف زبان عربی است. او مردی کریم و فضل دوست و بخشنده و نسبت به شعرا بذال و مشوّق بوده و در ری و اصفهان همه وقت در گرد او جمع کثیری از اهل علم و



بحث و شعر و ادب می زیسته و به نام او شعر می گفته و کتاب می نوشته اند. صاحب، مالک کتابخانه ای در ری بوده که جهت کثرت عدد کتاب و امتیاز نسخ در آن ایام بی مانند به شمار می رفته است. صاحب بن عباد در مذهب شیعه و حبّ اهل بیت علیهم السلام یگانه زمان بوده تا جایی که اهل اصفهان مذهب شیعه را به او نسبت می دادند. و کسی را که شیعه بود می گفتند آن کس بر مذهب صاحب بن عباد است. مؤیدالدوله بر تمام عراق عجم و گرگان و طبرستان امارت می کرد. او این ممالک را به تدبیر و کفایت وزیر نامیش صاحب بن عباد اداره می کرد. این وزیر لایق در زمان فخرالدوله دیلمی هم نفوذی فوق العاده داشت و در صفر ۳۸۵ در ری وفات یافت و به اصفهان حمل و در آنجا دفن گردید. در سال ۴۲۰ محمود غزنوی ری را تصرف کرد و فجایع زیادی در آنجا مرتکب گردید. محمود خود حنفی و اشعری متعصب بود؛ در ری دست به قتل و غارت و بیدادگری ها زد و دستور داد بی رحمانه جمع بسیاری از شیعیان آنجا را که کثرتی داشتند به اتهام باطنی و قرمطی بودن از دم تیغ گذرانند و دویست چوبه دار بر پا کرد و بزرگان آنها را به دار کشید و کارها را از ایشان گرفت و به ترکان سنی مذهب داد. معتزله ری را به خراسان فرستاد. و نیز به دستور او کتابخانه بزرگ ری را در آتش سوزاندند و بخشی از کتاب هایش را به خراسان فرستاد. در سال ۴۲۷ ه. ترکان غز به ری حمله بردند و تا سال ۴۳۰ ه. حملات آنها ادامه داشت. در سال ۴۳۴ ه. طغرل اول، مؤسس سلسله سلجوقی به ری آمد و حوادث بسیاری در زمان او رخ داد. طغرل، ری را به پایتختی خود انتخاب کرد. وی در سال ۴۵۵ ه. در ری درگذشت. در جمادی الاول سال ۴۹۵ محمد سلجوقی با لشکری فراوان به ری آمد و با برادرش برکیارق روبرو شد. اما پیش از جنگ سپاهیان او پراکنده شدند و محمد با هفتاد سوار به طرف اصفهان منهزم گردید. در ۵۱۱ در دوره سلاجقه شاه غازی رستم بن علی بن شهریار پنجمین پادشاه از فرقه ثانیه آل باوند ملوک طبرستان، یک سال و هشت ماه بر ری مسلط بود؛ زیرا در گرفتاری سنجر به دست ترکان غز برادرزاده اش سلیمان شاه گریخته و نزد شاه غازی آمده و شاه غازی او را به همدان برد و بر تخت نشاند. سلیمان شاه اعمال ری را تا مشکو به شاه غازی مسلم داشت. و خواجه نجم الدین حسن عمیدی یک سال و هشت ماه به نیابت ملک غازی در ری بود. شاه غازی مدرسه ای در ری بنا نهاد که از مدارس معروف شیعه بود. در سال ۵۲۲ سلطان سنجر از خراسان به ری آمد. در سال ۵۵۵ ه. اینانج یکی از غلامان سلجوقی بر ری استیلا یافت. در سال ۵۶۴ ایلدگز از اتابکان آذربایجان لشکری به ری برد و آنجا را گرفت و اینانج به دست غلامانش به قتل رسید. در ۵۹۰ ه. طغرل سوم به دست خوارزمشاهیان در ری کشته شد. تکش خوارزمشاه پس از سقوط سلاجقه، ری را به پسر خود یونس خان سپرد. ری از ۵۹۰ تا ۵۹۲ بین قتلغ اینانج پسر جهان پهلوان و با همدستی وزیر خلیفه از سوی و خوارزمشاهیان از سوی دیگر و همچنین در ائتلافی جدید و دیگر قتلغ اینانج و خوارزمشاهیان علیه وزیر خلیفه، دست به دست گشت و سرانجام در اختیار تکش خوارزمشاه قرار گرفت. آی تَغْمِش یکی از غلامان اتابکان آذربایجان از سال ۶۰۰ بر ری و همدان و بلاد جبل استیلا یافت. شمس آی تغمش تا ۶۰۸ بر همدان، اصفهان و ری حکومت می کرد. در سال ۶۰۸، ناصرالدین منگلی یکی از زیردستان آی تغمش بود که بر او شورید و آی تغمش به بغداد گریخت. منگلی تا ۶۱۲ ه. بر عراق (منظور عراق عجم است که ری هم جزو آن محسوب می شد) حکومت کرد و در این سال در ساوه کشته شد. درگیری های مذهبی ۵۸۲ ه. ری خسارت بار بود. در جنگ شیعه و سنی (حنفی و شافعی) سنی ها پیروز شدند و عدّه زیادی از اهالی کشته و شیعیان جلای وطن نمودند. یاقوت گوید که حنفی ها و شافعی ها پیروان شیعه، نصف جمعیت شهر را قلع و قمع کردند. و متعاقب آن، جنگ بین حنفی ها و شافعی ها در گرفت و شافعی ها پیروز شدند. و حنفی ها خسارات سنگینی را متحمل شدند. در ۶۱۷ ه. چنگیز، جبه و سوبدای را با سی هزار تن سوار مأمور تعقیب سلطان محمد خوارزمشاه کرد که از خراسان با شتابی هر چه تمام تر از برابر سپاه مغول به عراق می گریخت جبه گروهی از سپاهیان را برداشت از راه جوین عازم مازندران شد. سوبدای نیز با دسته دیگر متوجه طوس و خوبوشان و اسفراین و دامغان گردید. و راه ری را در پیش گرفت. خوارزمشاه در فرار خود به ری رسید و از آنجا به قلعه فرزین و سپس گیلان و مازندران و جزیره آبسکون رفت و سرانجام در آنجا مرد. نیروهای مغول به رهبری سبتای از شاهراه دامغان

و سمنان به ری آمدند و جبه هم پس از غارت مازندران به خصوص آمل، به ری رسید. مغولان در ری شهر را غارت کردند. گروه انبوهی را به قتل رساندند و اطفال و زنان را اسیر کردند و از ظلم و کشت و کشتار و غارت و جنایت چنان کردند که تا به آن روز گوشی نشنیده و چشمی ندیده بود. اندکی از مردم توانستند به سوی پناهگاه‌های کوهستانی قصران فرار کنند. پس از این همه فجایع، مغولان به طلب خوارزمشاه از ری بیرون رفتند. پس از پایان یافتن فجایع مغول در ری و درگذشت خوارزمشاه در آبسکون، پسرش سلطان غیاث الدین که کرمان، جبال و ری به نام او بود، پس از تحرکاتی در کرمان و فارس و ... در زمستان ۶۱۹ وارد ری شد و به شاهی نشست. سلطان جلال الدین چون از سلطه برادر در عراق آگاهی یافت خود را از هند به مکران و کرمان و شیراز و اصفهان رسانید و در بین راه بسیاری از لشکریان او به خاطر بدی آب و هوا تلف شدند. در اینجا جلال الدین اطلاع یافت که برادرش غیاث الدین در ری است سپس عازم آنجا گردید. چون غیاث الدین خبر آمدن برادر و استیلای او را شنید، با سی هزار سوار به جلوگیری او آمد؛ ولی جلال الدین به وسیله فرستادن سفیری برادر را از جنگ بازداشت و غیاث الدین به ری برگشت و غالب رؤسای لشکری او امر جلال الدین را پذیرفتند. غیاث الدین چون این حال را مشاهده کرد از جلوی برادر گریخت و جلال الدین به ری مسلط گردید و برادر را امان داد. وی در سال ۶۲۱ ه. راه همدان را در پیش گرفت. در این هنگام گروهی دیگر از تاتارها به دستور چنگیز به ری و بلاد دیگر آن حدود تاختند و آنچه از مردم که در تهاجم نخستین جان سالم به در برده و به شهر ری بازگشته بودند دچار قتل و غارت مغولان شدند. فاجعه عظمی حمله مغول در ۶۱۷ و ۶۲۱ چنان ضربتی بر ری وارد آورد که دیگر هیچ گاه این شهر آبادی و اعتبار پیشین را به دست نیاورد و به قول نجم الدین دایه رازی از یک شهر ری کمابیش هفتصد هزار آدمی به قتل آمده و اسیر گشت. پس از افول قدرت خوارزمشاهیان، ایلخانان مغول در ایران از جمله در ناحیه ری حکومت کردند. ری جزو منطقه نفوذ طغایموریان (۷۳۹-۷۵۲) قرار گرفت؛ اما دیری نپایید که این شهر در اختیار شاهان آل بادوسپان مازندران در آمد. امیر ولی، سرزمین ری را از دست آل بادوسپان خارج ساخت. سلطان اویس جلایری در ۷۷۲ ه. ری را از دست امیر ولی گرفت و حکومت ری را به یکی از امرای خود قتلغ شاه وا گذاشت. قتلغ شاه دو سال بعد مرد و مقام او، نصیب عادل آقا از امرای جلایری شد. امیر ولی بار دیگر به عزم تسخیر عراق (عجم) به این دیار آمد و شهر ساوه را گرفت و به جرجان برگشت. در سال ۷۸۴ سلطان حسین جلایری با گسیل اکثر سپاهیان خود به سلطانیه و با استعانت از عادل آقا در صدد گرفتن بعضی از قلاع ری از چنگ امیر ولی بود که به صورت ناگهانی توسط برادرش کشته شد. در ۷۸۶ سپاهیان امیر تیمور ری را تصرف و به کشت و کشتار مردم پرداختند. ری مدتی در تصرف تیموریان بود. در ۸۲۳ اسکندر و جهانشاه قراقویونلو، در جنگ با شاهرخ تیموری، ری را از دست دادند. از ۸۵۰ ه. جهانشاه بر عراق عجم و فارس و کرمان مستولی شد. از ۸۷۳ اوزن حسن آق قویونلو، بر اکثر نواحی ایران از جمله ری مسلط شد. بعد از قدرت یافتن صفویان ری در تصرف آنان درآمد. در دوران حکومت شاه طهماسب اول صفوی، تهران که یکی از قصبات اطراف ری بود وارث شهر کهن ری شد. اما هنوز ری از نظر اسمی اهمیت خود را حفظ کرده بود و نام عمومی منطقه به نام ری خوانده می شد هر چند مرکز منطقه، دیگر شهر تاریخی ری نبود. اما کم کم این اهمیت اسمی هم کم رنگ شد. به خصوص پس از انتخاب تهران در سال‌های نخستین قرن سیزدهم هجری به عنوان پایتخت، دارالخلافه تهران شهرت و آوازه اش فراگیر شد. اما بر خلاف حرکت صعودی و شتاب دار تهران، ری در مسیر تاریخی خود چنان تنزل نمود که از آن به عنوان قریه و قصبه حضرت عبدالعظیم نام برده می شد. در دای اخیر مجدداً ری ابتدا به صورت بخش و سپس شهرستان ترقی نمود و به عنوان شهری پرجمعیت در اتصال به کلان شهر تهران، به موجودیت جدید خود ادامه می دهد.

۱- . در تقریر این بخش از منابع ذیل استفاده گردید: اخبار الطوال، دینوری؛ الکامل، ابن اثیر؛ راحه الصدور، راوندی؛ معجم البلدان، یاقوت حموی؛ تاریخ رویان، اولیاءالله آملی؛ تاریخ غزنویان و سامانیان و آل بویه از جامع التواریخ، رشیدالدین فضل الله؛ حبیب السیر، خواندمیر؛ تتمه المنتهی، محدث قمی؛ تاریخ مفصل ایران، عباس اقبال آشتیانی؛ ری باستان، حسین کریمان؛ کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، عزیزالله بیات؛ تاریخ آل بویه، علی اصغر فقیهی؛ یادداشت های نگارنده در کتابی با عنوان روزشمار تاریخ ایران از ۶۰۷ تا ۹۰۷ ه .

ص: ۷۰

..

ص: ۷۱

..

ص: ۷۲

..

ص: ۷۳

..

ص: ۷۴

..



ص: ۷۵

..

ص: ۷۶

..

ص: ۷۷

..

ص: ۷۸

..

## اهمیت ری

اهمیت ریشهر ری را، پیش از اسلام، مرکز دینی و پایگاه بزرگ مغان و زرتشتیان دانسته اند. شهری مقدس به شمار می آمده، و نوعی حکومت دینی، نظیر حکومت پاپ در واتیکان، به وسیله موبدان موبد، که عنوان «زرتوشترتمه» (Zarathoushtrotema) یعنی همان زرتشت داشته، در آنجا برقرار بوده است. (۱) در آن‌ها نیا نوشته شده است: در سنت ایرانیان، دغدویه، زن پورشسب و مادر زرتشت، از ری بوده است. در حیب السیر هم ذکر گردیده که مادر زرتشت از ری بوده است. در کتاب مزدیسنا نیز از قول هر تسلفد چنین آمده: زرتشت در خانه پدر خویش پورشاسپه (پورشاسپ)، در رگا (ری) متولد گردید. (۲) دیاکونوف احتمال می دهد که مصمغان مقیم استوناوند دماوند ری، جانشینان قدرت جسمانی و غیر روحانی زرتشت باشند که در ری رئیس ایالت بود. (۳) قلعه استوناوند یا استناباد قلعه ای است که میان ری و آمل قرار داشته و گفته اند از تاریخ بنای آن سه هزار سال می گذشته. این محل جایگاه دائمی مصمغان (مسمغان = مه مغان یعنی بزرگ تر مغان) بوده است که تا سال ۱۴۱ هجری حکومتی مستقل داشتند و در این سال به فرمان منصور دوانیقی از میان برداشته شدند. (۴) نام ری در کتاب توبیت از داستان های دوره اسارت یهود آمده است. توبیت از بزرگان یهود بوده است. مذکور افتادن نام ری در داستان توبیت، بدان صورت که وی را بدانجا امید یوده، ظاهراً ارج و احترامی به این شهر باستانی به نزد معتقدان به وی بخشیده بود. نیز ری اقامتگاه یهودیانی بوده که سلم نصر آشوری آنان را تبعید کرده است. (۵) اما ری در عهد اسلامی نیز تا قبل از حمله مغول یکی از مناطق ممتاز و با عظمت محسوب می شده است. در جوامع روایی (در ذیل بلاد مذموم و ممدوح) (۶) و متون جغرافیایی، احادیثی در مورد ری نقل شده است. آقای دکتر حسین کریمان در پژوهش مفصل خود در این زمینه، یک روایت در مدح ری از احسن التقاسیم نقل کرده است که آن هم خبر مرفوع و غیر مسند است. در مقابل در بسیاری از منابع، احادیثی در ذم ری وارد شده است. از جمله در بحار از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که «... أهل المدینه تدعی الرّی هم أعداء الله و أعداء رسوله و أعداء أهل بینه...» (۷) همچنین در معجم البلدان از امام جعفر صادق علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام احادیثی نقل شده است که ری از شهرهای ملعونه و شوم برشمرده شده است. (۸) ابن اثیر در گزارش حوادث اواخر بنی امیه، اکثر مردم شهر ری را هواخواه امویان و سفیانی کیش بر می شمارد. «أكثر أهلها لميلهم إلى بنی أمیه، لأنهم كانوا سفیانیة...» (۹) اسکافی هم ری را در شمار شهرهایی می آورد که قبلاً مردم آن جا ناصبی بوده و سپس مستبصر گشته اند. (۱۰) اما به مرور زمان تشیع در ری گسترش یافت به طوری که عدّه زیادی از اکابر اصحاب ائمه علیهم السلام و علما و محدثین شیعه از این شهر برخاستند و سرانجام مذهب شیعه، مذهب عموم مردم گردید. از این رو، علامه مجلسی می نویسد: دور نیست که احادیث ذمّ برخی از بلاد، همانند ری مربوط به همان زمان (معصومین) باشد نه تا زمان قیامت. (۱۱) کجوری نیز در مورد حدیث امام جعفر صادق علیه السلام می نویسد: محمول است بر وقت و زمان، یعنی همه وقت نیست. (۱۲) دکتر کریمان هم می نویسد: گمان می رود آن چه در ذم ری گفته شده، مخصوص همان زمان معصومان علیهم السلام بوده است نه تا به ابد. (۱۳) شکوه ری در تاریخ اسلام با خاطره ای تلخ همراه است. حمدالله مستوفی می نویسد: ملک ری به عظمتی بوده که حکومتش در اول عمر سعد علیه اللعنه باعث قتل امیرالمؤمنین حسین بن علی رضعهما شد و آن حکایت مشهور است. (۱۴) طمع به حکومت ری باعث رقابت و مسابقه در ارتکاب جنایت هولناک کربلا، از سوی عمر بن سعد و شمر گردیده بود. و سرانجام این طمع، عمر بن سعد را فریفت و دستش را به خون سومین امام معصوم علیه السلام و یاران پاکش آلوده ساخت. این دو بیت شعر به عمر بن سعد، منسوب است: أترک ملک الرّی و الرّی رغبها أم أرجع مذموماً بقتل حسیّین و فی قتله النار التي لیس دونها حجاب و ملک الرّی قرة عین (۱۵) آیا حکومت ری را که خواسته و آرزوی من است، فروگذارم یا با کشتن حسین

نکوهیده شوم و در قتل حسین آتشی است که در برابر آن سپری وجود ندارد. و حکومت ری مایه روشنی چشم است. شروانی آورده است: یثرب به باد رفت به تعمیر ملک شامبیطحا خراب شد به تمنای ملک ری (۱۶)

- ۱- ری باستان، ج ۱، ص ۶۲.
- ۲- همان مأخذ، ص ۶۲ ۶۳.
- ۳- تاریخ ماد، ص ۳۴۷.
- ۴- ر.ک: برخی از آثار بازمانده از ری قدیم، حسین کریمان، ص ۲۱.
- ۵- ر.ک: همان مأخذ، ص ۱۰۹ ۱۱۰.
- ۶- برای نمونه ر.ک: بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۶۰، باب الممدوح من البلدان و المذموم منها و غرائبها.
- ۷- همان مأخذ، ص ۲۰۶.
- ۸- ر.ک: معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۸.
- ۹- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۳، ص ۴۸۰.
- ۱۰- المعیار والموازنه، ابوجعفر اسکافی، ص ۳۲.
- ۱۱- بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۷.
- ۱۲- جنه النعیم، ص ۳۹۳.
- ۱۳- ری باستان، ج ۱، ص ۱۱۲.
- ۱۴- نزهه القلوب، ص ۵۲.
- ۱۵- معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۸.
- ۱۶- ریاض السیاحه، زین العابدین شروانی، ص ۶۶۹.

ص: ۸۰

..

ص: ۸۱

..



ص: ۸۲

..

## ری در متون کهن و گذشته

ری در متون کهن و گذشتہری در بسیاری از متون تاریخی و جغرافیایی و ... آمده است و پژوهشی در این همه، نیازمند چندین جلد کتاب و حتی دائره المعارف است. امّا برای نمونه به برخی از منابع کهن و تاریخی که از اوصاف ری سخن رفته است اشاره می شود. ایزیدور خاراکسی یونانی درباره ری می گوید: ری از تمامی شهرهای ماد بزرگ تر بود. (۱) در یکی از نوشته های پارسی میانه که به زبان و خط پهلوی است. نام ری به عنوان یکی از شهرستان های کوست آتورپاتکان آمده است. (۲) این رسته در کتابش الاعلاق النفیسه که در ۲۹۰هـ. ق تألیف یافته می نویسد: «ری شهر بزرگی است که رود روده از آن می گذرد. و مقابل مسجد جامع، قلعه ری واقع است که بر سر کوهی بلند و صعب العبور قرار گرفته است. وقتی بر این قلعه بالا رفتی تمام پشت بام های شهر ری را می بینی». (۳) ابن خردادبه در قرن سوم هجری می نویسد: «و دانشمندان گویند: بهترین زمین های آفریده شده، ری است که در آنجا (خیابان های) سُرُّ و سَرَبان نیکو است». (۴) ابن فقیه در وصف ری در مختصر البلدان می گوید: فهی عروس الأَرْض وسکه الدنيا و واسطه خراسان و جرجان و العراق و طبرستان و هی أحسن الارض مخلوقه؛ (۵) پس آن (ری) عروس زمین و گذرگاه و چهارراه دنیا و حلقه اتصال خراسان و گرگان و عراق و طبرستان است و آن بهترین زمین آفریده شده است. ابودلف جهانگرد معروف قرن چهارم به اوصاف ری پرداخته می نویسد: «در وسط ری شهر عجیبی با دروازه های آهنی و باروی عظیم وجود دارد». (۶) استخری ری را در شمار دیار طبرستان و دیلم و بزرگ ترین شهر ناحیه شرق می داند. وی می نویسد: و بزرگ ترین شهری از این کی یاد کردیم از عراق گذشته بر حدود مشرق شهر ری است. دروازه های معروف دارد. یکی را دروازه باب طاق خوانند کی سوی کوهستان و عراق رود. و دروازه بلیسان کی سوی قزوین رود، و دروازه کوهک سوی قم. ۷ استخری، اوصاف ری و محصولات آن را شرح می دهد. و شهرها و روستاهای اطراف ری را بر می شمارد. از جمله از «بسا» یا «بشایه»، بخش فشاویه امروزی نام می برد. (۲) ابن حوقل می گوید: «ری شهر بزرگی است مقدار عمارت آن یک فرسخ و نصف است در یک فرسخ و نصف. افزون بر قنات ها دو نهر در شهر جاری است. از آنجا پنبه خیزد به فراوانی. و پنبه آن را به عراق برند». (۷) مقدسی در قرن چهارم به تحسین و تمجید فراوان ری پرداخته است. وی محصولات کشاورزی و غذاها و بازرگانی و بازار و کاروانسراها و گرمابه های تمیز و مردم شهر و روستاهای بزرگ ری را ستوده است. دیگر تعابیر و سخنان مقدسی در مورد ری چنین است: «ری الجلیله»، «و الرّی من أجلّ ممالکهم»، «و هو بلد کبیر»، «الری بلد جلیل بهیّ نبیل» و «هو أحد مفاخر الاسلام». (۸) و این تعابیر همگی تأکیدی است به بزرگی و جلالت و شأن و درخشش شهر ری و این که این شهر یکی از افتخارات جهان اسلام محسوب می شده است. در کتاب اشکال العالم متعلق به قرن چهارم هجری، ری در شمار ولایت دیلمان ذکر شده و در وصف ری آمده است: بزرگ تر شهری که از شهرهای دیالمه است ری می باشد. شهری است که چون از عراق بگذری تا آخر اسلام بیرون از نشابور هیچ شهری بزرگ تر و معمورتر و با مال تر و نعمت دارتر از آن نیست. اما عمارت آن به یکدیگر نزدیک و دهات سواد ری بیشتر است. درازی شهر یک فرسنگ باشد در مانند آن پهنا. بناهای ایشان از گچ و خشت پخته باشد.... (۹) در کتاب حدود العالم از تألیفات قرن چهارم هجری آمده است: ری شهری است عظیم و آبادان، با خواسته و مردم و بازرگانان بسیار، مستقر پادشاه جبال. (۱۰) ابو عبید بکری اندلسی متوفی ۴۸۷هـ ق می نویسد: الری کوره معروفه؛ ری ناحیه ای است مشهور. (۱۱) یاقوت حموی متوفی ۶۲۶هـ ق در معجم البلدان، اطلاعات مبسوطی را در مورد تاریخ و جغرافیای ری عرضه داشته است. از جمله می نویسد: و هی الرّی مدینه مشهوره من أمّهات البلاد و أعلام المّیدن، کثیره الفواکه و الخیرات، و هی محطّ الحاجّ علی طریق السابله و قصبه بلاد جبال؛ (۱۲) و آن (ری) شهری مشهور و یکی از امّهات بلاد و شهرهای سرشناس است. دارای میوه ها و نعمت های فراوان، منزلگاه

حاجیان است به راه سابله، و مرکز بلاد جبال است. همچنین یاقوت در ضمن شمردن نواحی اطراف ری از «بشاپویه» یعنی بخش فشاپویه نام می برد. (۱۳) در یک متن جغرافیایی دیگر قرن چهارم هجری آمده است: ری شهری است باشکوه و مردمان آن آمیخته از فارسی و عرب و ترک... و شهری است پردرخت. (۱۴) عبدالجلیل قزوینی رازی می نویسد: ری از امهات بلاد عالم است. (۱۵) در یک متن جغرافیایی قرن ششم هجری آمده است: «الری مدینه کبیره؛ ری شهری بزرگ است». نیز آمده است: ری شهری بزرگ... و دارای بازارهای آباد و بازرگانی با رونق است. (۱۶) عماد الدین زکریای قزوینی متوفی ۶۸۲ ه. می نویسد: ری شهری مشهور و یکی از امهات بلاد و شهرهای سرشناس است. (۱۷) صفی الدین بغدادی متوفی ۷۳۹ ه. می نویسد: الرّی بفتح اوّله و تشدید ثانیه، مدینه مشهوره من امهات البلاد و اعلام المدن. (۱۸) ابوالفداء متوفی ۷۳۲ ه. ق به نقل از ابن حوقل گوید: ری شهر بزرگی است مقدار عمارت آن یک فرسخ و نصف است در یک فرسخ و نصف فرسخ. همچنین از اللباب نقل می کند که ری شهری است از بلاد دیلم میان قومس و جبال و منسوب بدان را رازی گویند به الحاق زاء در آخرش. (۱۹) ابوالفداء، خود ری را در جدول بلاد جبل آورده است. (۲۰) حمدالله مستوفی مورخ و جغرافی دان مشهور در ۷۴۰ ه. ق در کتابش نزهة القلوب به تفصیل در مورد ری، سخن به میان آورده است. وی ری را به عنوان یکی از نواحی مهم عراق عجم، آورده و نوشته است: ری از اقلیم چهارم است و ام البلاد ایران و به جهت قدمت آن را شیخ البلاد خوانند. (۲۱) همچنین می نویسد: مهدی خلیفه عباسی احیای عمارت ری کرد و شهر عظیم شد چنان که گویند سی هزار مسجد و دو هزار و هفت صد و پنجاه مناره در آن بود. شهر را بر سر سنگی با هم مخاصمت افتاد زیادت از صد هزار آدمی به قتل آمدند و خرابی تمام به حال شهر راه یافت و در فترت مغول به کلی خراب شد. (۲۲) حمدالله مستوفی در شرح عراق عجم، از چهار شهر مهم این ناحیه یعنی قم، اصفهان، همدان و ری نام می برد که در شعر شاعری بدان اشاره شده است و از جمله در وصف ری سروده شده است: معدن مردمی و کان کرم شاه بلادری بود که چو ری در همه عالم نبود (۲۳) محمد بن عبدالمنعم الحمیری می نویسد: ری ناحیه ای است مشهور منسوب به بلاد جبل. اما از آنجا نیست بلکه به خراسان نزدیکتر است. (۲۴) کلاویخو جهانگرد دوره تیموری بعد از دیدن خرابه های ری می نویسد: این آثار همان شهری است که در گذشته بزرگترین شهر آن منطقه بوده. (۲۵) امین احمد رازی مؤلف هفت اقلیم که از مصنفات ۱۰۰۲ قمری است در باب ری مطالبی را آورده و از جمله نوشته است: ملک ری شهریار، ولایتی است با نام...، اصمعی آورده که «الری عروس الدنیا». (۲۶) و اصل شهر ری در حادثه چنگیزخان چنان چه گذشت نوعی خراب گردید که آبادانی نقش بالکلیه از وی محو گشت و امروز دارالملک یکی طهران و دیگری ورامین است. (۲۷) شاردن جهانگرد معروف عهد صفویان می نویسد: در... مشرق ساوه... در گوشه و کنار اطلال و آثار باقیه شهر معروف ری، بزرگترین بلاد آسیا مشاهده می شود. تعریفات فوق العاده حیرت آوری که از ری می کنند، باور کردنی نمی باشد، ولی با وجود این، مورد تصدیق تمام تاریخ نویسان است، به علاوه عدّه ای نیز با مشاهدات عینی خود آن ها را تأیید می کنند. در علم معرفه البلدان ایرانی آمده است که در دوره خلافت المهدی محمد بن عبدالله دوانیقی که در سده نهم میلادی (قرن سوم هجری) (۲۸) می زیسته، بلده ری به نود و شش بخش و ناحیه قسمت می شده است، و در هر یک از این بخش ها چهل و شش خیابان و در هر خیابانی چهارصد باب خانه، باغچه و ده باب مسجد وجود داشته است. شش هزار و چهارصد باب مدرسه، شانزده هزار و ششصد باب گرمابه، پانزده هزار مناره مسجد، دوازده هزار آسیاب، هزار و هفتصد رشته آب چشمه، سیزده هزار باب کاروانسرا آبادی این سواد اعظم را تشکیل می داده است. من جرأت نمی ورزیدم که شماره منازل و خانه های مسکونی شهر را ذکر کنم؛ زیرا تعداد نفوس این بلده را فقط بالغ بر نیمه این شماره می توانم باور کنم، با وجود این علمای جغرافی اروپایی در این مورد به دعاوی نویسندگان شرقی اعتماد می کنند. مورّخین عرب نیز تأیید می کنند که در سده سوم هجری، یعنی درست در دوره مورد بحث، ری پر جمعیت ترین بلده آسیا بوده است، و مدّعی هستند که در روی زمین غیر از بابل هیچ شهری از لحاظ کثرت نفوس و یا از جهت ثروت و مکنّت این قدر معظم و معتبر نبوده است، به همین جهات، در کتب

تاریخی، القاب و عناوین عالیّه برای بلده ری مشاهده می‌شود: ام البلاد، باب الابواب الارض، سوق العالم، بلده البلاد. (۲۹) شروانی در مورد ری می‌نویسد: «ری از بلاد قدیمه و مداین عظیمه بوده» (۳۰)، «ری مدینه مشهوره بوده، روزگارش چنان خراب نموده که اکنون جز خرابه چند و آثار پست و بلند چیزی ندارد. (۳۱) راز ولایتی است مشهور و دیاری است معمور. ری دارالملک راز بوده و بعضی ری را راز گویند والاول هو الاصح (۳۲)». کتاب حدیقه الاقالیم که مؤلف آن در اواخر دوره صفوی و حکومت افشاریه و زندیه می‌زیسته و در خدمت امرای هند بوده در مورد ری نوشته است: ری ولایتی است با نام. سپس شرحی از خصائص عرضه می‌دارد از جمله این که: ری دارای ۱۵۰۳۵ یخچال و ۱۴۰۰ طاحونه (آسیاب) بوده و در هر مسجد هزار چراغ داشته و هر شب روشن می‌کردند. وی در گزارش خود در مورد ری، برخی آمار دیگر ارائه نموده است که باورش مشکل است. سپس در انتها می‌نویسد: در حادثه چنگیزخان این شهر را نوعی خراب کردند که نقش آبادی به کلی از وی محو شد و بعد از آن دارالملک ری، تهران مقرر شد. (۳۳) محمد پادشاه درباره ری می‌نویسد: شهر مشهور است. (۳۴)

- ۱- ایران باستان، پیرنیا، ج ۳، ص ۲۶۴۵.
- ۲- چهار سو، حسین شهیدی، ص ۷۱.
- ۳- الاعلاق النفیسه، ابن رسته، ترجمه حسین قره جانلو، ص ۱۹۸.
- ۴- المسالک و الممالک، ابن خردادبه، ترجمه حسین قره جانلو، ص ۱۴۷.
- ۵- مختصر کتاب البلدان، ابن الفقیه، ص ۲۷۰.
- ۶- سفرنامه ابودلف، با تحقیقات مینورسکی، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، ص ۷۶۷۲.
- ۷- تقویم البلدان، ابوالفدا، ترجمه عبدالمحمد آیتی به نقل از ابن حوقل، ص ۴۸۹.
- ۸- ر.ک: احسن التقاسیم، مقدسی، ص ۳۸۴، ۳۹۰، ۳۹۱ و ۳۹۹.
- ۹- اشکال العالم، ابوالقاسم بن احمد جیهانی، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، تعلیقه فیروز منصوری، ص ۱۴۶ ۱۴۷.
- ۱۰- حدود العالم، مؤلف ناشناخته، ترجمه میرحسین شاه، مقدمه و. بارتولد، تعلیقات و. مینورسکی، تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام، ص ۳۹۱ ۳۹۲.
- ۱۱- معجم ما استعجم، ابو عبید عبدالله بن عبدالعزیز البکری، ج ۱ و ۲، ص ۶۹۰.
- ۱۲- معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۶.
- ۱۳- همان مأخذ، ص ۱۱۷.
- ۱۴- آکام المرجان، اسحاق بن حسین منجم، ترجمه محمد آصف فکرت، ص ۶۷.
- ۱۵- النقص، عبدالجلیل قزوینی رازی، ص ۴۰۴.
- ۱۶- نزهه المشتاق، شریف ادیسی، ج ۱، ص ۴۵۳ و ج ۲، ص ۶۷۳.
- ۱۷- آثار البلاد و اخبار البلاد، عمادالدین زکریای قزوینی، ص ۳۷۵.
- ۱۸- مراصد الاطلاع، صفی الدین بغدادی، تحقیق علی محمد البجاوی، ج ۲، ص ۶۵۱.
- ۱۹- تقویم البلدان، ابوالفدا، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص ۴۸۹.
- ۲۰- همان مأخذ، ص ۴۸۸.

- ۲۱- . نزهه القلوب، ص ۵۲.
- ۲۲- . همان مأخذ، ص ۵۳.
- ۲۳- . همان مأخذ، ص ۴۷. شعری هم از مجد همگر در وصف برخی از شهرهای عراق عجم از جمله ری سروده شده است. (ر.ک: تاریخ تهران قسمت شمالی و مضافات، عبدالحجت بلاغی، ص ۴).
- ۲۴- . روض المعطار، محمد بن عبدالمنعم الحمیری، ص ۲۷۸.
- ۲۵- . سفرنامه کلاویخو، ص ۱۷۶.
- ۲۶- . هفت اقلیم، ج ۳، ص ۳.
- ۲۷- . همان مأخذ، ص ۶.
- ۲۸- . تاریخ حیات مهدی عباسی در متن بالا صحیح ذکر نشده؛ مهدی عباسی از ۱۵۸ ۱۶۹ هـ. حکومت کرد که برابر نیمه قرن دوم هجری و اواخر قرن هشتم میلادی است.
- ۲۹- . سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ج ۳، ص ۵۴ ۵۵.
- ۳۰- . ریاض السیاحه، ص ۶۶۹.
- ۳۱- . بستان السیاحه، زین العابدین شروانی، ص ۳۳۰.
- ۳۲- . حدائق السیاحه، ص ۲۵۴.
- ۳۳- . حدیقه الاقالیم، مرتضی حسین مصاحب المخاطب به آله یار عثمانی بلگرامی، ص ۳۳۲.
- ۳۴- . فرهنگ آندراج، محمد پادشاه، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، ج ۳، ص ۲۱۶۵.

ص: ۸۴

..

ص: ۸۵

..

ص: ۸۶

..



ص: ۸۷

..

ص: ۸۸

..

ص: ۸۹

..

ص: ۹۰

..

ص: ۹۱

..

ص: ۹۲

..

## اوصاف جغرافیایی ری در گذشته

### ۱. محل ری قدیم

اوصاف جغرافیایی ری در گذشته ۱. محل ری قدیم در باب مکان و محل ری قدیم، آراء و عقاید مختلفی اظهار شده است. برخی محل شهر ری را در خرابه های قلعه ایرج کنونی و اطراف آن می دانند. (۱) راولنسن نیز محل ری را در ورامین جستجو می کرده است. (۲) در ری باستان از دکتر مهدی بهرامی نقل شده است که روی هم رفته محل واقعی ری معلوم نیست. (۳) اعتماد السلطنه می نویسد: «به زعم بعضی از فضلا راگز یا ری قلعه ایرج است که نزدیک شهر ورامین می باشد اما ظن قریب به یقین شهر ری همان حدود اراضی جنوب شرقی دارالخلافة تهران است، که زاویه حضرت عبدالعظیم از آن اراضی می باشد، و جلگه ری چون تا ورامین منبسط است، قلعه ایرج در انتهای شرقی جلگه مزبوره واقع و در آن وقت قلعه نظامی معتبری بوده و سلاطین کیان آن را برای حفظ مملکت مدی، و محروس داشتن آن از تطاول و حمله های قبایل تورانی ساخته و قشون و ساخلو در آن گذاشته، و چون در جلگه ری بنا شده، و چندان از شهر ری دور نبوده، ممکن که آن را هم قلعه راگز می گفته اند...». (۴) مرحوم دکتر حسین کریمان در تحقیقی متین و مستند به منابع و متون کهن فراوان و بقایا و آثار موجود و اکتشافات باستان شناسی می نویسد: بنای اولیه و هسته اصلی ری قدیم در ۶ کیلومتری جنوب شرقی تهران در اطراف چشمه علی، شهر ری (کنونی) واقع بوده است. در نزدیکی مظهر این چشمه تپه هایی وجود دارد که بسیار کهنه و باستانی است و در کاوشهای علمی که به عمل آمده است معلوم گردید که در آن آثاری نهفته است که از تمدنی کهن داستانها دارد. ضمن کاوشهای علمی که به سال ۱۹۳۵م به کوشش هیئت آمریکایی در دامنه جنوبی کوه چشمه علی، و اراضی مشرف به باغ صفاییه به عمل آمد، ظروف سفالین مربوط به حدود ۴ تا ۶ هزار سال پیش پیدا شد و نشان داد که در کنار و امتداد این چشمه قدیمی، انسانهای متمدنی زندگی می کرده اند و این ها همان سکنه نخستین پهنه ری هستند. مرحوم کریمان تشریح و تعیین محل ری قدیم را به تفصیل و مستند مورد بحث قرار داده و می نویسد: بدون تردید ری قدیم همان مکانی است که وی حدود آن را مشخص کرده است. (۵) حتی آن مرحوم محدوده ری به قیاس آبادی های کنونی را هم مشخص نموده که این چنین است: حد شهر از جانب شمال غرب، از اراضی «منصور آباد» و «جوانمرد قصاب» آغاز می شده، و از جهت شمال، اراضی «حسین آباد» و «تقی آباد» و «امین آباد» را در میان می گرفته، از «امین آباد» به سوی جنوب تا حدود اراضی «فیروز آباد» پیش می رفته، از آن جا به سمت مغرب از حدود «حاجی آباد» می گذشته، و تا زمینهای «کوه حصار» امتداد داشته، سپس به سمت شمال غرب از مشرق «مرقد حضرت عبدالعظیم» می گذشته است، چنان که این مزار از طرف مغرب در خارج شهر و نزدیک به آن قرار می گرفته، حد شهر سپس از جنوب «امامزاده عبدالله» به سوی شمال غرب ممتد می شده، و به اراضی «جوانمرد قصاب» اتصال می یافته است. (۶)

۱- . ایران باستان، ج ۳، ص ۲۲۱۷.

۲- . ری باستان، ج ۱، ص ۲۵.

۳- . همان مأخذ، ج ۱، ص ۲۵.

۴- . درر التیجان، ج ۲، ص ۳۴.

۵- . ر.ک: شهرهای ایران، ج ۲، به کوشش محمد یوسف کیانی، مقاله حسین کریمان، ص ۱۱۸؛ ری باستان، ج ۱، بخش اعظم فصل اوّل.

۶- . ری باستان، ج ۱، ص ۲۳.



ص: ۹۴

..

## ری برین و ری زیرین

ری برین و ری زیرینپهنه شهر باستانی ری از نظر قدمت و تازگی به دو بخش ممتاز تقسیم می‌گردد: ۱. ری کهنه باستانی ۲. ری مستحدث ادوار بعد. بخش نخستین آن قسمت از شهر ری است که در جنوب چشمه علی، میان باروی عظیمی که به روزگاران پیش از اسلام احداث شده بوده، قرار داشته است، که آن را «ری برین» یا «ری علیا» می‌گفته‌اند و به تدریج از سوی جنوب شرقی گسترش می‌یافته و پیش می‌رفته است. بخش دوم یا ری قرون بعد، در جنوب شرقی بخش نخستین، و جنوب کوه بی بی شهربانو پی افکنده شده بوده است، و آن را «ری زیرین» یا «ری سفلی» می‌نامیده‌اند. (۱) در مجمل التواریخ متعلق به سال ۵۲۰ ه. آمده است: (بعد از خرابی کامل ری) منوچهر بدین جایگاه از نو بنا نهاد. و آن را «ماه جان» نام کرد و آن خرابه را «ری برین» خواندندی و دیگر «ری زیرین» مهدی امیرالمؤمنین در آن بیفزود، محمدیه خواندند. (۲) ری همانند دیگر شهرهای بزرگ از سه قسمت تشکیل می‌یافت: یکی شهرستان (شهر درونی، یا شارستان) و دیگری کهندژ (شهر بیرونی یا قلعه) و سوم بازار (ربض). ارک بر بالای کوهی منفرد و کوچک قرار داشت که از آنجا تمام شهر دیده می‌شد. (۳)

۱- همان مأخذ، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲- مجمل التواریخ و القصص، ص ۴۳.

۳- ر.ک: جغرافیای مفصل ایران، مسعود کیهان، ج ۲، ص ۳۵۹؛ طبرسی و مجمع البیان، حسین کریمان، ج ۱، ص ۱۲۴؛ ری باستان، ج ۱، ص ۱۷۳.

## ۲. موقعیت اقلیمی ری

۲. موقعیت اقلیمی ریجهان در گذشته به هفت اقلیم تقسیم می شد. و حتی برخی از کتب جغرافیایی، شهرها را با تقسیم بندی اقلیمی ارائه می نمودند. حمدالله مستوفی ری را از اقلیم چهارم دانسته و در مورد طالع آن نیز می نویسد: طالع عمارت ری را برج عقرب دانسته اند. وی طول و عرض جغرافیایی ری به مقیاس قدیم را هم این چنین نوشته است: طولش از جزایر خالدات «عو. ک» و عرض از خط استوا «له. ل» است. (۱) یاقوت به نقل از بطلمیوس نوشته است: طول آن ۸۵ درجه و عرضش ۳۷ درجه و ۳۶ دقیقه. (۲) شروانی می نویسد: ری از اقلیم چهارم و طولش از جزایر خالدات «فوک» است و عرضش از خط استوا «له ها» (۳). به نوشته یاقوت ری در بروج دوازده گانه به دومین برج «الثور» تعلق داشت. (۴)

۱- . نزهة القلوب، ص ۵۲ و ۵۳.

۲- . معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۶.

۳- . حدائق السیاحه، ص ۲۵۴.

۴- . معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۳.

### ۳. زبان مردمان ری

۳. زبان مردمان ریچون ری از نظر تاریخی وابسته به سرزمین ماد است. زبان مردم ری در گذشته مادی بوده است. این زبان با فارسی باستان قرابت داشته و زبان شاهان قوم ماد و مردم مغرب و مرکز ایران بوده است. اما زبان ری به عنوان یکی از اجزای مهم ناحیه ماد هیچ وقت بی تأثیر از دیگر زبان‌های ایرانی و همچنین زبان‌های بیگانه نماند. تصرف بخشی از سرزمین ماد از جمله ری توسط آشوریان و حمله اسکندر به ایران موجب گسترش زبان آشوری و فرهنگ و زبان و مظاهر یونان و یونانی‌گری در این سامان گردید. زبان اوستایی و زبان پارسی باستان زبان رسمی ایران دوره هخامنشیان و زبان پارتی یا پهلوی اشکانی زبان مخصوص قوم پارت و زبان پهلوی یا پارسی میانه زبان رسمی ایران دوره ساسانی و زبان‌های عربی و ترکی و گویش طبری ره آورد حکومت‌های علویان و دیالمه و برخی دیگر حکومت‌های محلی مازندران و گیلان، هر کدام در مقاطع تاریخی خاص، موجب گسترش و رسوخ آن زبان‌ها در ری گشته است. اما از همه مهمتر رواج زبان «دری» یا پارسی نو در این دیار است که به از بین رفتن تدریجی زبان پهلوی انجامید. زبان فارسی نو (دری)، دنباله پارسی باستان و میانه است که از قرن سوم و چهارم هجری به بعد و پس از تشکیل دربارهای مشرق در عهد اسلامی به صورت زبان رسمی درآمد. حاکمیت حاکمان خراسان بر ری در این ادوار موجب ترویج زبان دری در ری گشت که تا هم اکنون ادامه داشته و هم اینک زبان رسمی مردم ری و ایران است. (۱) لازم به ذکر است که هرچند زبان مادی ری به دلایل سلطه و نفوذ حکام و وزرای دربارهای مشرق اسلامی و خط مشی فرهنگی آنان دچار استحاله گردید. اما در تاریخ زبان‌ها و لهجه‌های کهن ایرانی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در کتاب تاریخ مردم ایران مذکور است: در پایان عهد آل بویه در سرزمین جبال که نیز ولایت فهله نام داشت و زبان مردم آن نواحی به همین سبب پهلوی نیز خوانده می‌شد ادبیاتی عامیانه نیز در لهجه‌های محلی انعکاس داشت. در ری که زبان آن تدریجاً به لغت دری نزدیک تر از پهلوی می‌شد ترانه‌هایی به لهجه رازی رایج بود. (۲) همچنین در کتاب مزبور آمده است: ولایت جبال و آذربایجان در ایجاد نظم و نثر دری به اندازه خراسان و ماوراءالنهر که اسباب کار هم در آنجاها بیش تر جمع بود، علاقه نشان نمی‌داد. در ری هر چند منطقی رازی و غضایری ظاهراً بیش تر به زبان دری شعر می‌سرودند اما عامه مردم به آن چه بنادر رازی و دیگران در لهجه پهلوی ری که رازی خوانده می‌شد نظم می‌کردند شوق و علاقه بیشتر نشان می‌دادند. (۳) تاریخ ماد نیز، زبان آریزانتیان (یکی از اقوام شش گانه ماد) را لسان مشترک تمام قبایل ماد نوشته است. و علت آن را سوارکار بودن ایشان و یا به دیگر سخن داشتن عرابه‌های اسبی آنان ذکر کرده است. همچنین نوشته است: مکان و مقر هر یک از قبیله‌های عضو اتحادیه مزبور (اتحادیه اقوام ماد) به درستی معلوم نیست. فقط حدس زده می‌شود که آریزانتیان در اقصی نقاط مشرق ماد زندگی می‌کردند و احتمالاً مغ‌ها (مغان) نیز در همان حدود می‌زیستند (نزدیک رغه که در قرون وسطی ری خوانده می‌شد. نزدیک تهران کنونی). (۴) پس می‌توان نتیجه گرفت اگر این سخن واقعیت داشته باشد که محل سکونت آریزانتیان‌ها رغه بوده است؛ زبان مردم ری، زبان مشترک سرتاسر سرزمین ماد بوده است.

۱- ر.ک: ایران باستان، ج ۱، ص ۱۳ و ۲۲۰؛ ری باستان، ج ۱، ص ۶۰۳ ۶۱۱؛ دستور زبان فارسی، سید مصطفی آرننگ، محمدعلی خیر، ص ۹۵.

۲- تاریخ مردم ایران، عبدالحسین زرین کوب، ج ۲، ص ۴۹۶.

۳- . همان مأخذ، ج ۲، ص ۴۹۷.

۴- . ر.ک: تاریخ ماد، ص ۱۴۶.

ص: ۹۸

..

ص: ۹۹

..

## ۴. مذهب مردم ری

۴. مذهب مردم ری مذهب مغ ها مذهب رسمی مادیها بود. (۱) در مذهب مغ ها اطلاعاتی در دست نیست و محققاً نمی توان گفت که مذهب زرتشت در این زمان در ماد منتشر بوده یا نه؟ (۲) مغان که ری مرکز ایشان بود گویا نیز از مردم همان سرزمین بوده اند. (۳) و در باب توجه مغان و مردم ری در عهد دولت ماد و هخامنشیان به آتش و آتشکده و احترام و ستایش این عنصر که لازمه آن آباد بودن آتشکده است تردیدی وجود ندارد. (۴) نیز چنان که پیشتر گذشت شهر ری در دیدگاه زرتشتیان از جایگاه ویژه ای برخوردار بود و این مذهب قرن ها در این سامان رواج داشت و آثار و بقایای تاریخی مقابر یا آتشکده زرتشتیان در حوالی ری مشهود است. پیش از اسلام، اقلیتی از یهود هم در ری زندگی می کردند و این شهر در نزد پیروان تورات و انجیل از احترام برخوردار بود. نیز خرمیدیان هم در ری نفوذ داشتند. پس از ظهور اسلام که به سقوط ساسانیان انجامید. ری توسط مسلمین به سال ۲۳ ه. فتح شد. (۵) سرانجام مردم این ناحیه مذهب تسنن را پذیرفتند. در دوران بنی امیه، شهر ری یکی از نواحی هوادار امویان بود. اما طولی نکشید که مذهب شیعه هم در ری گسترش یافت. یاقوت حموی نوشته است احمد بن حسن ماردانی که مذهب شیعه داشت در سال ۲۷۵ ه. بر ری سلطه یافت و مذهب تشیع را در آنجا رایج گردانید. (۶) امیر نفوذ علویان به ری و کثرت راویان و اصحاب رازی امامان معصوم از زمان حضرت باقر علیه السلام تا زمان امام عسکری علیه السلام بیان گر وجود رجال شیعی اهل ری، پیش تر از تاریخ ذکر شده است و این حاکی از نفوذ و سابقه دیرینه تر تشیع در ری است. همچنین تدوین قدیمی ترین جوامع حدیثی شیعه، کتاب شریف کافی توسط ثقه الاسلام کلینی رازی که در قرن سوم و چهارم هجری می زیست؛ نشانی بر قدمت تشیع در ناحیه ری است. ری به عهد علویان و دیالمه و سایر حکومت های محلی شیعی ناحیه شمال ایران، شاهد گسترش بیشتر مذهب تشیع بود؛ امیر شیعیان ری در حمله غزنویان متحمل خسارات سنگینی گردیدند. با این همه در دوره سلاجقه اکثریت ری، شیعه بودند. (۷) و بقیه اهالی آن شافعی و حنفی بوده اند که شماره شافعیان کمتر و حنفیان بیشتر بودند. در آن عصر بخشی از جمعیت ناحیه ری را زیدی ها تشکیل می دادند. (۸) فرقه اسماعیلیه هم در ناحیه ری پیروانی داشته است. (۹) بنابر نوشته یاقوت در نواحی اطراف ری، جز شیعیان نمی زیستند و اندکی دارای مذهب حنفی بوده و شافعی در میان آن ها وجود نداشت. و اهل شهر نصفش شیعه و بقیه شافعی و حنفی بودند که شافعی کمتر و حنفی بیشتر بودند. (۱۰) حمدالله مستوفی در قرن هشتم در مورد مذهب مردمان ری می نویسد: اهل شهر و اکثر ولایات، شیعه اثناعشریند الا دیه قوه و چند موضع دیگر که حنفی باشند. (۱۱) کجوری می نویسد: در این شهر سه طایفه بوده اند: شیعه و حنفی و شافعی. اما شیعه بیشتر بوده اند و در سواد اعظم آن مسکن داشته اند و حنفی بیشتر از شافعی و اهالی قرای شهر ری هم شیعی بودند. (۱۲) دکتر کریمان می نویسد: بیشتر اهل شهر ری شیعه بودند. چنان که صاحب فضایح الروافض که خود از مردم ری و از دشمنان شیعه است، گوید: در ری اغلب رافضینند. (۱۳) وی همچنین می نویسد: در عصر طبرسی، سنیان در شمال و شاید نیز شمال شرقی شهر، و شیعه در مغرب و جنوب غربی و جنوب شهر ساکن بوده اند. (۱۴) نیز همو در مورد بافت مذاهب اسلامی محله های ری در ادوار پیش از مغول می نویسد: در رشقان، در عباس، در مصلحگاه، دروازه آهنین، دروازه جاروب بندان، دیرینه قبه، قسمتی از مغرب باطان، قسمتی از شمال و جنوب روده، زامهران، زعفران چای، فخرآباد، قسمتی از مشرق فلیسان، کلاهدوزان، کوی اصفهانیان، کوی فیروزه، ناهک یا ناهق، مشهد امیرالمؤمنین، سرداب از محله های شیعه نشین محسوب می شده است. قسمتی از مشرق باطان، پالانگران، جیلاباد، در شهرستان، در کنده، مرکز روده یا قطب روده، رویان، ساربانان، سرای ایالت، سیزین، مهدی آباد، نصرآباد (پیش از تعمیر فخرالدوله و تبدیل به فخرآباد) در شمار محله های سنی نشین بوده اند. (۱۵) در شهر ری آرا و فرق و نحله های مذهبی و کلامی متعددی وجود داشته است. مرحوم



کریمان می نویسد حدود ده فرقه اسلامی و دو فرقه غیر اسلامی در شهر ری مقیم بودند که این خود تشّت و درگیری های فرقه ای را در این سامان دامن می زده است و از علل خرابی و پس رفت ری به حساب می آمده. (۱۶) ابن اثیر در ضمن حوادث سال ۵۸۲ به جنگ خونین بین شیعه و سنی در ری اشاره می کند. (۱۷) یاقوت هم به جنگ شیعه و سنی در ری اشاره می کند که در این جنگ فرقه های حنفی و شافعی غالب شده اند و پس از آن، جنگ، بین شافعیان و حنفیان ری رخ داد که با وجود قُلت شافعیان، آن ها پیروز میدان نبرد شدند. (۱۸) اختلاف حنفی ها و شافعی ها به حدی بود که خواندمیر کشتار حنفی ها توسط مغولان را به تشویق شافعی ها نسبت داده است. خواندمیر می نویسد: شافعیان به استقبال جبه و سویدای (سبتای) از سرداران مغول رفتند و مغولها را به جنایات هولناک یعنی قتل نصف شهر که حنفی مذهب بودند دعوت و تحریض نمودند. و مغولان نخست حنفیان را از دم تیغ بی دریغ گذرانیده و بعد از آن با خود گفتند که از مردمی که در خون هم وطنان خود سعی می نمایند توقع چه خوبی می توان داشت آنگاه شافعیان را از عقب حنفیان روان کردند. (۱۹) مذهب شهر ری در آغاز نفوذ اسلام با گرایش اموی گری و ناصبی (۲۰) شروع و به تدریج به سوی تشیع تمایل پیدا نمود تا در قرن هشتم هجری به نوشته مستوفی اکثریت قاطع آن به تشیع اثنی عشری گرویدند. پس از حمله مغول، ظهور حکومت های شیعی در ایران همانند ایلخانان، جلایریان، مرعشیان، سربداران، قراقویونلوها و ... و سرانجام صفویان منجر به سیطره تشیع، حتی در مناطق سنی نشین گردید. و طبعاً شهری همانند ری و با اکثریتی شیعی در این تحولات، یکسره به تشیع گروید.

- ۱- . ایران باستان، ج ۱، ص ۲۲۰.
- ۲- . همان مأخذ، ج ۱، ص ۲۲۰.
- ۳- . ری باستان، ج ۲، ص ۳.
- ۴- . همان مأخذ، ج ۲، ص ۲۸.
- ۵- . البلدان یعقوبی، ص ۴۰. در مورد سال فتح ری اقوال دیگری هم وجود دارد که به اختصار در بخش تاریخ ری آمده است.
- ۶- . معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۲۱.
- ۷- . النقص، ص ۴۸۹ و ۴۹۰.
- ۸- . همان مأخذ، ص ۴۵۸.
- ۹- . ری باستان، ج ۲، ص ۵۸.
- ۱۰- . معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۷.
- ۱۱- . نزهة القلوب، ص ۵۴.
- ۱۲- . جنة النعیم، ص ۳۹۲.
- ۱۳- . طبرسی و مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۲۴.
- ۱۴- . همان مأخذ، ص ۱۲۷.
- ۱۵- . ری باستان، ج ۲، ص ۸۸.
- ۱۶- . ر.ک: ری باستان، ج ۲، ص ۵۹ و بخش مذهب در ری.
- ۱۷- . الکامل، ج ۷، ص ۳۱۹.

- ۱۸- . معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۷.
- ۱۹- . ر.ک: حبيب السیر، ج ۳، ص ۳۲ و ۳۳. مرحوم دکتر کریمان نام سردار مغول را سوبدای (Subuday) نوشته است. تهران در گذشته و حال، ص ۷۸ و عباس اقبال هم نام وی را سبتای نوشته است. تاریخ مفصل ایران، ص ۴۳۱.
- ۲۰- . اسکافی ری را در شمار مناطقی می آورد که پیش تر مردم آن جا ناصبی بوده و سپس مستبصر گشته اند. (المعیار والموازنه، ص ۳۲).

ص: ۱۰۱

..

ص: ۱۰۲

..

ص: ۱۰۳

..

## دانش و فرهنگ ری

دانش و فرهنگ ری از دیرباز به لحاظ مرکزیت سیاسی و موقعیت اقلیمی یکی از مراکز انواع علوم و فنون بوده و کتابخانه ها و مدارس مشهور در آنجا به وجود آمد و بزرگانی کم نظیری در این شهر بالیده اند. در این باره شاردن می نویسد: شهر ری زادگاه دانشمندان بزرگی بوده و طی قرون، علمای بزرگی در دامان خود پرورده است که مایه افتخار و سرافرازی مشرق زمین بل جامعه بشری است. (۱) و شرح این مدارس و کتابخانه ها و شخصیت ها در منابع مختلف علمی عمومی و یا تک نگاریها و منابع اختصاصی پیرامون ناحیه ری به تفصیل مذکور است. برای نمونه، در جلد اول کتاب ری باستان برخی از این مدارس و کتابخانه ها ذکر شده است. همچنین در جلد دوم ری باستان و کتاب جنه النعیم و اختران فروزان ری و تهران و دو جلد ۱۶ و ۱۷ از مجموعه آثار کنگره عبدالعظیم حسنی علیه السلام شرح احوال رجال ری آمده است، و دو جلد اثر اخیر، در برگیرنده معرفی ۵۵۵ نفر از رجال و معاریف قدیم و جدید ناحیه ری است با گرایش های علمی متنوع و با مسالک و مذاهب مختلف. از جمله در این اثر ۵۴ تن از صحابیان امامان معصوم معرفی شده اند. ۲ نفر از اصحاب حضرت باقر علیه السلام، ۱۱ نفر امام جعفر صادق علیه السلام، ۶ نفر امام کاظم علیه السلام، ۹ نفر امام رضا علیه السلام، ۸ نفر امام جواد علیه السلام، ۱۱ نفر امام هادی علیه السلام و ۴ نفر امام عسکری علیه السلام. کثرت اصحاب امامان علیهم السلام از اهالی ری یکی از نشانه های ریشه دار بودن تشیع در ری است با توجه به بعد مسافت ری با محل سکونت ائمه علیهم السلام و اختلاف زبان ایرانیان، وجود این تعداد زیاد صحابی و محدث، نشان از اهمیت تشیع و عظمت ری است. (۲)

۱- سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲، ص ۵۱۸.

۲- ر.ک: آینه پژوهش، ش ۸۰؛ بزرگان ری، علی مختاری، ص ۸۳.

ص: ۱۰۵

..

## وابستگی منطقه ای ری

## سرزمین ماد

وابستگی منطقه ای ری از نظر شأن سرزمینی و محدوده سیاسی و جایگاهش در مجموعه کشوری و منطقه ای از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. این سامان در ادوار مختلف تاریخی وابستگی تقسیمات کشوری و ناحیه ای خاصی را سیر کرده است که این چنین است: پیش از اسلام، از شهرهای بزرگ ماد، ماد راگیانا، ماد پایین، رگ، پهل، پادوسپان شمال، بعد از اسلام از نواحی جبال (کوهستان)، دیلم و طبرستان، خراسان، عراق عجم، عراق، خره ری، تومان ری، ولایت ری، الکای ری، بیگلریگی ری، دارالخلافه تهران، ولایت تهران، استان دوم، استان مرکزی و استان تهران. در بررسی تاریخی این نواحی روشن می شود که بیشتر مورخان و جغرافی دانان در اکثر ادوار تاریخی، ری را از نواحی ماد یا جبال یا عراق عجم برشمرده اند. هر چند در پاره ای از مقاطع به خاطر سلطه حکومت ها و یا تغییر تقسیمات کشوری، این چنین نبوده است. یا در مقاطعی از تاریخ، ری از نظر تقسیماتی در شمار نواحی خاصه و تیول واحدهایی از نظام وقت کشور محسوب می شده است.

سرزمین مادقوم ماد یکی از اقوام آریایی و ایرانی محسوب می شود. ویلیر می نویسد: مادها در ایران غربی مستقر شدند و مدتی توأم با پارس ها تحت نفوذ دولت آشور بودند ولی بسی نگذشت نیرومند و مستقل شدند. (۱) مغان ماد را کانون و قلب ایران می دانسته اند. (۲) پیرنیا می نویسد: مادیها مردمانی بودند آریایی نژاد که در ابتدای قرن هفتم یا آخر قرن هشتم قبل از میلاد دولت ماد را تأسیس کردند. (۳) محدوده نفوذ مادها همیشه یکسان نبوده است. پیرنیا در این مورد می نویسد: جغرافیای عهد قدیم به دو ماد قائل شده اند ماد بزرگ که با عراق عجم قرون بعد تطبیق می شود و ماد کوچک که همان آذربایجان بود با قسمتی از کردستان. (۴) وی همچنین می نویسد: که دولت ما در زمان هووخشتر به اعلی درجه وسعت خود رسید از طرف مغرب حدود آن معین است رود هالیس یا قزل آیرماق کنونی آن را از لیدیه جدا می کرد. از طرف جنوب غربی با بابل هم حد بود و از طرف شمال نیز معلوم است که مملکت وان ارمنستان زمان بعد، جزو این دولت گردید. نیز وی می نویسد: سایر حدود محققاً معلوم نیست... باید عقیده داشت که عیلام این زمان هم از ترکه آسور، جزء یا دست نشانده دولت ماد گردیده بود. و در باب پارس هم از روایت هرودوت و وقایع بعد می دانیم که تا قیام کورش دست نشانده دولت ماد به شمار می رفت. راجع به ممالک شرق ایران ظن قوی این است که این صفحات هم جزء ماد بودند، زیرا هرودوت گوید که فرورتیش این ممالک را تسخیر کرد... می توان ظن قوی داشت، که حدود ماد از طرف مشرق تا با باختر و جیحون ممتد بوده (بعضی عقیده دارند که به سیحون می رسیده است). راجع به گیلان و مازندران اختلاف نظر حاصل است. (۵) سرزمین ماد یکی از شعب آریایی ها عبارت بوده است از قسمت وسطای ایران شامل آذربایجان و همدان و ری و بخشی از لرستان و بخش خاور آسیای صغیر. (۶) استرابون مورخ یونانی دوره اشکانی ماد را دو بخش می دانسته است. مدی کبیر که دارالملک آن اکباتان... و مدی صغیر مشهور به «آت روپاتین» آذربایجان بوده است. (۷) داریوش اول این مملکت را ماد نامیده این کلمه در زمان ساسانیان «مای» و در قرون اسلامی «ماه» شد. چنان که ماه بصره و ماه نهاوند و غیره و در جمع «ماهات» می گفتند. (۸) در عهد اشکانیان و ساسانیان ماد را «مای» و «ماه» و «مار» و در قرون اسلامی «ماه» می گفته اند. (۹) سرزمین ماد با اوصافی که گذشت ناحیه ای است که ری از اجزای آن به حساب می آید. اما با این توضیح که در تقسیمات ماد آرا متفاوت است. پیرنیا می نویسد: بعضی به سه ماد قائلند: ۱. ماد بزرگ یا عراق عجم قرون بعد. ۲. ماد کوچک یا آذربایجان. ۳. ماد رازی یا مملکت ری. اما وی می نویسد: بیشتر ماد رازی را جزء ماد بزرگ به شمار می آورند. چنان که ری تا این اواخر جزء عراق



عجم به شمار می‌آید. (۱۰) اعتقاد عده ای به ماد رازی در تقسیمات سیاسی دوران مادها حاکی از اهمیت ری در دولت ماد بوده است که شرح آن در بخش ماد راجیانا این نوشتار ارائه شده است.

- ۱- ری باستان، ج ۱، ص ۴۰.
- ۲- همان مأخذ، ص ۴۴.
- ۳- تاریخ ایران باستان، ج ۱، ص ۱۶۸.
- ۴- همان مأخذ، ج ۱، ص ۲۰۷.
- ۵- همان مأخذ، ج ۱، ص ۱۹۹-۲۰۰.
- ۶- ایران زمین، جلیل زاهد، محمدرضا زهتابی، ص ۲۰.
- ۷- مرآت البلدان، ج ۴، ص ۲۰۶۴.
- ۸- ایران باستان، ج ۱، ص ۲۰۷.
- ۹- ری باستان، ج ۱، ص ۴۵.
- ۱۰- ایران باستان، ج ۱، ص ۲۰۷ و ج ۳، ص ۲۲۱۷.

ص: ۱۰۷

..

ص: ۱۰۸

..

ص: ۱۰۹

**ماد راجیانا**

ماد راجیاناجایگاه مهم ری به لحاظ اقتصادی و سیاسی و ارتباطی و فرهنگی به گونه ای بوده است که برخی ری را یکی از اجزای سه گانه تقسیماتی امپراطوری ماد می دانند. پیرنیا نوشته است: بعضی به سه ماد قائلند: ۱. ماد بزرگ یا عراق عجم قرون بعد. ۲. ماد کوچک یا آذربایجان ۳. ماد رازی یا مملکت ری. (۱) همچنین وی می نویسد: صفحه ری که جزء ماد بزرگ بود، ماد راجیان (ماد رازی) نامیده اند. نویسندگان اینها هستند: ایزیدور خاراکسی (پارت، بند ۷)، سترابون (کتاب ۱۱، فصل ۱۳، بند ۷)، دیودور سیسیلی (کتاب ۱۹، بند ۴۴) و بطلمیوس (جغرافیا، فصل ۶، بند ۲). (۲) اعتماد السلطنه بعد از وصف جلگه ری و نواحی آن و آبادی فوق العاده این دیار می نویسد: کرسی این ایالت و این ناحیه در انتهای شرقی جلگه واقع و جزو قلمرو بزرگ (مِد) که حالا عراق عجم معروف است بوده و در آن ازمنه آن را «مِد راجیانا» می نامیده اند. (۳)

۱- همان مأخذ، ج ۱، ص ۲۰۷ و ج ۳، ص ۲۲۱۷.

۲- همان مأخذ، ج ۳، ص ۲۲۱۷.

۳- درر التیجان، ج ۲، ص ۳۴.

ص: ۱۱۰

**ماد پائین**

ماد پائیناز ناحیه ری با نام ماد پائین هم یاد شده است. پیرنیا ضمن برشمردن نام ممالک پارت که به وسیله ولات اداره می شد. از همدان با نام (ماد بالا) و از ری با نام ماد پائین یا ماد رازی نام برده است. (۱) دیاکونوف می نویسد: سرزمین تاریخی ماد را خطوط مقسم المیاه دره ها به ۱۲ ناحیه جغرافیایی اصلی تقسیم می کنند. (۲) سپس وی در شرح این ۱۲ قسمت، آن را در سه بخش جداگانه ارائه می دهد: الف) ماد آتروپاتن (آتروپاتکان) شامل هشت ناحیه. ب) ماد سفلی شامل سه ناحیه. ج) ماد پارتاکننا شامل یک ناحیه. دیاکونوف ری را در شمار بخش ماد سفلی و ناحیه دهم ماد می آورد. و می نویسد: «این ناحیه را آشوریان «سرزمین رودکها» می گفتند. وی همچنین می نویسد: این ناحیه در مرکز ماد سفلی بوده است. و در عهد باستان ری یا رغه یکی از شهرهای مهم ماد شمرده می شده است. (۳)

---

۱- ایران باستان، ج ۳، ص ۲۶۵۱.

۲- تاریخ ماد، ص ۸۵.

۳- ر.ک: همان مأخذ، ص ۸۵ ۹۰.

## رگ

رگدر اوستا اسامی شانزده مملکت ذکر شده است که یکی از شانزده مملکت اوستایی، رگ یا همان ری است. (۱) سرزمین ایران در زمان داریوش به چند ایالت (ساتراپی) تقسیم شده بود که هر یک از آن‌ها در تحت حکومت یک نفر که خَشْتَر پاون (ساتراپ) نامیده می شد قرار داشت که خَشْتَر به معنی ولایت و پاون یعنی نگاهبان است و اگر به زبان امروز ترجمه نمایم پاسبان ولایت باید گفت. (۲) ابتدا این ساتراپی‌ها بیش از ۲۳ نبوده که بعدها در اواخر سلطنت داریوش آن‌ها را به ۳۱ رسانیده است. (۳) یکی از ساتراپ‌های دوره هخامنشیان به عنوان «مادی» ذکر شده است. (۴) آقای کیهان «مادی» را معادل رگه یا ری در اوستا دانسته است. (۵) وی بر این برداشت خود منبعی را ذکر نکرده است. همچنین وی در جدولی اسامی بعضی از ساتراپی‌های ایران را چنان که در کتیبه‌های داریوش و اوستا و کتب مورخین یونانی مسطور است به انضمام نام‌های کنونی آن‌ها، درج نموده است. از جمله ساتراپ‌ها، ماد است که شرح اسامی آن در جدول مذکور این چنین آمده است: در کتیبه‌های داریوش: ماد؛ از سوی هر دُت: مِدِر؛ استرابین: مَدیا ماگنا (بزرگ)، مَدیا آتْرپاتین؛ ایزیدر: ماتینا، گامبادن، مدیای علیا و سفلی؛ آمی یان: مَدی؛ موسی خورنی: مَدی، رای، اهماتان، آتْرپاتکان، گیلان؛ اوستا: رگ (رَغَه)؛ نام‌های کنونی: عراق عجم، آذربایجان، کردستان، گیلان. (۶) مجموع طوایف ماد در قدیم شامل شش طایفه بزرگ می شد. یکی از این طوایف، اریزانتوئی (= Arizantoi) نام داشت. احتمال داده اند این طایفه در نواحی شرق ماد و شاید در حدود ری (= راگا) می زیسته اند. (۷) در تاریخ ماد نیز مذکور است: اسبانی که در جلگه نسا در سرزمین ماد پرورش می یافتند در دنیای قدیم شهرت خاصی داشتند و آشوریان از مردم ماد به جای خراج فقط اسب می گرفتند. شاید سبب این که آریزانتیان توانستند در اتحادیه قبایل ماد، چنان مقام مهمی را احراز کنند که زبانشان، لسان مشترک قبایل مزبور گردد، این بود که ایشان سوارکار و یا به دیگر سخن دارای عرابه‌های اسبی بودند. مکان و مقر هر یک از قبیله‌های عضو اتحادیه مزبور به درستی معلوم نیست. فقط حدس زده می شود که آریزانتیان در اقصی نقاط مشرق ماد زندگی می کردند و احتمالاً مغ‌ها (مغان) نیز در همان حدود می زیستند (نزدیک رغه که در قرون وسطی ری خوانده می شد. نزدیک تهران کنونی). (۸)

- ۱- . ایران باستان، ج ۱، ص ۱۵۳.
- ۲- . جغرافیای مفصل ایران، ج ۲، ص ۵.
- ۳- . همان مأخذ، ص ۱۵.
- ۴- . همان مأخذ، ص ۱۳.
- ۵- . همان مأخذ، ص ۱۳.
- ۶- . همان مأخذ، ص ۱۶ و ۱۷.
- ۷- . تاریخ مردم ایران، عبدالحسین زرین کوب، ج ۱، ص ۸۳.
- ۸- . تاریخ ماد، ص ۱۴۶.

ص: ۱۱۲

..

ص: ۱۱۳

## پَهله

پَهلهپَهله نامی است که اطلاق می شده است بر اصفهان و ری و همدان و ماه نهاوند و آذربایجان (ابن مقفع به نقل ابن ندیم)؛ نام قسمت شمال غربی ایران یعنی قطعه ای که یونانیان قدیم آن را میدیا می نامیدند و عبارت بود از ناحیه ری و اصفهان و ... (قاموس الاعلام ترکی) (۱). ری یکی از پنج ناحیت پَهله است. (ابن مقفع به نقل ابن ندیم). (۲) فَهله یا پَهله یعنی غرب ایران. (۳) سرزمین جبال ولایت فَهله نام داشت و زبان مردم این نواحی به همین سبب فهلوی نیز خوانده می شد. (۴) مستندات بالا، گویای آن است که به ناحیه نیمه غربی و شمال غرب ایران «پَهله» هم گفته می شد. و منطقه ری یکی از ارکان اصلی این ناحیه محسوب می شده است.

۱- فرهنگ دهخدا، حرف پ، ص ۵۸۵.

۲- همان مأخذ، حرف راء، ص ۲۴۲.

۳- دانشنامه جهان اسلام، ج ۵، ص ۸۲۹.

۴- تاریخ مردم ایران، ج ۲، ص ۴۹۶.



## پادوسپان شمال

پادوسپان شمالتقسیمات کشوری هخامنشیان، تقریباً در دوره سلوکیان و اشکانیان و بخشی از ساسانیان هم پابرجا بود. در این تقسیمات، ماد یکی از ایالات امپراطوری ایران بود. اما در بخشی دیگر از دوره ساسانیان در تقسیمات کشوری ایران تغییراتی ایجاد شد و ایران آن روز به چهار بخش بزرگ یا فاذوسفان (پادوسپان) تقسیم گردید. این چهار ناحیه بزرگ خور آسان، خوربران، جنوب، شمال نام داشتند. (۱) ایالت ماد یا جبال با این تقسیمات جدید انطباق نداشت. زیرا بخش غربی ماد در شمار ناحیه بزرگ خوربران (ناحیه غرب امپراطوری وقت ایران) محسوب می شد. انوشروان بر هر یک از این نواحی اصبهبد (سپهبد) نیز تعیین کرد که فرماندهی سپاه ناحیه را داشت. ابن خردادبه در مسالک و ممالک عنوانی دارد وصف جزئی (ربع شمالی). وی می نویسد: جزئی سرزمینهای شمال است و آن یک چهارم کشور است که زیر نفوذ اسپهبد شمال بوده که در زمان فارسیان، آذرباذگان اسپهبد نامیده می شده است. (۲) ارمنستان و آذربایجان و ری و دماوند (به اصطلاح آن روز «دباوند») که مرکز آن شلنبه بود در این حیث قرار داشت با طبرستان و گیلان و «ببر» و طلیسان (تالشان) و خزر و لان (ازان) و صقالب (اسلاوها) و «آبر». (۳) بدین ترتیب ری قبل از اسلام در بیشتر ادوار جزء ماد محسوب می شده ولی در برهه ای از زمان جزء پادوسپان شمال و تابع آذرباذگان اسپهبد. دفتر دیگر (از نبشته های پارسی میانه) به نام شهرستان های ایران یا شترستان های ایران می باشد و در آن نیز از «چهار کوست» نام برده شده است. این نامه که به زبان و خط پهلوی است، نبشته ای است درباره نام های جغرافیایی، که شامل شرح بنا و جایگاه عده ای از شهرهای بزرگ می باشد. نام ری به عنوان یکی از شهرستان های کوست آتور پاتکان آمده است. در این دفتر، شمال با نام ویژه خود یعنی باختر یا اپاختر نیامده است و به جای آن با نام آتور پاتکان به کار رفته است. چنان که در برخی از نبشته های تاریخی، از جمله تاریخ طبری و مفاتیح العلوم نیز همین نام آمده است. (۴)

- ۱- ر.ک: جغرافیای مفصل ایران، ج ۲، ص ۲۱۶ و ۲۱۷؛ جغرافیای استان آذربایجان شرقی از راقم سطور، ص ۲.
- ۲- المسالک و الممالک، ابن خردادبه، ترجمه حسین قره جانلو، ص ۹۶.
- ۳- ر.ک: همان مأخذ، ص ۹۶ و ۹۷؛ دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۱۹۶ مقاله عباس زریاب خویی.
- ۴- چهار سو، ص ۷۲۷۱.

## ری از مضافات دیلم و خراسان

ری از مضافات دیلم و خراساناما بعد از اسلام هم در بیشتر زمانها ری جزء بلاد جبال یا عراق عجم بوده است ولی در برخی از مقاطع از مضافات خراسان و دیلم و طبرستان محسوب می شده است. و علت این وابستگی به جهت حکومت حاکمان نواحی شمال و خراسان بر ری بوده است، که در بخش تاریخ ری به برخی از آنها اشاره شد. همانند حکومت حاکمان علوی و دیلمی و آل باوند بر ری. یا حکومت برخی از سلسله های ایرانی بعد از اسلام خراسان بر ری. به مانند حکام طاهری و سامانی و ... همچنین کاهش یا گسترش حوزه شمول برخی از محدوده و اسامی جغرافیایی، در زمان های مختلف، متفاوت بوده است. همانند خراسان بزرگ شامل بخشی از نواحی شمال شرقی فعلی ایران و بخش بزرگی از افغانستان و کشورهای آسیای میانه بود. اما هیچ گاه دارای مرزهای ثابت جغرافیایی نبوده است. برای نمونه در غرب خراسان گاهی ناحیه قومس را که مرکز آن دامغان بود و یا ناحیه جرجان را از نظر جغرافیای سیاسی یا حوزه مالیاتی و اقتصادی از مضافات خراسان محسوب می داشتند. (۱) و فراتر از این در مقطعی از تاریخ، لفظ خراسان حتی بر نواحی مرکزی و غربی ایران تا مرز عراق عرب اطلاق گردیده است. ابوالفدا نوشته است: مردم عراق گویند که خراسان از ری باشد تا جای بر آمدن خورشید و برخی گویند خراسان از کوههای حلوان (سرپل ذهاب استان کرمانشاه) است تا جای بر آمدن خورشید. (۲) از این رو در برخی از منابع کهن جغرافیایی، ری را از مضافات دیلم و خراسان به شمار آورده اند. در اللباب آمده است که ری شهری است از بلاد دیلم. (۳) سمعانی هم می نویسد: ری شهری بزرگ از بلاد دیلم است. (۴) استخری می نویسد: و پیش از این گفته آمدست کی قومس را با دیلمان اضاقت کردیم و همچنین گرگان و طبرستان و ری و آنچه بدان پیوسته است. (۵) و اما ری گفتیم کی بر حدود ولایت دیلمان است. و هم از جبال بود و هم از خراسان. (۶) در تقویم البلدان نوشته است: از بیان ابن حوقل که ری را با دیلم آورده است برمی آید که او معتقد بوده است که ری از دیلم است. (۷) بکری می نویسد: ری ناحیه ای است معروف، منسوب به جبل و از آنجا نیست. و ری نزدیک تر است به خراسان. (۸)

- ۱- نزهة القلوب، ص ۱۴۷، ۱۵۹ و ۱۶۱.
- ۲- تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص ۵۰۸.
- ۳- همان مأخذ، ص ۴۸۹.
- ۴- الانساب، سمعانی، ج ۳، ص ۲۳.
- ۵- مسالك و ممالک، استخری، ترجمه فارسی قرن ۵ و ۶ هجری، ص ۲۰۲.
- ۶- همان مأخذ، ص ۱۶۶.
- ۷- تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص ۴۸۹.
- ۸- معجم ما استعجم، ج ۱ و ۲، ص ۶۹۰.

ص: ۱۱۶

..

## سرزمین جبال (قَهستان و کوهستان)

سرزمین جبال (قَهستان و کوهستان) ابوریحان بیرونی سرزمین جبال را همان ناحیه ماد نوشته است. (۱) لسترنج می نویسد: ناحیه کوهستانی پهناوری که یونانیان آن را مدیا می گفتند و از باختر به جلگه های بین النهرین و از خاور به کویر بزرگ ایران محدود بود نزد جغرافی نویسان عرب به نام ایالت جبال معروف بود. (۲) یاقوت با اشاره به مصطلح شدن عراق عجم از بلاد جبل یاد می کند. و قزوینی نام قوهستان (کوهستان) را که مرادف فارسی کلمه جبال است برای این ناحیه استعمال می کند. (۳) چهار شهر بزرگ قرمیسین (کرمانشاه کنونی)، همدان، ری و اصفهان از زمان قدیم بزرگترین شهرهای نواحی چهارگانه ایالت جبال بود. (۴) تذکر دو نکته در اینجا ضروری است: نخست تسامحی در تعبیر بیرونی و لسترنج مشاهده می شود بلاد جبال بر سرزمین ماد منطبق نیست. چون سرزمین ماد شامل ماد خرد (آذربایجان)، ماد بزرگ و ماد راگیان بود. بلکه بلاد جبال منطبق بر ماد بزرگ یا مجموع ماد بزرگ و ماد راگیان است. دوم این که بلاد جبال یا قَهستان مشهور، مشتمل بر همین نواحی مرکزی و غربی ایران بوده است. یعقوبی طبرستان را هم در شمار مناطق بلاد جبل نوشته است. (۵) اما یک ناحیه دیگری هم به نام کوهستان مشهور است. این ناحیه شامل جنوب خراسان فعلی و ناحیه طبس استان یزد و بخش شرقی شهرستان نائین در کویر بود که مرکز این ناحیه شهر قاین بود. استخری این کوهستان را بخشی از خراسان به حساب آورده است. (۶) و حمدالله مستوفی با عنوان بلاد قَهستان و نیمروز و زاولستان آورده و نوشته است حقوق دیوانیش داخل مملکت خراسان است. (۷) در جهان نامه متن تألیف شده در ۶۰۵ هـ. در وصف قَهستان آمده است: قَهستان عراق این ولایت را جبال خوانند و آن ری و همدان و قم و قاسان و سپاهان باشد، و در این مواضع کوه بسیار باشد، اما میان ری و قم و همدان کوه کمتر بود و قَهستان معروف این است. و آن قَهستان که تون و قاین آنجاست ذکر آن در کتب ندیده ایم. (۸) همچنین ابوالفدا از ناحیه دیگری که قوهستان نام دارد و در منابع جغرافیایی مشهور نیامده است، نام می برد. وی می نویسد: قوهستان شهری است در کرمان نزدیک جیرفت میان آن و جبال بلوص و قُفص، دارای نخلستان های بسیار. (۹) در حدود العالم متن جغرافیایی قرن چهارم هجری، ضمن وصف شایستگی های کشاورزی و عمران و آبادی و نیروی انسانی ناحیه جبال حدود آن را این چنین ترسیم می کند: جبال ناحیتی است مشرق وی بعضی از حدود پارس است و بعضی از بیابان کرکس کوه و بعضی از خراسان. و جنوب وی حدود خوزستان است. مغرب وی بعضی از حدود عراق است و بعضی از حدود آذربادگان، شمال وی کوه دیلمان است. (۱۰) همچنین، ری مقر پادشاهان جبال ذکر شده است. (۱۱) نام ری در بسیاری دیگر از متون کهن، جزو جبال ذکر شده است. یعقوبی مورخ شهیر، ری را از بلاد جبال نوشته است. (۱۲) مقدسی نخستین خُره اقلیم جبال از سمت رحاب را ، ری نوشته است. (۱۳) یاقوت و صاحب مراصد ری را از جبال شمرده اند. (۱۴) ابوالفدا ری را در جدول طول و عرض جغرافیایی بلاد جبل آورده است. (۱۵)

۱- آثار الباقیه، ص ۱۱۲.

۲- جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، لسترنج، ترجمه محمود عرفان، ص ۲۰۰.

۳- همان مأخذ، ص ۲۰۱.

۴- همان مأخذ، ص ۲۰۱.

- ۵- . تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۷۶.
- ۶- . مسالک و ممالک، استخری، ترجمه قرن ۵ و ۶، ص ۲۱۵.
- ۷- . نزهة القلوب، ص ۱۴۲.
- ۸- . جهان نامه، محمد بن نجیب بکران، ص ۵۶.
- ۹- . تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص ۵۱۲.
- ۱۰- . حدود العالم، ص ۳۸۸.
- ۱۱- . همان مأخذ، ص ۳۹۲.
- ۱۲- . تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۷۶.
- ۱۳- . احسن التقاسیم، مقدسی نیشابوری، ص ۳۸۵. رحاب نامی است که مقدسی بر ناحیه شمال غرب ایران بزرگ انتخاب کرده است. ناحیه ای که امروزه مشتمل است بر استان های آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل و زنجان و جمهوری های قفقاز و بخشی از شرق ترکیه .
- ۱۴- . معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۶؛ مرصد الاطلاع، ج ۲، ص ۶۵۱.
- ۱۵- . تقویم البلدان، ابوالفدا، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص ۴۸۸.

ص: ۱۱۸

..

ص: ۱۱۹

..

ص: ۱۲۰

**خُره ری**

خُره ریکوره معرّب خُره است به معنای شهرستان، ناحیه. (۱) نیز کوره معادل استان است. (۲) در منابع قدیم جغرافیایی مانند احسن التقاسیم و معجم البلدان و ... کوره یا خُره بر استان بزرگ هم اطلاق گردیده است. حتی برخی از خُره ها، از مجموع چهار تا از استان های فعلی کشور هم بزرگ تر بودند. تقسیمات کشوری مهم منطقه جبال، از دیدگاه مقدسی به ۲ درجه تقسیم می شد. که اصفهان و ری و همدان درجه یک و کوره محسوب می شدند. و هفت ناحیه از جمله قم و کاشان و کرج (شهری نزدیک اراک امروزی) و دماوند را درجه ۲. نواحی هفتگانه و شهرهای عادی تابع خره ها بودند و کل منطقه جبال شامل همان سه کوره مذکور بود. مقدسی شهرهای آوه و ساوه و قزوین و ابهر، خوار (گرمسار فعلی) و چند شهر و روستای دیگر و نیز ناحیه قم و دماوند را از توابع کوره ری می شمارد. قم قبلاً جزء کوره اصفهان بوده و بعد به ری پیوسته است. وی کوره ری را وسیع نوشته است. (۳)

۱- فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۱۲۱.

۲- ر.ک: فرهنگ معین، ج ۱، ص ۲۳۹؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۶.

۳- احسن التقاسیم، ص ۳۸۵ و ۳۸۶. لازم به توضیح است که دماوند در یک توضیح در شمار ناحیه ها نیامده است و در توضیح دیگر جزو نواحی ذکر شده است.



**عراق، عراق عجم**

عراق، عراق عجم قسمت سفلاى بين النهرين با شهرها و روستاها و با محدوده معینی که در گذر زمان با تغییراتی همراه بوده است، عراق نامیده می شود. یعنی همان عراق عرب. گاهی چنانچه یاقوت نوشته است: دو شهر مهم عراق، کوفه و بصره را عراقین خوانده اند. (۱) در جهان نامه نوشته شده است: عراق، کوفه و بصره را می خوانده اند و این دو شهر را عراقین نیز گفته اند. بعد از آن حد عراق زیادت گرفته اند تا بدان جایی که بعضی از ری بگذشت آن همه شهرها را عراق یا عراقین پندارند. (۲) لسترنج بعد از تعریف محدوده بلاد جبال می نویسد: این نام بعدها متروک شد و در قرن ششم هجری در زمان سلجوقیان به غلط آن را عراق عجم نامیدند تا با عراق عرب که مقصود قسمت سفلاى بين النهرين بود، اشتباه نشود. (۳) حافظ ابرو در جغرافیای خود ذکر می کند: اصل عراق در قدیم زمین بابل را گویند و در عرب میاه بنی سعد بن مالک و بنی مازن را عراق خوانند... و آنچه از بلاد عجم آن را عراق خوانند، و مقید کنند به عراق عجم، آن نیز به طریق مجاز است، به سبب آن که متصل است به زمین عراق، و الا- در کتبی که اصحاب این فن نوشته اند آن را بلاد جبل خوانند... (۴) در متون کهن و گذشته، عراق، بدون پسوند عجم و به تنهایی نیز برای ناحیه جبال استعمال شده است. و تشخیص آن از عراق (عرب) با دقت در قراین عبارات میسور است. اطلاقات و مرزهای عراق و عراق عجم در ادوار تاریخی یکسان نبوده است. الف) برخی عراق عجم را معادل بلاد جبال دانسته اند. اعتماد السلطنه در مرآت البلدان می نویسد: جبال عبارت است از عراق عجم حالیه. (۵) وی در درر التیجان هم بلاد جبال و مدی و عراق عجم را مترادف دانسته و ری را دومین شهر مهم عراق عجم نوشته است. (۶) ب) عده ای نیز بخش عظیمی از شرق اسلامی یعنی فراتر از نواحی مرکزی و نیمه غربی ایران بلکه تا سند و هند را هم داخل عراق نوشته اند و این بیشتر در عصر امویان و در منطقه شام، معمول بوده است. و یاقوت از قول مدائنی آورده است: عمل عراق از هیت (شهری در کنار فرات و از استان غربی رمادی عراق) است تا چین و سند و هند و ری و خراسان و سیستان و طبرستان تا دیلم و جبال. (۷) حافظ ابرو هم از مدائنی عبارت بالا- را با برخی اختلاف مضامین نقل می کند. (۸) ج) حمدالله مستوفی که در قرن هشتم می زیسته ایالت جبال را دو قسمت می کند. قسمت کوچک تر با عنوان کردستان در باختر مشتمل بر ناحیه کرمانشاه و بخشی از کردستان عراق و اندکی از لرستان و قسمت بزرگ تر، عراق عجم در خاور. در این تقسیمات مستوفی، ناحیه ری از مناطق مهم عراق عجم محسوب می شود تذکر این نکته لازم است که لفظ عراق علاوه بر عنوان مترادف با جبال و عراق عجم بر ناحیه محدودی از عراق عجم یعنی منطقه اراک با عنوان ولایت عراق اطلاق می شد. (۹) و این نام قبل از تغییرات وسیع تقسیمات کشوری ۱۳۱۶ شمسی رایج و مستعمل بود.

۱- معجم البلدان، ج ۴، ص ۹۲.

۲- جهان نامه، ص ۶۸.

۳- جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ص ۲۰۰.

۴- ری باستان، ج ۱، ص ۳۹ به نقل از جغرافیای حافظ ابرو، ورق ۶۴ صفحه A.

۵- مرآت البلدان، ج ۴، ص ۲۰۶۳.

۶- درر التیجان، محمدحسن خان اعتماد السلطنه، به کوشش نعمت احمدی، ص ۸۱۴.

- ۷- . معجم البلدان، ج ۴، ص ۹۴.
- ۸- . ری باستان، ج ۱، ص ۳۸ به نقل از جغرافیای حافظ ابرو، ورق ۶۴ ص A.
- ۹- . جغرافیای مفصل ایران، مسعود کیهان، ج ۲، ص ۱۳۷.

ص: ۱۲۲

..

ص: ۱۲۳

**تومان ری**

تومان ریدر قرن هشتم هجری و در دوره ایلخانان مغول، حمدالله مستوفی در نزهه القلوب گزارش ارزشمندی از وضعیت جغرافیایی و تقسیمات کشوری ایران آن روز ارائه می دهد. یکی از واحدهای تقسیماتی وی تومان است. و نواحی بزرگ آن روز هر کدام به چندین تومان تقسیم می شد. وسعت تومان ها یکسان نبود ولی می توان گفت بیشتر تومان ها معادل یک استان کوچک یا متوسط امروزی بود. در نزهه القلوب، عراق عجم شامل نه تومان و چهل شهر است. و ری و اصفهان و همدان و قم معتبرترین شهرهای آن محسوب می شود. یکی از تومان های نه گانه عراق عجم، تومان ری است که به چهار ناحیه تقسیم می شده و تهران و ورامین و ایوان کیف (از شهرستان گرمسار) از شهرها و قصبات آن محسوب می شدند. (۱)

---

۱- ر.ک: نزهه القلوب، ص ۴۷ ۷۴.

ص: ۱۲۴

## ولایت ری

ولایت ریری در گوشه شمال شرق ایالت جبال قرار داشت. و بخشی از ایالت جبال یا عراق عجم را ولایت ری تشکیل می داد که دامنه وسعت آن در ادوار مختلف تاریخی، متفاوت بود. حوزه عمل ری در نیمه دوم قرن چهارم به عهد بوئیان بسیار وسیع بوده و گویا این شهرها تا آخر عهد بوئیان ری همچنان جزء عمل ری بوده است. (۱) در هفت اقلیم از تألیفات ۱۰۰۲ ه. ق نام های ده بلوکی که ری داشته آمده است. (۲) در جغرافیای تاریخی ری تهران هم آن ده بلوک ری ذکر شده است که این چنین است. غار، فشابویه، بهنام، سبورقرج، خوار، زرند، اسفجان، شمیران، شهریار، ساوجبلاغ. (۳) در حقیقت این ده بلوک شامل استان تهران فعلی و قسمت های نسبتاً کوچکی از استان های همجوار می باشد. محدوده ری با احتساب این ده بلوک از نظر وسعت، ناحیه ای متوسط به شمار می رود. چنان که در زمان آل بویه ناحیه ای بزرگ و وسیع بوده است. از طرفی یاقوت حموی ری را مشتمل بر هفده رستاق می داند. (۴) مؤلف ری باستان نوشته است که ظاهراً از قرن سوم تا قرن هفتم آبادی های اطراف ری بر هفده رستاق منقسم بوده است. اما پس از فاجعه مغول به تدریج دایره آن حوزه تنگ گردید. و رودبار قصران به عهد غازان خان جزو ولایت رستمدر مازندران گردید. و در آغاز قرن هشتم از هفده رستاق ری تنها (چهار رستاق) بهنام، سبورقرج و فشابویه و غار به نام ری باقی ماند. (۵) و این چهار ناحیه که حمدالله مستوفی در نیمه اول قرن هشتم هجری نام می برد، (۶) مشتمل است بر ناحیه مرکزی و جنوب شرقی استان تهران فعلی به اضافه بخش کوچکی از نواحی غربی استان سمنان کنونی. لازم به ذکر است که رستاق یکی از واحدهای تقسیمات کشوری قدیم بوده است که تقریباً معادل محدوده یک شهرستان و یا یک بخش بوده است. و هر ایالت بزرگ به ترتیب به چند استان یا کوره و هر کوره یا استان به چند رستاق و هر رستاق به چند طسوج و هر طسوج به چند روستا تقسیم می شده است. (۷)

۱- ری باستان، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲- هفت اقلیم، ج ۳، ص ۴.

۳- جغرافیای تاریخی ری تهران، ص ۳.

۴- معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۹.

۵- ری باستان، ج ۲، ص ۴۷۵.

۶- نزهة القلوب، ص ۵۳.

۷- معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۷.

ص: ۱۲۵

..

## بیگربیگی ری

بیگربیگی ریدر ابتدای دوره صفوی معمولاً حکمرانان را از هر درجه فقط حاکم می گفتند. بعدها حکام ایالات بزرگ عنوان بیگربیگی یافتند. گاهگاه نیز به جای بیگربیگی «امیرالامرا» و خیلی به ندرت «خانرخانی» به کار می بردند. (۱) اسکندر منشی در زمان فوت شاه عباس اول ۱۰۳۸ برای سیزده ایالت ایران بیگربیگی ذکر می کند. (۲) برای نمونه در دوران سلطنت شاه محمد خدابنده صفوی ۹۹۶ ۹۸۵، سراسر آذربایجان یک نفر بیگربیگی داشت که مقرش تبریز بود و اداره سرزمین وسیعی را (تمام آذربایجان) تا ناحیه شیروان و مغان، اژان، ایروان و کردستان به عهده داشت. (۳) با توضیحات بالا، اهمیت بیگربیگی روشن می شود. از این روست که دو تن از نویسندگان عهد قاجار محمدتقی خان حکیم و محمدحسن خان اعتماد السلطنه موضوع بیگربیگی ناحیه ری را شایسته ذکر دانسته و می نویسند: «اول سلطانی که بیگربیگی برای تهران و بلوکات الی فیروز کوه معین کرد، شاه عباس بزرگ بود. (۴) لازم به ذکر است دارالملک ری در اوایل حکومت شاه عباس اول صفوی، شهر تهران بوده است که توضیح آن در بخش مرکزیت سیاسی ری این نوشتار عرضه شده است. تعریف واحد تقسیمات کشوری بیگربیگی و همچنین تعلق این واحد به ناحیه ری، نیازمند شرح و تبیین است. از بررسی منابع تاریخ نظام اداری ایران استفاده می شود که واژه بیگربیگی نام یکی از واحدهای عالی تقسیمات کشوری ایران در دوران میانی صفویه و پس از آن محسوب می شده است. بیگربیگی ها قدرت فائقه داشتند. (۵) حتی به امرای چهار ایالت برجسته والی نشین که در رده اول تقسیماتی قرار داشتند به مانند بیگربیگی های مقتدر، امیرالامرا اطلاق نمی شده است. (۶) اما این به معنای هم ارز بودن بیگربیگی ها نبوده است. در مواردی بیگربیگی یک ناحیه مسئول چندین بیگربیگی یک ایالت بزرگ بود. زهربرن می نویسند: دستور شهریان منبعی از اواخر دوره صفویه، حاکم هرات را بیگربیگی کل خراسان می نامد. (۷) و یا مثلاً بیگربیگی آذربایجان خود شامل چندین بیگربیگی می شد چنانچه در ویل در سفرنامه اش برای هر کدام از شهرهای تبریز، ارومیه، خوی، مراغه، مرند، ایروان، نخجوان، اهر، اردبیل، میانه یک بیگربیگی به عنوان حکمران ذکر می کند. (۸) در مواردی نیز حاکم یک بیگربیگی بر بیگربیگی های مجاور هم حکومت می کرد. همانند بیگربیگی فارس که حاکم آن در عین حال حکومت بیگربیگی کوه گیلویه را هم داشته است و یا قلمرو علی شکر (همدان) که بیگربیگی آن در عین حال حکومت عراق عرب را هم داشته است. (۹) در کتاب تهران به روایت تاریخ با استناد به کتاب زندگانی شاه عباس اول اسامی ۱۳ بیگربیگی را ذکر می کند که نام تهران در میان آن ها نیست سپس دیدگاه اعتماد السلطنه را در اعطای بیگربیگی به تهران (مرکز ناحیه ری آن زمان) توسط شاه عباس اول را نفی نموده و تهران را «خان نشین» دانسته است. (۱۰) اما با بررسی مصادر تاریخ نظام اداری ایران در عهد جدید (از صفویه به بعد) نمی توان به نفی مطلق اعطای بیگربیگی تهران (ری) یا اثبات حتمی آن دست یافت. از این رو اعتنا و اتکا به سخن اعتماد السلطنه اعتمادی عادی و نسبی و ظنی است و ممکن است در مقطعی از زمان، تهران دارای بیگربیگی بوده است. البته نفی و اثبات قطعی آن نیازمند تحقیق و بررسی جامع اسناد و مکاتبات ملکی و اداری و تاریخی مقطع زمانی مورد نظر است. در این جا لازم است بر استنتاج پیش گفته، شرح اجمالی از مستندات ارایه گردد. آن چه آقای نصرالله فلسفی در زندگانی شاه عباس اول در مورد نظام تقسیماتی دوره صفویه ذکر کرده است مستند به کتاب تذکره الملوک میرزا سمعیا در دوره صفوی است. در نوشته میرزا سمعیا امرای سرحد ایران به ترتیب اهمیت به چهار طبقه تقسیم می شدند: وُلات، بیگربیگیان و خانان و سلطانان. که این دو دسته اخیر عزل و نصبشان با ولات و بیگربیگیان بود. نواحی والی نشین چهار ناحیه عربستان (خوزستان) و لرستان و کردستان و گرجستان بودند. میرزا سمعیا در مورد بیگربیگی ها می نویسد: بیگربیگیان عظیم الشان ایران سیزده است: قندهار، شیروان، هرات، آذربایجان، چخورسعد، قراباغ و گنجه، استرآباد، کوه گیلویه،

کرمان، مرو شاهی جهان، قلمرو علی شکر، مشهد مقدس معلی، دارالسلطنه قزوین. (۱۱) نام بیگلربیگی تهران در این لیست نیامده است. واقعیت این است که نیامدن نام تهران دلیل بر نبودن بیگلربیگی آن نیست. زیرا خود میرزا سمعیاً در شرح تفصیلی بلاد و ولایات، از بیگلربیگی عراق و قلمرو توابع آن نام برده است که نامش در لیست بیگلربیگی سیزده گانه نیامده است و الکای ری را در شمار نواحی همین بیگلربیگی عراق (عجم) آورده است. (۱۲) و نباید گمان کرد که بیگلربیگی عراق (عجم) با بیگلربیگی قلمرو علی شکر (همدان) که آن هم بخشی از عراق عجم محسوب می شده یکی بوده است. زیرا فهرست تفصیلی نواحی آنان متفاوت است. و در دیگر منابع هم به صورت دو واحد مجزا آمده اند. نیز وجود بیگلربیگی عراق عجم به معنای اثبات قطعی بیگلربیگی تهران نیست که شرح آن خواهد آمد. همچنین نام منطقه فارس در شمار بیگلربیگیان سیزده گانه نیامده است. در صورتی که خود آقای فلسفی کمی بعد می نویسد: در زمان شاه عباس، مقام و قدرت خان فارس که به عنوان امیرالامرا و بیگلربیگی هر دو خوانده می شد از همه حکام ایران برتر و بیشتر بود. (۱۳) رهر بُرن نیز به نقل از اسکندر منشی، اسامی ایالاتی که در زمان شاه عباس اول دارای بیگلربیگی بودند را سیزده تا ذکر می کند. (۱۴) اما لیست های سیزده گانه اسکندر منشی و میرزا سمعیاً در مجموع در هفت بیگلربیگی متفاوتند و هیچکدام از آن دو، نام ری را نیاورده اند. رهر برن در جای دیگری از ۱۹ ایالت نام می برد که شمارشان از نوشته اسکندر منشی و میرزا سمعیاً بیشتر است. (۱۵) در این تقسیم بندی نیز نام ناحیه ری به عنوان یکی از ایالات نیامده است اما عراق عجم به دو بخش تقسیم شده است. الف) قلمرو علی شکر یعنی همدان. ب) بقیه عراق عجم. در شرح ناحیه «بقیه عراق عجم» نوشته است که این منطقه از بعضی جهات در قبال سایر ایالات وضع خاصی داشت. پایتخت و شهرهای نواحی آن اصولاً به عنوان حاکم نشین تلقی می شدند. اما اغلب این نواحی را به عنوان تیول به صاحب منصبان درباری می دادند و این صاحب منصبان دیگر تحت نظر بیگلربیگی خاصی نبودند. (۱۶) نیز همو می نویسد حداکثر از اوایل قرن یازدهم هجری حکومت ری با منصب «ایشک آقاسی باشی» توأم گردید. (۱۷) در رستم التواریخ متن تألیفی متعلق به قرن ۱۲ و ۱۳ هجری اسامی ولات و بیگلربیگیان و حکام دوره کریم خان زند ذکر شده است. از جمله از بیگلربیگی کل بلاد آذربایجان و بیگلربیگی مناطق اصفهان، قره داغ و قره باغ، تبریز، شیروان، شوشی، خوی، کرمان، مراغه و کرمانشاهان نام برده شده است. (۱۸) نام برخی از این بیگلربیگی ها در منابع نظام اداری مذکور پیشین نیامده است. همچنین در شمار نام حکام برخی از نواحی حاکم نشین (مناطق پایین تر از بیگلربیگی ها) از حاکم ری به نام عالیجاه غفورخان نام برده شده است. نیز از حاکم همدان. (۱۹) در این گزارش به جهت تغییرات تقسیماتی، همدان با تنزل درجه سازمان اداری روبرو شده است. همدان در چندین منبع دوره صفوی با نام بیگلربیگی قلمرو علی شکر که بر بیگلربیگی عراق عرب هم حکومت می کرده، آمده است. در نتیجه در بررسی منابع تقسیماتی مشهور دوره صفوی نامی از بیگلربیگی ری نیامده است. اما این دلیل نمی تواند نفی مطلق این موضوع محسوب شود. چون اسناد مدون و دقیق و کامل نظام اداری دوران صفویه در دست نیست. و اختلاف اسامی بیگلربیگی ها در چند منبع نقل شده بیان گر این حقیقت است. همچنین واحدهای اداری، شاهد تنزل و ترقی و تغییرات پی در پی هم بوده است چنان که به وضعیت بیگلربیگی همدان اشاره شد و ممکن است در یک مقطع از دوره صفوی، تهران دارای بیگلربیگی بوده باشد. چنان که اعتماد السلطنه نقل کرده است. وی در کتاب المآثر والآثار از حاکم تهران به عنوان عیسی خان قاجار بیگلربیگی یاد می کند. (۲۰) و شارح این کتاب نوشته است. پسر دوازدهم حاجی محمد باقر خان بیگلربیگی قاجار دولو که پس از پدرش بیگلربیگی تهران شد. (۲۱) وی بر سخن خود مأخذی ارائه ننموده است.



- ۱- . نظام ایالات در دوره صفویه، ژهر بُرن، ترجمه کیکاووس جهاننداری، ص ۲۹.
- ۲- . همان مأخذ، ص ۲۹.
- ۳- . همان مأخذ، ص ۷.
- ۴- . گنج دانش، محمدتقی خان حکیم، ص ۴۵۸؛ مرآت البلدان، ج ۱، ص ۵۹۵.
- ۵- . ر.ک: نظام ایالات در دوره صفویه، ص ۶۹.
- ۶- . ر.ک: همان مأخذ، ص ۱۳۱.
- ۷- . ر.ک: همان مأخذ، ص ۲۶.
- ۸- . سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محیی، ص ۱۲.
- ۹- . نظام ایالات در دوره صفویه، ص ۲.
- ۱۰- . تهران به روایت تاریخ، ج ۱، ص ۷۶ و ۷۷.
- ۱۱- . تذکره الملوک، ص ۵.
- ۱۲- . همان مأخذ، ص ۸۴.
- ۱۳- . زندگانی شاه عباس اول، نصرالله فلسفی، ج ۱ و ۲، ص ۸۰۵.
- ۱۴- . نظام ایالات در دوره صفویه، ص ۲۹.
- ۱۵- . همان مأخذ، ص ۲.
- ۱۶- . همان مأخذ، ص ۱۰.
- ۱۷- . همان مأخذ، ص ۴۴.
- ۱۸- . رستم التواریخ، محمد هاشم آصف (رستم الحکما)، ص ۳۵۱.
- ۱۹- . همان مأخذ، ص ۳۵۱.
- ۲۰- . چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، محمدحسن اعتماد السلطنه، ج ۱، ص ۵۳.
- ۲۱- . همان مأخذ با تعلیقات حسین محبوبی اردکانی، ج ۲، ص ۵۷۵.

ص: ۱۲۷

..

ص: ۱۲۸

..

ص: ۱۲۹

..

ص: ۱۳۰

..

ص: ۱۳۱

..

ص: ۱۳۲

## الکای ری

الکای ری‌الکاء، الکه یعنی کشور، ناحیه، قسمتی از ایالت. (۱) در سازمان اداری دوره صفوی، القاب و مواجب و مالیات مناطق مختلف ایران در ذیل نام الکای هر کدام از نواحی یاد می شود. برخی از الکاها کم اهمیت و در حدّ یک شهرستان کوچک بودند و بعضی متوسط و برخی بزرگ. میرزا سمعیاً در اواخر دوره صفوی درآمد «حاکم الکای ری» را ۱۸۰۲ تومان و ۷۵۵۰ دینار نوشته است. (۲) میرزا علی نقی نصیری در قرن دوازدهم هجری نوشته است: بابتی که از «الکای ری و شهریار» به صیغه تیول بازیافت می نماید ۲۶۷۵ تومان و ۱۰۰۰ دینار و کسری است. (۳) مقایسه مالیات الکای ری با دیگر الکاها نشان می دهد که ری از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. مثلاً الکای نیشابور ۲۲۱۳ تومان و یک هزار دینار و الکای اردبیل بالغ بر ۲۰۰۹ تومان و ۳۸۱۹ دینار تبریزی و حاکم مراغه و ایل مقدم ۳۹۹۹ تومان و ۳۹۲۲ دینار تبریزی مداخل داشته اند. (۴)

۱- القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، میرزا علی نقی نصیری، ص ۱۱۴.

۲- تذکره الملوک، میرزا سمعیاً با حواشی و تعلیقات مینورسکی، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، ص ۸۵.

۳- القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، ص ۱۶.

۴- ر.ک: همان مأخذ، ص ۱۰۳ و ۱۰۶.

ص: ۱۳۳

## دارالخلافه تهران

## ولایت تهران

دارالخلافه تهراناعتماد السلطنه یکی از شخصیت های دوره ناصری، در کتاب المآثر و الآثار در مورد تقسیمات کشوری ایران گزارش مبسوط و گسترده ای را آورده است که با وجود تفصیل، کامل و جامع و دقیق نیست. بنابر نوشته وی یکی از اصطلاحات اداری دوره قاجاریه، دارالخلافه تهران بود که دارای تشکیلاتی جدا از نظام تقسیماتی دیگر نواحی بود. و یکی از نواب بلوکات دارالخلافه، میرزا مهدی، نایب بلوک ورامین و شهریار و غار و فشاپویه بود. نام واحد سیاسی ری در این زمان «غار و فشاپویه» بود.

(۱)

ولایت تهراندر دوره صفویه ایران به چهار والی نشین و سیزده بیگلربیگی نشین تقسیم می شد. بعد از صفویه ندرتاً در ایران تقسیمات کشوری جدیدی صورت گرفت بلکه حکومت های بعدی مانند افشاریه و زندیه و حتی قاجاریه بیشتر کار خود را به روال گذشته قرار داده بودند. (۲) فتحعلی شاه، ایران را به پنج ایالت و چند ولایت کوچک و بزرگ تقسیم کرد. (۳) اعتماد السلطنه از واحدها و مشاغل سیاسی اداری قاجار این چنین نام می برد. «مملکت» و «ایالت» و «ولایت» و «والی» و «فرمانفرما» و «صاحب اختیار» و «حکمران» و «نایب الحکومه» و «خطط متوسطه ای که سمت سپردگی و سیور غالی داشتند». وی هر کدام از واحدهای سیاسی را مشخص کرده است. مثلاً در این تقسیمات، فارس، مملکت و ایالت؛ و گیلان و طوالش، ایالت؛ قزوین، ولایت؛ نطنز، نایب الحکومه محسوب می شد. این نظام تقسیماتی با سازمان های پیشین اداری و سیاسی متفاوت بود. (۴) جرج. ن. کرزن نیز واحدهای اداری ایران را بدون تعیین درجه بندی آن ها در جدولی می آورد. (۵) ناصرالدین شاه در اواسط دوره سلطنتش مملکت را به چهار ایالت و بیست و سه ولایت تقسیم نمود. یکی از ولایات تهران بود. (۶) ایران تا ۱۳۱۶ شمسی به همان ۲۷ قسمت تقسیم شده بود. یعنی ۴ ایالت و ۲۳ ولایت. و یکی از ولایات تهران بود. (۷) در دوره قاجاریه، با انتخاب تهران به پایتختی ایران منطقه ری به تدریج حتی از نظر نام ناحیه ای نیز تغییر نام یافت و دارالخلافه و ولایت تهران جایگزین آن گردید. ولایت تهران چهارده بلوک داشت. از قرار ذیل: ۱. تهران و حومه، ۲. فیروزکوه، ۳. دماوند، ۴. لواسان و رودبار و لورا و شهرستانک، ۵. طالقان، ۶. خوار (گرمسار)، ۷. ورامین، ۸. (دو بلوک) غار و پشاپویه (۸) ۹. شمیران، ۱۰. کن و سولقان و ارتگه، ۱۱. ساوجبلاغ، ۱۲. شهریار، ۱۳. ایوانکی. (۹) ولایت تهران آن روز معادل استان تهران کنونی به اضافه شهرستان گرمسار (که امروزه تابع استان سمنان است) بوده است. بلوک های بالا- از نظر تعداد روستا و جمعیت اختلاف فاحشی داشتند. بلوک ایوانکی دارای هشت روستا و بلوک غار با ۱۷۴ روستا و ۲۹۱۵۶ نفر جمعیت و پشاپویه با ۵۵ روستا و ۴۹۳۷ نفر در مجموع ۳۴۰۹۳ نفر جمعیت و ۲۲۹ روستا داشت که از نظر جمعیت بعد از تهران، رتبه اول را دارا بوده و از نظر تعداد روستا هم اول بوده است (تعداد روستاهای حومه تهران نیامده است). مرکز بلوک غار و پشاپویه قصبه حضرت عبدالعظیم علیه السلام بود. (۱۰)

۱- . چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المآثر و الآثار) محمدحسن خان اعتماد السلطنه، ج ۱، ص ۳۷۵ ۳۷۹.

۲- . جغرافیای مفصل ایران، ربیع بدیعی، ج ۲، ص ۲۱۹.



- ۳- . بلوچستان و سیستان، اقبال یغمائی، ص ۷.
- ۴- . چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج ۱، ص ۶۱ ۵۲ و ص ۴۲۰ ۴۳۰.
- ۵- . ایران و قضیه ایران، جرج. ن. کرزن، ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی، ج ۲، ص ۵۷۲ و ۵۷۴.
- ۶- . بلوچستان و سیستان، ص ۷.
- ۷- . شرح مبسوط ایالات و ولایات ایران در جغرافیای مفصل ایران، مسعود کیهان، ج دوم آمده است. این کتاب در ۱۳۱۱ش به زیور طبع آراسته است.
- ۸- . غار و پشاپویه در جدول کتاب جغرافیای مفصل ایران، از مسعود کیهان، ج ۲، ص ۳۲۶ به صورت دو بلوک جداگانه ذکر گردیده و در ص ۳۱۲ همان کتاب با هم ذکر شده است.
- ۹- . جغرافیای مفصل ایران، مسعود کیهان، ص ۳۲۶ و ۳۱۲.
- ۱۰- . ر.ک: همان مأخذ، ص ۳۲۶.

ص: ۱۳۴

..

## استان دوم، استان مرکزی، استان تهران

استان دوم، استان مرکزی، استان تهران در ۱۳۱۶ ه. ش در تقسیمات کشوری ایران تغییرات وسیعی یافت و ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم گردید. ناحیه تهران با عنوان شهرستان تهران در شمار شهرهای استان دوم به مرکزیت ساری قرار گرفت (۱) و اندکی بعد، استان جدیدی به نام استان مرکزی به مرکزیت تهران تأسیس گردید با شش شهرستان تهران و قزوین و قم و دماوند و ساوه و محلات. در این تقسیمات شهرستان تهران به بخش های ری، ورامین، شمیران، افجه، کن، شهریار، کرج، طالقان تقسیم شده بود. (۲) در سال ۱۳۳۶ بخش ری به شهرستان تبدیل شد. تا سال ۱۳۵۷ ه. ش تهران جزو استان مرکزی و مرکز آن بود. در ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ش استان مرکزی سابق به دو استان تهران و مرکزی (اراک) تجزیه شد و بخشی از آن هم به استان های همجوار الحاق گردید. (۳) هم اینک استان تهران دارای ۱۳ شهرستان به نام های ذیل است: اسلامشهر، پاکدشت، تهران، دماوند، رباط کریم، ری، ساوجبلاغ، شمیرانات، شهریار، فیروزکوه، کرج، نظرآباد، ورامین. (۴)

۱- . جغرافیای مفصل ایران، ربیع بدیعی، ج ۲، ص ۲۲۱.

۲- . فرهنگ جغرافیایی ایران، زیر نظر رزم آرا، جلد نخست، جدول صفحه ماقبل یک.

۳- . یادداشت های مخطوط از اسناد تقسیمات کشوری توسط آقای نعمت الله محزّمی از اعضای واحد تقسیمات کشوری وزارت کشور.

۴- . سالنامه آماری استان تهران، ۱۳۸۰ ش، ص ۹. با اعمال تغییرات جدید تقسیمات کشوری.

ص: ۱۳۶

..

## مرکزیت سیاسی و اداری تاریخی ری

## اشاره

مرکزیت سیاسی و اداری تاریخی ریسرزمین ری به لحاظ موقعیت مطلوب فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ارتباطی، در پیش از اسلام و بعد از آن، از جایگاه شایسته‌ای در مرکزیت سیاسی و اداری برخوردار بوده است. دامنه و ابعاد این اهمیت با شدت و ضعف و فراز و فرودهایی همراه بوده است. و حتی بعد از حمله مغول نیز با وجود تغییرات در مرکزیت آن، اعتبار ناحیه‌ای این سامان نه تنها تداوم یافت بلکه بیش از دو قرن است که پایتخت و مرکزیت سیاسی کشور بزرگ آسیای جنوب غربی یعنی ایران در این سرزمین واقع است. به لحاظ محدودیت این نوشتار شرح اجمالی مرکزیت سیاسی و اداری تاریخی ری در سه بخش ارائه می‌گردد؛ بخش اصلی و نخست، شامل شرح و بررسی کمی و کیفی مرکزیت سیاسی و اداری این سامان در ادوار مختلف تاریخی است. و دو بخش دیگر در تغییر مرکزیت سیاسی و اسمی سرزمین ری و نوسانات حوزه سرزمینی و سیاسی آن است. شهر ری در تاریخ طولانی خود، دارای درجات مختلف مرکزیت سیاسی و اداری بوده است. همانند: پایتخت، پایتخت دوم، مرکز منطقه وسیع، مرکز منطقه نسبتاً وسیع، مرکز منطقه‌ای در حدود استان و مرکز منطقه‌ای کوچک تر از استان. شمس الدین دمشقی (م ۷۲۷ه) در وصف شهرهای جبال از شهر ری نام می‌برد و می‌نویسد: «دیگر شهر ری است که پایتخت پادشاهان آل بویه بوده و ری به معنی نیکویی است. ری، رام فیروز و ری اردشیر نیز خوانده شده است. چه هر یک از این پادشاهان را در آن اثری است و نیز به سبب محمد پسر مهدی پسر منصور که زمانی در این شهر سکونت داشته محمدیه نام یافته است». (۱) همچنین دمشقی می‌نویسد: «اشکانیان بر عراق عرب و عجم فرمانروایی داشتند و جایگاه دولتشان در ری بود». (۲) پیرنیا می‌نویسد: «از نگارشات سترابون چنین باید استنباط کرد که دربار اشکانی پس از گذشتن زمستان از تیسفون حرکت کرده و به طرف گرگان می‌رفته و در شهرهایی مانند همدان و ری و شهر صد دروازه توقف می‌کرده تا به گرگان می‌رسیده». در باب ری، آتنه گوید: «اقامتگاه شاهان اشکانی در بهار بوده (یعنی پایتخت بهار اشکانیان بوده است) و این خبر باید صحیح باشد، زیرا ری را ارشکیه می‌نامیدند. و به قول ایزیدور خارا کسی ری از تمامی شهرهای ماد بزرگ تر بود و بهار همچنان که معلوم است در ری غالباً خوب است». (۳) اعتماد السلطنه می‌نویسد: اما پایتخت سلاطین اشکانی، به زعم مورخین عرب و عجم ری بوده است. ولی این حرف، به طریق اطلاق سهو است و صحیح نیست. می‌کن [که] بعد از نضج و قوام و سلطنت، چند نفر از این سلسله از سلاطین، پایتخت خود را به ری آورده باشند. (۴) شهر ری از دوران هخامنشی یکی از نقاط آباد و مهم ایران بوده است و در قرون اولیه اسلام نیز از بزرگ ترین مراکز آبادانی و سیاسی ایران محسوب می‌شد و مدت ها پایتخت سلسله آل بویه بوده و در عهد سلجوقیان نیز شهری بسیار مهم و بزرگ و پرجمعیت به شمار می‌رفته و در مواقعی پایتخت آن سلسله نیز بوده است. و بر اثر حمله مغول و سوانح دیگر به کلی ویران گردید. (۵) مردآویج بنیان گذار سلسله آل زیاد در ۳۱۶ ه.ق در ری مستقر شد. (۶) مردآویج ری را به پایتختی خویش برگزید و بناهای مشید در آن به وجود آورد. ولیکن عهد وی، دیری نپایید. (۷) اعمال ری، جبل، فارس، اهواز و عراق تا نواحی شام و حجاز، همه در سلطه آل بویه بود. آنها دو شهر بزرگ دنیای آن روزگار یعنی بغداد و ری را دارالملک ساختند و حسن رکن الدوله یکی از سه پسران مشهور بویه در ری استقرار یافت (۸) و بعد از وی چندین تن از پادشاهان آل بویه پایتخت شان ری بود. طغرل اول از ۴۲۹ تا ۴۵۵ قریب ۲۶ سال سلطنت کرد و در ری از دنیا رفت. (۹) وی از سلاجقه بزرگ محسوب می‌شد. سلاجقه بزرگ شعبه اصلی این خاندان یعنی طغرل اول، الب ارسلان، ملکشاه، برکیارق محمد و سنجر است. در دوره سلاجقه بزرگ، طغرل ری را به پایتختی خود انتخاب نمود. (۱۰)

اهمیت ری در دوره سلاجقه چنان بود که در سال ۴۶۳هـ رومانوس دیوجانس پادشاه روم، برای فتح بلاد از دست رفته ارمنستان و حدود غربی ممالک خود، با سپاهی، دویست هزار نفری، که از یونانیان، گرجیان، مردم بلغار، روسیه و فرانسه تشکیل یافته بود، برای نبرد با الب ارسلان به آسیای صغیر آمد و در شهر ملازگرد اردو زد. الب ارسلان، پادشاه روم را به صلح دعوت کرد ولی امپراطور مغرور روم گفت که در شهر ری با یکدیگر صلح خواهیم نمود. (۱۱) در حدود العالم ری شهری عظیم و آبادان و مستقر پادشاه جبال، معرفی شده است. (۱۲) خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر همدانی در شرح تاریخ غزنویان به مناسبت از ری این چنین نام می برد: «سلطان محمود... هفده هزار مرد به وی (مسعود غزنوی) داد تا به شهر ری و دارالملک عراق متمکن و راضی شد». (۱۳) یاقوت حموی و صاحب مراصد، از ری به عنوان قصبه بلاد جبال یاد کرده اند. (۱۴) لسترنج می نویسد: در زمان دیالمه یعنی در قرن چهارم، چنان که ابن حوقل می گوید: دستگاه اداری دولت در ری بود. (۱۵) همو می نویسد: ری در قرن چهارم هجری بزرگ ترین مراکز چهارگانه ایالت جبال بوده است. (۱۶) شروانی محدوده ولایت راز را که تقریباً با استان فعلی تهران معادل است بیان می کند و می نویسد: ولایت راز محتویست بر بلاد قدیمه و نواحی عظیمه همگی از اقلیم چهارم، و دارالملک آن شهر ری بوده.... (۱۷) در فرهنگ معین آمده است: ری ناحیه ای است قدیم که در عهد هخامنشی بین دربند (دروازه بحر خزر) و دریای خزر و ماد قرار داشت ولی جزو ماد بزرگ به شمار می آمد. داریوش در کتیبه بیستون از آن یاد کرده است. مرکز ناحیه مذکور، شهر ری (در جنوب تهران کنونی) و آن شهری بزرگ و مرکز جبال محسوب می شد. (۱۸)

- ۱- . نخبه الدهر، شمس الدین انصاری دمشقی، ترجمه سیدحمید طیبیان، ص ۳۱۳ و ۳۱۴.
- ۲- . همان مأخذ، ص ۴۳۷.
- ۳- . تاریخ ایران باستان، ج ۳، ص ۲۶۴۵.
- ۴- . تاریخ اشکانیان (درر التیجان)، محمدحسن خان اعتماد السلطنه، به کوشش نعمت احمدی، ص ۲۵۳.
- ۵- . آثار باستانی تهران، ص ۱۲۲.
- ۶- . تاریخ مفصل ایران، ص ۱۲۹.
- ۷- . ری باستان، ج ۲، ص ۱۵۶.
- ۸- . همان مأخذ، ج ۲، ص ۱۵۶.
- ۹- . تاریخ مفصل ایران، ص ۳۲۰.
- ۱۰- . ری باستان، ج ۲، ص ۱۷۹ و ۱۸۰.
- ۱۱- . تاریخ مفصل ایران، ص ۳۲۶؛ ری باستان، ج ۲، ص ۱۸۳.
- ۱۲- . حدود العالم، ص ۳۹۲.
- ۱۳- . تاریخ غزنویان و سامانیان و آل بویه از جامع التواریخ، رشیدالدین فضل الله وزیر همدانی، ص ۱۶۰.
- ۱۴- . معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۶؛ مراصد الاطلاع، ج ۲، ص ۶۵۱.
- ۱۵- . جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ص ۲۰۱.
- ۱۶- . همان مأخذ، ص ۲۳۱.
- ۱۷- . حدائق السیاحه، ص ۲۵۴.

۱۸- . فرهنگ معین، ج ۵، ص ۶۳۶.

ص: ۱۳۸

..



ص: ۱۳۹

..

ص: ۱۴۰

..

ص: ۱۴۱

..

## سرزمین ری بعد از حمله مغول

سرزمین ری بعد از حمله مغولشهر ری در ادوار اسلامی دارای تاریخی پرفراز و نشیب بوده است. برهه ای از زمان ها به لحاظ مرکزیت و پایتخت بودن و عنایت پاره ای از امرا و وزرا به این سامان، مدارج صعود و عمران و آبادی را پیمود. و از سویی دیگر به خاطر بلایای طبیعی همانند زلزله و درگیری ها و تشتت های فرقه ای و اجتماعی و از همه بدتر حمله سلطان محمود غزنوی شاه متعصب حنفی و حمله ترکان غز و برخی درگیری های دیگر آسیب فراوان دید. با این همه بزرگی و شکوه خود را تا حمله مغول حفظ کرده بود. متأسفانه در دو حمله وحشیانه مغول ها در سال ۶۱۷ و ۶۲۱ هـ ری ویران شد و بنا بر نقل های تاریخی صدها هزار نفر از ساکنان آن قتل عام شدند. (۱) افول بخت و اقبال مرکز ناحیه ری یعنی شهر ری از این تاریخ آغاز می شود. و این شهر تاریخی شکوه و عظمت دیرینه خود را از دست می دهد؛ به طوری که متون تاریخی و جغرافیایی یک صدا حاکی از ویرانی ری است. پرسش هایی در وضعیت شهر ری بعد از حمله مغول و در ادوار بعدی وجود دارد از این قرار: آیا ری مجدداً معمور و مسکون گردید؟ یا به کلی از بین رفت؟ اگر مسکون گردید دامنه آبادانی آن در حدود روستا یا شهر یا شهر بزرگ بوده است؟ و این تغییرات در چه دوره هایی رخ داده است؟ همچنین مرکزیت اداری ری چگونه فرجامی یافت؟ در پاسخ باید گفت بنا بر شواهد و مستندات متون گذشته، ری به طور کلی ویران گردیده است اما مجدداً بخش اندکی از آن معمور و مسکون گردیده و زلزله اواخر قرن هشتم و حمله تیموریان بر وخامت آن افزوده است. ترقی ری به استثنای زمان معاصر، در نهایت از حدود قصبه و شهر کوچک تجاوز نکرده است. و مرکزیت اداری و سیاسی به ورامین و تهران منتقل شده است. با وجود این، نزدیک به شش قرن یعنی تا اوایل قرن سیزدهم هجری هنوز حاکمیت اسمی ری پابرجا بوده است. و از حدود دویست سال و اندی پیش تا کنون با انتخاب یکی از شهرهای ناحیه ری یعنی تهران به پایتختی ایران، نام این شهر جایگزین ری گردید همان طوری که قبلاً از نظر مرکزیت اداری و سیاسی جایگزین آن گردیده بود. شهر ری به نام قریه یا قصبه حضرت عبدالعظیم خوانده می شد. و در سال ۱۳۱۷ به بخش ری تغییر نام یافت و در سال ۱۳۳۶ به شهرستان ری ارتقا یافت (۲) و هم اینک شهر ری متصل به کلان شهر تهران، و خود شهری بزرگ و مرکز شهرستان ری از استان تهران به شمار می رود. آن چه ذکر گردید چکیده گزارش وضعیت ری بعد از حمله مغول است و شرح اجمالی مستندات آن، این چنین است: مستوفی در نیمه اول قرن هشتم می نویسد: «ری در فترت مغول به کلی خراب شد». (۳) همچنین می نویسد: «اکنون که ری خراب است و ورامین شهر آنجاست». (۴) در هفت اقلیم از مصنفات سال ۱۰۰۲ هـ آمده است: «اصل شهر ری در حادثه چنگیزخان نوعی خراب گردیده که آبادانی آن به طور کلی محو گشت و امروز دارالملک (ری) یکی تهران و دیگری ورامین است». (۵) در زینت المجالس که در سال ۱۰۰۴ هـ تألیف شده، آمده است: شهر ری از زمان قتل عام مغول تا کنون خراب مانده و الحال تهران و ورامین شهر آنجاست. (۶) در حدائق السیاحه که در ۱۲۴۲ هـ به زمان فتحعلی شاه تألیف شده، آمده است: اکنون اصل شهر ری ویران است و شهر تهران که از قصبات ری و در یک فرسخی آنجاست، دارالملک ایران است. (۷) کلاویخو رئیس تشریفات سلطنتی اسپانیا که در سال ۱۴۰۴ میلادی برابر با اواخر سال ۸۰۶ هـ از ری عبور کرده، می نویسد: شهر تهران محلی است بسیار پهناور و بر گرد آن دیواری نیست و جایگاهی خرم و فرح زاست که در آن، همه وسایل آسایش یافته می شود. تهران در ناحیه ای واقع است که به نام ری معروف است... سه شنبه بعد به هنگام غروب آفتاب از تهران به راه افتادیم و پس از پیمودن دو فرسخ در جانب راست، بناهای شهری عظیم را دیدیم که متروک مانده و ویران گشته بود. اما بسیاری از برج های آن، هنوز هم برپا بود و خرابه های چند مسجد را دیدیم. این آثار همان شهر ری است که در گذشته بزرگ ترین شهر همه آن منطقه بود. امّا اکنون دیگر این شهر به کلی خالی از سکنه است. (۸) به نظر می رسد ری در حمله مغول، به طور کلی ویران

گردیده ولی مجدداً بخش کوچکی از آن به سرعت به صورت مسکونی درآمد است. شاید یکی از علل مهم این اسکان مجدد را بقعه حضرت عبدالعظیم علیه السلام و دیگر امامزادگان ری دانست. حمدالله مستوفی می نویسد: در عهد غازان خان (۶۹۴ هـ ۷۰۳ هـ)، ملک فخرالدین رئی به حکم یرلیغ درو (ری) اندک عمارتی افزود و جمعی را ساکن گردانید. (۹) بنا بر آنچه ذکر شد اسکان مجدد و محدود در ری مسلم به نظر می رسد. و تغییر مرکزیت اداری و سیاسی ری به ورامین و تهران هم فی الجمله قطعی است. و از طرفی در بسیاری از حوادث پس از مغول در ده ها منبع مختلف نام ری به میان آمده است. می توان نتیجه گرفت استعمال ری به صورت اشتراک لفظی بوده است هم بر ناحیه ری و هم بر بقایای شهر کهن و بزرگ ری. پیرامون چگونگی سرنوشت ری پس از مغول دو دیدگاه متضاد مطرح شده است که هر دو قابل نقد و بررسی است. یکی دیدگاه ایران شناس معروف، مینورسکی و دیگر محقق ارجمند روانشاد دکتر حسین کریمان. در ری باستان، فصلی به ماجرای خرابی ری و سبب درآمدن از صورت شهری بزرگ در طی چند قرن به حالت دیهی خرد، اختصاص یافته است. از جمله دیدگاه مینورسکی را در این باب چنین آورده است: سپاهیان تیمور به سال ۱۳۸۴م برابر ۷۸۶ هـ. ری را بدون هیچ گونه مقاومتی به تصرف درآوردند. اما این کار در حوزه ری صورت گرفت نه شهر ری. زیرا کلاویخو که سال ۱۴۰۴ م از آن ناحیه عبور کرده تأیید می کند که ری دیگر مسکون نیست. به ذکر ری در عهد شاهرخ در مطلع السعدین تحت وقایع سال ۸۴۱ هـ ۱۴۳۷م و همچنین عهد شاه اسماعیل در حیب السیر نباید اهمیت داد. (۱۰) دکتر کریمان به تفصیل به نقد دیدگاه مینورسکی پرداخته و شواهد و مدارکی را عرضه داشته که اثبات نماید نه تنها ری بعد از حمله مغول مسکون بوده بلکه از شهرهای بزرگ هم به حساب می آمده است و بعداً به صورت روستا درآمد است. خلاصه مستندات وی چنین است: ری دارالضرب بوده و سکه های مضروب آن به سال ۷۰۴ ۷۳۳ هـ. در دوران خدابنده و ابوسعید ایلخانی به دست آمده است. در سال ۷۵۶ هـ. در ری شورش به وجود آمد. در تاریخ جهانگشا مشاهدات شرف الدین خوارزمی از ساکنین ری پس از سال ۶۴۲ گزارش شده است. در تحفه سامی به ری، شهر ری خطاب شده، در زینت المجالس به حیات شهری عشر عشیری از آبادانی اولیه ری اقرار شده است. علامه قزوینی در یادداشت هایش آورده، شهر ری تا سنه ۷۷۲ هنوز سرپا و باقی بوده است. چون مکرر از تسخیر ری و فتح قلاع آن در این سنه و سنوات آن صحبت می کند. آنچه در ظفرنامه تیموری و تاریخ طبرستان صحبت از این است گمان نرود که مراد از ری نواحی آن است زیرا در اخبار تیمور، ذکر ری و نواحی هر کدام جداگانه مذکور افتاده است. بر تداوم عمران و آبادی ری، نباید به منابع مختلف دیگر بی اعتنا بود همانند تاریخ جهانگشا، آثار البلاد قزوینی، نخبه الدهر، جامع التواریخ، مجمل فصیحی، مطلع السعدین، تاریخ رویان اولیاء الله، تاریخ طبرستان مرعشی، ظفرنامه تیموری، ظفرنامه شامی، دیار بکریه، تاریخ جهان آرا، لب التواریخ، شرف نامه، تحفه سامی و حیب السیر. (۱۱) دکتر کریمان در یک جمع بندی در این موضوع می نویسد: «ری هیچ گاه به صورت کلی خراب نشد و هرگز از جمعیت خالی نگردید بلکه خرابی ای که در آنجا از قرون چهار و پنج تا اوائل قرن هفتم و پیش از حمله مغول به وجود آمده بود، در فاجعه مغول بیش از پیش توسعه یافت با این حال پس از هجوم تاتار ری هنوز از بلاد معظم عصر به شمار بود. خرابی در این شهر همچنان افزونی یافت تا بار دیگر گرفتار تاخت و تاز سپاهیان عظیم یعنی لشکر تیمور و نیز ظاهراً زلزله ای سخت گردید و آسیبی فراوان دید. لکن هنوز هم، صورت بقعتی مسکون را داشت. این شهر نیمه جان از این پس نیز تا قرن دهم و اوائل عهد صفویان که به صورت دیهی درآمد همچنان به موجودیت خویش ادامه داد. چنان که در آثار این عهد، هنوز از آن به نام شهر ری یاد می شده است. و در منابع مورد استفاده وصف خرابه یا کلمه ای مشابه آن در باب این شهر به نظر نرسید و سبب این خرابی نیز حمله چنگیز یا هجوم تیمور نبود. (۱۲) دکتر کریمان اضافه می کند که خرابی ری بیشتر ناشی از تفرقه و تشتت شدید فرهنگی و مذهبی و نبودن اتحاد کلمه فکری و وحدت مذهبی بوده است. (۱۳) وی در بخش دیگری از کتاب ری باستان با اشاره به سخن نجم الدین دایه رازی در تلفات هفتصد هزار نفری اهالی ری در فتنه مغول می نویسد: با این حال ری پس از واقعه مغول هنوز از امهات بلدان محسوب بوده و عظمت و اعتباری داشته و تا دو سه قرن

بعد نامش در پاره ای از وقایع تاریخی که شرحش بیاید درج می آمده و در اوایل عهد صفویان از ری هنوز به صفت شهر، یاد می شده است. زکریای قزوینی در آثار البلاد که در سال ۶۷۴ یعنی بیش از نیم قرن پس از واقعه مغول تألیف کرده از ری بدین صورت یاد کرده است: الری مدینه مشهوره من أمهات بلاد الاسلام و أعلام المدن. (۱۴) چنان که پیشتر بیان شد هر دو دیدگاه مینورسکی و مرحوم کریمان قابل نقد و بررسی است. روشن است اگر نظریه مینورسکی این باشد که ری پس از مغول مسکون نبوده و نام ری فقط بر حوزه ری اطلاق می شده نه بر شهر ری، فاقد صحت است؛ چرا که حمدالله مستوفی به اسکان جمعی از مردم در ری توسط غازان خان اشاره نموده است. (۱۵) و از طرفی، اماکن متبرکه ری حتماً مورد عنایت بوده و علاوه بر زوّار نمی توانسته خالی از مجاورین باشد. البته خرابی کلی ری توسط مهاجمان مغول، بنا بر نقل منابع کهن روی داده است؛ ولی به نظر می رسد مجدداً بخش اندکی از آن معمور و مسکون گردیده است و آن هم یک شهر زیارتی مثل ری. و گویا این سرنوشت برای بسیاری از شهرهای ایران رخ داده است. برخی از شهرها بعد از حمله و خرابی مغولان در راه تجدید حیات مجدد، ابتدا به صورت روستا و بعدها به صورت شهر درآمده اند. و برخی قرن ها در همان حد روستا یا حداکثر قصبه و شهرک مانده اند و دیگر به شکل شهری سابق خود برنگشته اند. برای نمونه حمدالله مستوفی می نویسد: کاغذکنان شهر وسط بود. اکنون خراب است و مقدار دیه وسط مانده، در فترت مغول خراب شده است. (۱۶) یا نوشته است: سجاس و سهرورد در اول دو شهر بوده است و در فترت مغول خراب شد اکنون به هر یک از مقدار دیهی مانده است. (۱۷) ظاهراً ری نیز به سرنوشت همانند دیگر شهرهای ویران شده حمله مغول، مبتلا می شود و با وجود شهر زیارتی حداقل از این شهر بایستی به اندازه دیهی باقی بماند نه این که کلاً تبدیل به ناحیه غیر مسکونی شود. از طرفی انتقال مرکز سیاسی و اداری ری به ورامین و تهران هم قطعی است. پس نام ری، بر ناحیه ری هم اطلاق می شد. اما نه به صورت مطلق بلکه به صورت اشتراک لفظی هم بر شهر و هم بر ناحیه ری استعمال می شده است. اما در بررسی آرای دکتر کریمان مشخص می شود که اثبات پاره ای از آنها، محلّ تأمل است. و در این نوشتار به سه مورد از آنها پرداخته می شود. نخست یکی از علل انحطاط ری بعد از حمله مغول، عدم وحدت و تفرقه مذهبی و فکری مردم بیان شده است نه حمله چنگیز و تیمور. واقعیت این است که تشتت آرا و مذهب یکی از علل خرابی های پی در پی ری قبل از مغول و در حمله مغول بوده است. چنانکه در تاریخ ری گذشت. و این تفرقه به حدی بوده است که بنا بر نقل حبیب السیر شافعیان ری مشوّق مغولان برای قتل عام اکثریت حنفی این شهر بوده اند. (۱۸) اما در دوره ایلخانان مغول بافت مذهبی ری دگرگون شده بود. حمدالله مستوفی می نویسد: اهل شهر (منظور ورامین است) و اکثر ولایات (ری) شیعه اثنی عشری اند الا دیه قوه و چند موضع دیگر که حنفی باشند. (۱۹) از این روی به نظر نمی رسد که تشتت مذهبی، عامل اصلی انحطاط ری بعد از ادوار مغولان باشد. علت و یا علل دیگر، نیازمند کاوش و بررسی دقیق است. و شاید جاذبه ورامین و تهران مخصوصاً تهران در یک فرسخی ری، یکی از علل و موانع رشد درازمدت ری شده باشد. و همّت مردم در تجمع بر ورامین و تهران متمرکز شده باشد. بارتلد می نویسد: علت ترجیح ورامین به ری تا اندازه ای به واسطه کثرت آب ورامین بوده که از جاجرود مهمترین رودخانه این محل استفاده کرده است. (۲۰) همچنین در کتاب جغرافیای تاریخی تهران آمده است: شهر عظیمی که کلاویخو بدان اشاره کرده است شهر ری است که در آن هنگام به کلی خراب و خالی از سکنه می نموده است، اما مسلماً مردمان فقیری که فرصت یا پول نداشتند تا به نقاط دوردست نقل مکان کنند، هنوز هم در آن جا یافت می شدند که غالباً به شهرها و روستاهای پیرامون ری، به ویژه ورامین روی آور شدند. ورامین به سبب برخورداری از کشتزارهای گسترده و مخصوصاً قلعه استواری که داشت بیشتر از سایر نقاط، مردم گریزان و خانه به دوش ری را به سوی خود کشاند و مرکزیتی یافت. (۲۱) آن گاه مؤلف کتاب مزبور در مورد ارزش دفاعی و امنیتی حصار شهرها در برابر تاخت و تاز و قتل و غارت توضیحاتی را آورده و می نویسد: پس از ویرانی ری، ورامین که دارای یک قلعه مستحکم و برج و بارو بود، رونق گرفت و توسعه یافت و مخصوصاً در سال های نخست حکومت صفوی از رزمگاههای عمده و هدفهای مطلوب نظامی بود. سپس با استناد به منابع دوره صفوی ارزش قلعه

ورامین در تحولات سیاسی و نظامی دوران شاه اسماعیل صفوی را بیان کرده و نتیجه گیری می کند پس از شهر ری، ورامین اهمیت و مرکزیت داشته و به سبب حصار و قلعه خود مورد توجه بوده است. (۲۲) اما تهران نیز در گزارش های جغرافیای تاریخی مورد عنایت ویژه قرار گرفته است. در متون قرن هفتم هجری نام آن مذکور گشته و در قرن هشتم حمدالله مستوفی می نویسد: تهران قصبه معتبر است و آب و هوایش خوش تر از ری است و در حاصل مانند آن و در مقابل اهل آنجا کثرتی عظیم داشته اند. (۲۳) و کلاویخو در اواخر حیات تیمور لنگ نوشته است: شهر تهران محلی است بسیار پهناور و جایگاهی خرم و فرح زاست که در آن همه وسایل آسایش یافته می شود. (۲۴) و در منابع دوره صفوی نیز تهران مبالغه آمیز وصف شده است. اما حمله مغولان در کوتاه مدت در عدم رشد ری بسیار تأثیر داشته است. حمدالله مستوفی در شرح تومان ری، حقوق دیوانی گذشته آن را هفتصد تومان ذکر کرده و حقوق دیوانی زمان خودش (ایلخانان مغول) را پانزده تومان و یک هزار و پانصد دینار. (۲۵) دوم، آقای دکتر کریمان، نام ری در ذکر حوادث تاریخی قرون بعد از مغول را متوجه شهر ری دانسته است. اما این اطلاق صحیح نیست و بایستی با قرائن قابل قبول مشخص شود؛ چرا که همان طور که پیشتر بیان شد، ری هم بر ناحیه ری اطلاق می شد و هم بر مرکز ری. و در ادامه بحث اسناد این سخن عرضه خواهد شد. سوم، مؤلف محترم ری باستان نوشته است: حتی پس از فاجعه مغول و هجوم تاتار ری هنوز از بلاد معظم عصر به شمار بود. ظاهراً استناد ایشان به سخن زکریای قزوینی در آثار البلاد است که در سال ۶۷۴ ه. بیش از نیم قرن پس از واقعه مغول از ری با نام امهات بلاد اسلام و اعلام مین یاد کرده است؛ اما واقعیت این است که سخن آثار البلاد قابل اعتنا نیست. مؤلف آثار البلاد در ۶۰۰ یا حدود ۶۰۵ ه. در قزوین به دنیا آمد و سپس برای تحصیل به دمشق رفت و بعد به عراق عرب آمده و در حله و واسط، منصب قضا داشته و در ۶۸۲ ه. در واسط در گذشته و جنازه او را به بغداد آورده اند. (۲۶) لذا نوجوانی زکریای قزوینی مصادف با حمله مغول است. وی بزرگی ری قبل از حمله مغول را شنیده است. نیز وصف او از ری می تواند ناظر به گذشته ری باشد. چنانکه صاحب مراصد الاطلاع که در سال ۷۳۹ ه. و متأخرتر از زکریای قزوینی در گذشته است در کتابش مراصد الاطلاع که تلخیص معجم البلدان است با وجود گذشت بیش از صد سال از فاجعه مغول اوصاف ری را مدینه المشهوره من امهات البلاد و اعلام المدين (۲۷) عین تعابیر معجم البلدان آورده است. (۲۸) از قضا تعبیر زکریای قزوینی هم همانند یاقوت است. (۲۹) و وصف یاقوت از ری متعلق به پیش از حمله مغول و مقارن آن می باشد. از طرفی گزارش حمدالله مستوفی به روز و تازه است. وی به هنگام افول دولت ایلخانان، می نویسد: ری در فترت مغول به کلی خراب شد. اکنون که ری خراب است ورامین شهر آنجاست. (۳۰) افزون بر آن، زکریای قزوینی، هرچند قزوینی است ولی در خارج از منطقه بلاد جبال و در عراق عرب زندگی می کرده اما حمدالله مستوفی در ایران زندگی می کرد و دارای مشاغل عالی حکومتی بود. او از خاندان قدیم مستوفیان قزوینی است. جد دوم و عموزادگان وی در دیوان عراق (عجم) مقامات مهمی داشتند برادر او نیز از کتاب و شعرا و شغل دیوانی داشته است. خود مستوفی نیز از خواص و کتاب زبردست خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی بود. مستوفی حکومت و استیفای ابهر و زنجان و طارم را بر عهده داشت. همچنین در سلک ملازمان خواجه غیاث الدین محمد پسر خواجه رشیدالدین فضل الله از وزرای شهیر ایلخانی هم بود. (۳۱) از این رو اطلاعات او از وضعیت ری، ارزش افزون تری بر زکریای قزوینی دارد. در نتیجه، بعید به نظر می رسد که خود شهر ری بعد از حمله مغول از امهات بلاد به شمار رفته باشد. ری در طول این قرون به صورت روستا و قصبه و شهرک بوده و زمان معاصر به صورت شهری قابل توجه در آمده است.

- ۲- . ر.ک: بخش تقسیمات کشوری ری در همین مقاله.
- ۳- . نزهه القلوب، ص ۵۳.
- ۴- . همان مأخذ، ص ۵۲.
- ۵- . ر.ک: هفت اقلیم، ج ۳، ص ۶.
- ۶- . گنج دانش، ص ۴۵۶ به نقل از زینت المجالس.
- ۷- . حدائق السياحه، ص ۲۵۵.
- ۸- . سفرنامه کلاویخو، ص ۱۷۶.
- ۹- . نزهه القلوب، ص ۵۳.
- ۱۰- . ر.ک: ری باستان، ج ۲، ص ۴۲۹.
- ۱۱- . ر.ک: ری باستان، ج ۲، ص ۴۲۳ ۴۴۳.
- ۱۲- . همان مأخذ، ج ۲، ص ۴۴۵.
- ۱۳- . همان مأخذ، ص ۴۴۵ ۴۵۲.
- ۱۴- . همان مأخذ، ص ۴۳۲.
- ۱۵- . نزهه القلوب، ص ۵۳.
- ۱۶- . نزهه القلوب، ص ۶۶.
- ۱۷- . همان مأخذ، ص ۶۴.
- ۱۸- . ر.ک: حیب السیر، ج ۳، ص ۳۲ و ۳۳.
- ۱۹- . نزهه القلوب، ص ۵۴.
- ۲۰- . تذکره جغرافیای تاریخی ایران، و. بارتلد، ترجمه حمزه سردادور، ص ۱۵۰.
- ۲۱- . جغرافیای تاریخی تهران، محسن معتمدی، ص ۱۴.
- ۲۲- . ر.ک: همان مأخذ، ص ۱۴.
- ۲۳- . همان مأخذ، ص ۵۵.
- ۲۴- . سفرنامه کلاویخو، ص ۱۷۶.
- ۲۵- . نزهه القلوب، ص ۵۲ و ۵۵.
- ۲۶- . تاریخ مغول، عباس اقبال آشتیانی، ص ۵۰۴؛ آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، ص ۱۱.
- ۲۷- . مراصد الاطلاع، ج ۲، ص ۶۵۱.
- ۲۸- . معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۶.
- ۲۹- . آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۳۷۵.
- ۳۰- . نزهه القلوب، ص ۵۳ ۵۲.
- ۳۱- . تاریخ مغول، ص ۵۲۳ و ۵۲۴.



ص: ۱۴۳

..

ص: ۱۴۴

..

ص: ۱۴۵

..

ص: ۱۴۶

..

ص: ۱۴۷

..

ص: ۱۴۸

..

ص: ۱۴۹

..

ص: ۱۵۰

..



ص: ۱۵۱

..

ص: ۱۵۲

..

ص: ۱۵۳

..

## تغییر مرکزیت اداری و اسمی سرزمین ری

تغییر مرکزیت اداری و اسمی سرزمین ریچنانچه گذشت پس از حمله مغول، مرکزیت اداری ری تغییر کرد و ورامین و تهران مرکز ناحیه ری گردیدند. (۱) و نزدیک به شش قرن، حکومت ناحیه از نظر اسمی ری بود و مرکزش ورامین و تهران. و در بیش از دو قرن اخیر اسم ناحیه هم به تهران تغییر نام یافت. از این رو در بسیاری از منابع نام ری به صورت مشترک لفظی بر ناحیه ری و شهر ری اطلاق گردیده است. و مشخص نمودن هر یک نیازمند توضیح یا قرائن قابل قبول است. در برخی از متون ورامین و تهران و ری جدا ذکر گردیده است که شرح مستند آن در این نوشتار عرضه خواهد شد. برای مثال ابن بطوطه در حوادث پس از مرگ سلطان ابوسعید می نویسد: حسن خواجه پسر دمرتاش چوپان که به... و کاشان و ری و ورامین استیلا یافت. (۲) یا در تاریخ رویان از تهران و ری نام برده شده است. (۳) ولی در بسیاری از منابع دیگر، ری به صورت مطلق و بدون مشخص شدن اینکه ناحیه ری است یا شهر ری، آمده است. در دوران پس از مغول، ورامین و تهران مرکز ناحیه ری بودند. امین احمد رازی و صاحب زینت المجالس نوشته اند که شهر ری در حادثه مغول خراب گردید و امروز دارالملک یکی تهران و دیگری ورامین است. (۴) سؤالی که به ذهن می آید آیا این دو شهر با هم مرکزیت داشته اند یا به توالی. به نظر می رسد دومی صحیح باشد یعنی نخست ورامین مرکز ناحیه ری بوده و بعد تهران. و این موضوع از ضمیمه سخنان مستوفی و احمد امین رازی به دست می آید. مستوفی در قرن هشتم فقط ورامین را به عنوان شهر و مرکز ناحیه ری اسم می برد. (۵) احمد امین رازی در بخشی از هفت اقلیم از مصنفات ۱۰۰۲ ه. می نویسد: امروز دارالملک ری، تهران و دیگری ورامین است. (۶) و در بخش دیگری از هفت اقلیم از ورامین نام می برد و می نویسد: در زمان سابق، حاکم نشین بوده است. (۷) پس روشن است که ابتدا ورامین سپس تهران، مرکز ناحیه ری محسوب می شده و در ارائه مستندات بعدی روشن خواهد شد که در زمان مؤلف هفت اقلیم، تهران مرکز ناحیه ری بوده است. پایان مرکزیت ورامین و آغاز مرکزیت تهران نیازمند تحقیق و بررسی است؛ اما مشخص است که تهران از دوره شاه طهماسب صفوی به شهر نسبتاً مهمی تبدیل گردید (۸) و در زمان شاه عباس اول چنانکه در هفت اقلیم مذکور است مرکز ناحیه ری محسوب می شد. و از آن پس، مورد توجه و مدارج عالی ترقی را تا پایان دوره صفویه و در دوران افشاریه و زندیه پیمود و در اوان قاجاریه به پایتختی کل ایران انتخاب گردید. پیشتر گفته شد که نام ری حدود شش قرن پابرجا بود و بعد در قرن سیزدهم هجری نام این ناحیه به تهران تبدیل گردید. در این راستا تومان ری، ولایت ری، الکای ری و بیگلریگی ری. نام ناحیه ری بود. احمد امین رازی در هفت اقلیم از یک قاضی به نام قاضی مسعود نام می برد و می نویسد: پدر این قاضی از قزوین به ری آمد و قاضی این دیار گردید بعد از فوت پدرش منصب قضاوت ری به وی رسید حق تعالی او را در تهران نه پسر نیکو ارزانی داشت. (۹) در این گزارش دایره قضائی ناحیه، ری نام داشته و مرکز ناحیه، تهران. پیتر دلاواله در تاریخ ۱۰۲۸ ه. برابر با ۱۶۱۸ م می گوید: تهران شهری است بزرگ تر از کاشان و اضافه می کند که حیظه و قلمرو اقتدار حاکم آن تا فیروزکوه بسط دارد. (۱۰) در ترجمه سفرنامه دلاواله آمده است:... تهران پایتخت ایالتی است که به همین نام خوانده می شود. (۱۱) به نظر می رسد این سخن دلاواله سیاح ایتالیایی در اواخر حکومت شاه عباس اول صفوی نافعی حاکمیت اسمی ری نباشد زیرا در مواردی که مراکز ناحیه با خود آن همنام نیستند. برخی ها نام مرکز را بر خود ناحیه هم استعمال می کنند. در ترجمه سفرنامه تاورنیه که در دوران سلطنت احفاد و جانشینان شاه عباس اول صفوی به ایران سفر کرده، آمده است:... باید مذاکره خاصی از ایالت تهران و شهر کرسی نشین آن که ایرانی ها شهریار می نامند، بنمایم. (۱۲) به نظر می رسد در این جا سهوی رخ داده باشد. زیرا ناحیه تهران، «الکای ری و شهریار» نام داشت (۱۳) و شهر کرسی نشین این ایالت، تهران بود. سرتامس هربرت در ۱۰۳۷ ه. برابر با ۱۶۲۷ م در تهران، ۳۰۰۰ خانه شمرده بود. به هر حال در امور اداری، نام شهر باستانی ری

هنوز (دائرة المعارف اسلامی E.I نگاه کنید) اسم پایتخت آینده ایران را تحت الشعاع قرار می داده است. (۱۴) میرزا سمعیاً در اواخر صفویه از حکومت ری نام می برد. وی می نویسد: «ایشیک آقاسی باشیان دیوان» که حکومت ری با ایشان بوده و قشون مقرری نیز داشته اند. (۱۵) جواهر کلام می نویسد: نام تاریخی ری تا زمان شاه عباس صفوی و پایان قرن یازدهم هجری برپا بوده است و باز هم گروهی از علمای نامی در این زمان به آن منسوب شده اند. نظام الدین محمد بن الحسین قرشی ساوجی ساکن شهر عبدالعظیم، شاگرد شیخ بهائی و مدرس در مدرسه عبدالعظیم در ری است؛ شاه عباس صفوی تدریس مدرسه مزبور را به وی واگذار کرد... در سال ۱۰۲۲ از تألیف فراعته یافته... (۱۶) جواهر کلام ادامه می دهد: انقراض نام تاریخی ری بعد از قرن یازدهم هجری شده و به جای آن نام تاریخی تهران آمده است. و ظاهراً نخستین شخص نامی از علما و مؤلفین که به تهران بعد از انقراض ری منسوب شده است محمد یوسف بن حسین تهرانی مؤلف کتاب نقد الاصول در علم منطق می باشد که تألیف خود را در ۱۱۰۴ انجام داده است. (۱۷) به نظر می رسد سخن جواهر کلام در انقراض نام تاریخی ری دقیق نیست. چنان که پیش تر گذشت تقسیمات کشوری دوران صفویه تقریباً در دوره افشاریه و زندیه ادامه یافت. همچنین میرزا سمعیاً مؤلف تذکره الملوک که کتابش را در فاصله سال های ۱۱۳۷ تا ۱۱۴۲ ه. تألیف کرده یعنی در نزدیکی نیمه قرن دوازدهم از حکومت ری نام برده است. (۱۸) میرزا علی نقی نصیری نیز در قرن دوازدهم از الکای ری و شهریار نام برده است. (۱۹) همچنین منسوب بودن مؤلف نقد الاصول به تهران، دلیل انقراض نام تاریخی ری نیست. حتی در قرن سوم و زمان بزرگی ری کسانی همچون محمد بن حماد تهرانی منسوب به تهران بودند. (۲۰) به نظر می رسد تا اوایل قرن سیزدهم و دوره قاجاریه نام ری با وجود پایتخت بودن تهران پابرجا بوده است. محمد هاشم آصف (رستم الحکما) از نویسندگان دوره زندیه و اوایل قاجار در رستم التواریخ در چندین موضع از ری اسم می برد. وی صورت مالیات نواحی مختلف ایران در دوره کریم خان را با القاب شهرها عرضه نموده و می نویسد: دارالخلافه ری مع توابع دوازده هزار تومان. (۲۱) نیز می نویسد: (آغا محمد خان قاجار) از شیراز با دبدبه و کوبه شهنشاهی به جانب ری که مقر سلطنتش بود شتافته و در اول قوس از شهر تهران... حرکت کرد. (۲۲) همچنین می نویسد: آن شاه جمجاه (فتحعلی شاه قاجار) با لشکر بسیار از ری آمده... (۲۳) در یک مورد هم در گزارش فتوحات آغا محمد خان قاجار این تعبیر را به کار برده است: ری و تهران روحبخش دلنشین. (۲۴) رستم الحکما در مواردی از دارالخلافه تهران هم نام برده است. (۲۵) اصطلاحی که به نظر می رسد پس از پایتخت شدن تهران در اوایل قرن سیزدهم به تدریج جایگزین دارالخلافه ری شده است. شروانی در ۱۲۴۱ ه. در حدائق السیاحه، در ذکر ولایات در عنوانی مستقل از راز و ری اسم برده و نوشته است: قریه شاه عبدالعظیم اکنون قصبه ای است شهر مانند و طرف جنوب ری واقع است مزار فیض آثار سید عبدالعظیم در آن دیار و مطاف طوایف اهل روزگار است. آن قصبه محتویست قرب دو هزار خانه... (۲۶) سید محمداقرا و اعظ خلخالی در اوایل قرن چهاردهم هجری در جغرافیای مشاهد می نویسد: بدان که ری دارالملک عراق عجم و شهری بود معظم... اکنون خرابه و در اراضی اش بلاد جدیده احداث کرده اند از قبیل دارالخلافه تهران و بلده حضرت عبدالعظیم و غیره بنا کرده اند. (۲۷) همچنین وی می نویسد: مسافت تهران الی خرابه های ری دو میل و الی قصبه حضرت عبدالعظیم قریب یک فرسخ می شود. ۲۸ نیز خلخالی به نقل قول از علمای جغرافیا آورده است: که نفوس و جمعیت حضرت عبدالعظیم را ۲۰/۰۰۰ تخمین کرده اند. ۲۹ امّا برخی دیگر منابع جغرافیایی مشهور دوره قاجار، ری را در شرح تهران یا مناطق جغرافیایی تاریخی مثل عراق عجم و جبال، آورده اند.

۲- . سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱، ص ۲۵۰.

۳- . ر.ک: تاریخ رویان، ص ۱۳۱.

۴- . هفت اقلیم، ج ۳، ص ۶؛ گنج دانش، ص ۴۵۶ به نقل از زینت المجالس.

۵- . نزهه القلوب، ص ۵۲.

۶- . هفت اقلیم، ج ۳، ص ۶.

۷- . همان مأخذ، ص ۴۹.

۸- . توجّه شاه طهماسب صفوی به تهران در منابع مختلف تاریخی و جغرافیایی ذکر شده است. از جمله در تاریخ تهران (قسمت مرکزی و مضافات)، سید عبدالحجت بلاغی، ص ۳۱ به بنای باروی تهران و ۱۱۴ برج آن و بنای ارگ سلطنتی توسط دومین پادشاه خاندان صفوی اشاره شده است.

۹- . هفت اقلیم، ج ۳، ص ۵۸.

۱۰- . تذکره الملوک، میرزا سمعیبا تعلیقات مینورسکی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، ترجمه مسعود رجب نیا، ص ۲۰۳.

۱۱- . سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه شعاع الدین شفا، ص ۲۸۸.

۱۲- . سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، ص ۲۸۸.

۱۳- . القاب و مواجب دوره سلاطین صفوی، ص ۱۶.

۱۴- . تذکره الملوک، ص ۲۰۳.

۱۵- . همان مأخذ، ص ۵۴.

۱۶- . تاریخ تهران، عبدالعزیز جواهر کلام، ص ۶۳ و ۶۴.

۱۷- . همان مأخذ، ص ۶۴.

۱۸- . تذکره الملوک، ص ۵۴.

۱۹- . القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، ص ۱۶.

۲۰- . تهران در گذشته و حال، حسین کریمان، ص ۱۲.

۲۱- . رستم التواریخ، ص ۳۲۱.

۲۲- . همان مأخذ، ص ۴۵۲.

۲۳- . همان مأخذ، ص ۴۶۱.

۲۴- . و ۳. همان مأخذ، ص ۴۵۴.

۲۵- . حدائق السیاحه، ص ۲۵۵.

۲۶- . مجموعه آثار کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم علیه السلام، ج ۹، ص ۲۲۸.

۲۷- . و ۲. همان مأخذ، ص ۲۳۱.

ص: ۱۵۵

..

ص: ۱۵۶

..



ص: ۱۵۷

..

ص: ۱۵۸

..

ص: ۱۵۹

..

ص: ۱۶۰

..

## نوسانات حوزه سیاسی ری

نوسانات حوزه سیاسی ریبرخی از نواحی استان تهران، همانند ورامین و شهر ری و تهران همیشه جزو ولایت ری محسوب می شدند. و بعضی نواحی دیگر گاهی جزو ایالت ری بوده و گاهی نبوده است. برای مثال ساوجبلاغ در عهد سلاجقه جزو ری بوده و در قرن هشتم جزو تومان قزوین محسوب می شده است. (۱) در دوره تیموریان هم ساوجبلاغ جزو ری ذکر شده است. (۲) و در جواهر الاخبار در شرح سال ۹۱۵ ه. آمده است: قزوین و ساوجبلاغ و ری به زینل خان شاملو دادند. (۳) در این گزارش جدا از ری آمده است. ساوجبلاغ در تقسیمات اواخر قاجار هم جزو ری آمده است. (۴) یا شهر گرمسار یا خوار قدیم در بسیاری از ادوار جزو ری بوده و یاقوت هم جزو ری نوشته است. (۵) حتی آرادان گرمسار در شمار نواحی ری آمده است. (۶) اما مستوفی خوار را جزو ناحیه قومس ذکر کرده است. (۷) بحث تفصیلی تغییرات تقسیماتی مناطقی که نام برده شد و دیگر نواحی تابعه ری خارج از حوصله این مقال است.

- ۱- نزهه القلوب، ص ۶۳.
- ۲- زبده التواریخ، حافظ ابرو، ج ۳، ص ۶۴.
- ۳- جواهر الاخبار، بوداق منشی قزوینی، ص ۱۲۵.
- ۴- جغرافیای مفصل ایران، مسعود کیهان، ج ۲، ص ۳۱۲.
- ۵- معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۹۴.
- ۶- ذیل تاریخ گزیده، زین الدین بن حمدالله مستوفی، ص ۸۷.
- ۷- نزهه القلوب، ص ۱۶۱.

ص: ۱۶۲

..

ص: ۱۶۳

## آثار تاریخی و باستانی

## ۱. بقاع و اماکن متبرکه

## مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام

آثار تاریخی و باستانی یکی از شهرهای کهن، با سابقه چند هزار ساله است و آثار تاریخی و کاوش های باستانی همگی گویای این قدمت و پیشینه است. آثاری که در سرزمین ری از روزگاران گذشته بر جای مانده است، به سه دسته تقسیم می شوند: دسته اول آن هایی هستند که امروز نیز همانند گذشته، معمور و آباد هستند. این دسته اماکن مقدّس دینی هستند که مدفن امام زادگان و بزرگان مذهبی دیگر می باشد که صحت انتساب برخی از این مرقدها به ثبوت رسیده است. همچنین به لحاظ بافت مذهبی این دیار که مذهب عموم مردم، شیعه است؛ مزارها و مراقد شیعی پر رونق و معمور است. دسته دوم آثاری هستند که اکنون از آبادانی گذشته برخوردار نیستند. برخی خرابه ای بیش نیستند با دیوارهای خراب و یا به کلی ویران، و برخی که از عمر کمتری برخوردارند با تعمیرهای مکرر هنوز پابرجا هستند. دسته سوم آثاری هستند از سفال ها و نقشینه ها و مسکوکات متعلق به ادوار پیش از اسلام و پس از آن.

۱. بقاع و اماکن متبرکه مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام حضرت عبدالعظیم فرزند عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام است. آن حضرت از شاه زمان خویش ترسید و گریخت و در شهرها به عنوان قاصد و پیک گردش می کرد تا داخل ری شد (۱) و در ساربانان مخفی شد. (۲) ورود ایشان به ری را از طبرستان نوشته اند. (۳) سرانجام آن حضرت در ری درگذشت. (۴) حضرت عبدالعظیم از اصحاب امام نهم و دهم به شمار می رود (۵) به ویژه نزد امام دهم حضرت هادی علیه السلام منزلتی رفیع داشت. به طوری که در روایت منقول از آن حضرت، زیارت حضرت عبدالعظیم مثل زیارت امام حسین علیه السلام ذکر شده است. (۶) در کتاب جنه النعیم مذکور است: که جناب عبدالعظیم حسنی علیه السلام به فرمان حضرت امام علی النقی علیه السلام در دوره خلافت المعتر بالله عباسی از سامره هجرت و به ری وارد شده و حدود ۲۵۰هـ و در پیش از سال ۲۵۴هـ (سال شهادت امام دهم) رحلت نموده است. (۷) رحلت حضرت عبدالعظیم علیه السلام در قبل از سال ۲۵۴ (سال شهادت امام دهم) صحیح به نظر می رسد؛ اما تعیین تقریبی سال ۲۵۰ برای مهاجرت یا وفات آن حضرت و همزمانی این تاریخ با دوران خلافت المعتر درست به نظر نمی رسد. در جنه النعیم، ص ۴۰۲ و ری باستان، حسین کریمان، ج ۱، ص ۳۸۴ وفات حضرت عبدالعظیم علیه السلام به ری را در زمان المعتر و سال ۲۵۰ نوشته اند. در حالی که خلافت المعتر از ۲۵۲هـ آغاز می شود. ۸ به طور قطع و یقین محل قبر شریف و مطهر حضرت عبدالعظیم در همین محل مشهور فعلی است. و این مسأله، اتّفاقی تمام علماء سابقین و لاحقین است. (۸) و این محل را که باغی در خارج شهر ری از سوی مغرب، از آن عبدالجبار بن عبدالوهاب بوده، به مناسبت درخت سیبی که آن حضرت را در کنار آن دفن کرده اند «الشجره» نامیده اند. (۹) آستانه متبرک حضرت عبدالعظیم که هنگام آبادی ری در بیرون باروی جنوب غربی شهر مزبور واقع بود پس از انهدام آن شهر مهم و عظیم تاریخی که یکی از نتایج حمله مغول به ایران است، بر اثر توجه روزافزون شیعیان نه تنها مجدداً آباد شد بلکه چند برابر بیش از زمان آبادانی ری بر شکوه و عظمت آن افزوده گشت و موجب آبادی قصبه فعلی حضرت عبدالعظیم در هفت کیلومتری جنوب تهران شده که اخیراً به سابقه آبادی ری قدیم آن را نیز شهر ری نامیده اند. (۱۰) مؤلف آستانه ری می نویسد: مجد الملک قمی وزیر برکیارق بن ملکشاه سلجوقی اولین کسی است که به امر

او بقعه عبدالعظیم حسنی در ری بنا گردیده است. (۱۱) اما بنای اولین بقعه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام توسط مجدالملک قمی در دوران سلاجقه با حقایق تاریخی سازگار نیست. زیرا قبل از سلاجقه این مرقد شریف می توانست مورد توجه حکومت های شیعی علویان و آل بویه قرار گیرد. در بخش ضمائیم کتاب آثار تاریخی تهران آمده است: بنای اصلی ونخستین این آستانه یعنی حرم آن در نیمه دوم قرن سوم هجری توسط محمد پسر زید داعی علوی تعمیر اساسی یافت و درگاه اصلی ورودی آن که در سمت شمال واقع است نخست به فرمان پادشاهان آل بویه و سپس به همت مجدالملک قمی تکمیل گشت و آذین یافت. اقدام مجدالملک در فواصل سال های ۴۸۰ تا ۴۹۰ ه. صورت گرفته است. (۱۲) نیز در کتاب بناهای آرامگاهی، با اشاره به تعمیر اساسی بقعه، توسط داعی علوی آمده است: متخصصان، پس از پژوهش در اطراف دیوار آجری درگاه اصلی حرم، که دارای کتیبه ای از روزگار سلجوقی است یادآور شده اند که قسمت هایی از زیر و کنار دیواره های آن کتیبه در اطراف درگاه ورودی، از آثار آل بویه است. از این رو می توان گمان کرد که دست کم همه این بخش از حرم، ساخته دوره آل بویه بوده و سپس در روزگار سلجوقیان به دست مجدالملک قمی نوسازی شده است. (۱۳) حسام الدوله ملک اردشیر بن علاءالدوله حسن از ملوک طبقه دوم آل باوند (۵۶۷ تا ۶۰۱ یا ۶۰۲) همه ساله دویست دینار به مزار عبدالعظیم حسنی علیه السلام می فرستاد. (۱۴) در صندوق مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام و درب عتیقه آهنی و سردر قدیمی و یک در متبت، می توان آثار قرن هشتم (۷۲۵ ه. ) دوره ایلخانان مغول و ۸۴۷ ه. دوره شاهرخ تیموری و ۹۴۵ ه. دوره شاه طهماسب صفوی را مشاهده نمود. همچنین آثاری از دوران صفوی تا زمان معاصر. (۱۵) حرم حضرت عبدالعظیم حسنی پیوسته مطاف شیعیان و علاقه مندان خاندان عصمت و طهارت بوده و این نام مبارک مترادف با شهر ری بوده به طوری که یکی از نامهای مشهور شهرستان ری، «حضرت عبدالعظیم» است. (۱۶) و در اصل، تداوم کیان و رونق ری مرهون این مدفن شریف است.

- ۱- مستدرک الوسائل، حاج میرزا حسین نوری، ج ۳، ص ۶۱۴.
- ۲- مفاتیح الجنان، محدث قمی، ص ۷۳۴.
- ۳- منتقله الطالیه، ابراهیم بن ناصر بن طباطبای، ص ۱۵۶.
- ۴- مفاتیح الجنان، ص ۷۳۴.
- ۵- همان مأخذ، ص ۷۳۵.
- ۶- ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۱۴.
- ۷- ر.ک: جنه النعیم، محمدباقر کجوری، ص ۴۰۲.
- ۸- جنه النعیم، ص ۴۰۳.
- ۹- ری باستان، ج ۱، ص ۳۸۴.
- ۱۰- آستانه حضرت عبدالعظیم علیه السلام، سید محمدتقی مصطفوی، مقدمه مقاله، ۱۳۳۰ ش.
- ۱۱- آستانه ری، محمدعلی هدایتی، ص ۲۱.
- ۱۲- آثار تاریخی تهران، سید محمدتقی مصطفوی، بخش ضمائیم، ص ۲۹۱ و ۲۹۵.
- ۱۳- بناهای آرامگاهی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۵۹۹.
- ۱۴- ر.ک: ری باستان، ج ۱، ص ۳۹۰.



۱۵- آستانه حضرت عبدالعظیم علیه السلام ، ص ۱۶ ۳۵؛ آستانه ری، ص ۲۱ ۲۷.

۱۶- قبلاً شهرستان ری، قصبه حضرت عبدالعظیم خوانده می شد. بعد از تغییر نام به شهرستان ری هنوز هم بسیاری از مردم، از شهرستان ری با نام شاه عبدالعظیم یاد می کنند. ر.ک: بخش تقسیمات کشوری شهرستان ری در این نوشتار.

ص: ۱۶۴

..

ص: ۱۶۵

..

ص: ۱۶۶

..

ص: ۱۶۷

..

ص: ۱۶۸

## مرقد امامزاده حمزه

## مرقد امامزاده طاهر و امامزاده مطهر

## مرقد امامزاده عبدالله

مرقد امامزاده حمزه یکی از مرقد‌های تاریخی و مشهور ری، مرقد امامزاده حمزه است که در جوار حضرت عبدالعظیم واقع شده است. سابقه این مرقد را پیش تر از حضرت عبدالعظیم علیه السلام می دانند. امامزاده حمزه را یکی از اولاد یا احفاد حضرت امام موسی کاظم علیه السلام نوشته اند. (۱)

مرقد امامزاده طاهر و امامزاده مطهر یکی دیگر از مرقد‌های مشهور ری، مرقد امامزاده طاهر و امامزاده مطهر است که در جوار حضرت عبدالعظیم واقع است. «... در کتاب سَرّ الانساب نقل نموده این بزرگوار از کسانی است که در شهر ری وارد شد، و او را پسری مطهر نام بود، و نسب را به حضرت علی بن الحسین می رساند. (۲) در دوران قاجار، محمد شاه و ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار، در عمران و تأسیس بنای این مرقد کوشش به عمل آمده است. (۳)

مرقد امامزاده عبداللهمدفن عبدالله ایض در جانب شمالی شهر ری بقعه شیوای متناسبی است که به احتمال قوی تصور می رود در قرن یازدهم هجری احداث شده باشد. (۴) پنج پشت نسب کریمه امامزاده عبدالله منتهی می شود به حضرت امام زین العابدین علیه السلام. (۵)

۱- . جنّه النعیم، ص ۴۸۶؛ ری باستان، ج ۱، ص ۳۹۵.

۲- . جنه النعیم، ص ۴۹۵.

۳- . ر.ک: آثار تاریخی تهران، ص ۱۶۱ و ۲۹۳.

۴- . همان مأخذ، ص ۱۶۲.

۵- . جنه النعیم، ص ۴۹۰.

ص: ۱۶۹

**مرقد امامزاده هادی****مرقد امامزاده ابوالحسن****سه دختران و دو برادران****بقعه بی بی شهربانو**

مرقد امامزاده هادیمرقد امامزاده هادی، کنار جاده قدیم شهر ری به تهران بالاتر از بقعه ابن بابویه قرار دارد و دارای بنای آجر متناسبی از دوران صفوی است. در مکتوباتی از این مرقد، این امامزاده و خواهرش از نوادگان امام موسی کاظم علیه السلام مرقوم رفته است. (۱)

مرقد امامزاده ابوالحسنمرقد امامزاده ابوالحسن در قریه آب اندرمان شهر ری در سه کیلومتری مغرب قصبه کنونی شهر ری قرار دارد. این امامزاده را از نوادگان امام جعفر صادق علیه السلام ذکر می کنند. (۲)

سه دختران و دو برادراندو بقعه کوچک به نام سه دختران و دو برادران در کرانه باغستان های شرقی شهر ری فعلی است. (۳)

بقعه بی بی شهربانودر شمال امین آباد به فاصله یک کیلومتر و نیم، از دامنه جنوبی کوه ری (کوه بی بی شهربانو) بر فراز صخره ای کوهستانی که از دامنه کوه پیش آمده، بنایی با گنبدی مینایی واقع است، که هنگام تابش آفتاب تلالو و درخشندگی جالب و زیبای آن از فاصله های دور نظر هر بیننده را به سوی خود می کشد. این بنا را مردم محل آرامگاه بی بی شهربانو دختر یزدگرد سوم و زوجه امام حسین علیه السلام و مادر امام سجاد علیه السلام می دانند... انتساب این مکان به بی بی شهربانو در هیچ یک از کتب مسالک و تواریخ و رجال قدیمی مذکور نیست. (۴)

۱- ر.ک: آثار تاریخی تهران، ص ۱۶۳.

۲- همان مأخذ، ص ۱۶۵.

۳- ری باستان، ج ۱، ص ۴۰۳.

۴- همان مأخذ، ص ۴۰۳.

ص: ۱۷۰

**بقعه بی بی زبیده****بقعه ابن بابویه**

بقعه بی بی زبیده بقعه ای بر فراز مکان بلندی در زمین های حسین آباد، در کنار خیابان شهر ری از سوی مغرب، در محاذات کارخانه گلیسیرین واقع است. (۱) آقای دکتر حسین کریمان انتساب شخص مدفون در این بقعه را از سوی مردم عامی به عنوان دختر امام حسین علیه السلام نفی نموده و می نویسد: اگر در این مکان بانویی به نام زبیده مدفون شده باشد، بی تردید وی زبیده خاتون دختر عم و زن ملکشاه، مادر برکیارق دختر یاقوتی بن داود است. (۲)

بقعه ابن بابویه دیگر از بقاع موجود در پهنه ری قدیم، بقعه ابن بابویه، به نزدیکی برج طغرل است. (۳) ابن بابویه ملقب به صدوق یکی از شخصیت های بزرگ تاریخ تشیع محسوب می شود و نویسنده ده ها کتاب پرارزش از جمله کتاب من لا یحضره الفقیه یکی از کتب اربعه شیعه است. شیخ صدوق در سال ۳۸۱ ه. ق در گذشت و در ری مدفون گردید. (۴)

---

۱- همان مأخذ، ص ۴۱۶.

۲- همان مأخذ، ص ۴۲۰.

۳- همان مأخذ، ص ۴۲۴.

۴- ر.ک: هدیه الاحباب، محدث قمی، ص ۵۷؛ ریحانه الادب، محمدعلی مدرس خیابانی، ج ۳، ص ۴۳۴-۴۴۰.



## مدفن ابوالفتوح رازی

## بقعه جوانمرد قصاب

مدفن ابوالفتوح رازی ابوالفتوح رازی یکی از بزرگان علم و دین و صاحب تفسیر مشهور شیعی به نام روض الجنان و روح الجنان به زبان فارسی است. وی از عالمان قرن پنجم و ششم هجری است. تفسیر قرآن وی نخستین تفسیر فارسی شیعی است. (۱) مدفن وی در جنوب شرقی بقعه حضرت عبدالعظیم علیه السلام قرار گرفته است.

بقعه جوانمرد قصاب این بقعه در اراضی منصورآباد به فاصله تقریبی یک کیلومتری مغرب جاده تهران به شهر ری، و به مسافت کمی در شمال خط آهن فرعی کارخانه های گلیسیرین و سیمان واقع است. (۲) آقای دکتر حسین کریمان نوشته است: در باب احوال جوانمرد قصاب هیچ گونه ذکری در منابعی که نگارنده بدان ها دسترسی داشت به نظر نرسید. ظاهراً در آن حدود که بقعه جوانمرد افتاده، بعهد آبادانی ری، ستیان مقیم بوده اند. (۳) حمدالله مستوفی در نیمه اول قرن هشتم هجری از مدفن جوانمرد قصاب در ری نام می برد. (۴) آقای مصطفوی این بقعه را در شمار بقاعی که دارای اهمیت تاریخی و هنری زیادی نیستند، نام می برد. (۵)

۱- ر.ک: هدیه الاحباب، ص ۳۹؛ ریحانه الادب، ج ۷، ص ۲۲۷؛ ری باستان، ج ۱، ص ۴۲۹.

۲- آثار تاریخی تهران، ص ۱۶۸.

۳- ری باستان، ج ۱، ص ۴۲۸.

۴- نزهة القلوب، ص ۵۴.

۵- آثار تاریخی تهران، ص ۱۶۹.

## دیگر بقعه ها و مدفن ها

## ۲. برخی از آثار و بناهای باستانی

## بقایای آتشکده ری و تپه میل

دیگر بقعه ها و مدفن هاشهر ری به لحاظ اهمیت فرهنگی و مذهبی مدفن بسیاری از شخصیت ها و مشاهیر است. برخی از بقعه و مدفن این مشاهیر در حال حاضر نامعلوم است به خصوص برخی از بقاع که از سنیان و یا مشایخ تصوف بوده اند به مرور زمان از بین رفته است. اما مدفن و قبور برخی دیگر از مشاهیر سلاطین و امرا و علما و دانشمندان در شهر ری، معلوم و روشن است که در جوار حضرت عبدالعظیم علیه السلام و دیگر بقاع متبرک، به خاک سپرده شده اند. و مدفونین در ری خود می تواند نوشتار و کتاب مستقلی را تشکیل دهد. (۱)

۲. برخی از آثار و بناهای باستانی بقایای آتشکده ری و تپه میل یک بنای آجری عظیم در فاصله قریب هفت کیلومتری مشرق قصبه فعلی شهر ری (حضرت عبدالعظیم) بر فراز تپه واقع بوده که هنوز قسمت هایی از دیوار سنگی و آجری آن با دهلیزها و اطاق هایی چند باقی است و تپه مزبور نیز به مناسبت دو پایه بزرگ موجود از بنای قدیم به نام «تپه میل» خوانده می شود. (۲) بقایای آتشکده ری در دوازده کیلومتری جنوب شرقی حضرت عبدالعظیم، بر فراز تپه ای به نام تپه میل، آثار بنایی کهنه از عهد ساسانیان به چشم می خورد. این آثار بقایا و رسوم و اطلال آتشکده بزرگ ری است. هرچند بنای موجود را از عهد ساسانیان دانسته اند، لکن به موجب پاره ای اسناد ظاهراً قدمت بناء آتشکده در ری به زمان های پیش از زردشت می رسد. (۳)

۱- . دو جلد ۱۸ و ۱۹ از مجموعه آثار کنگره عبدالعظیم حسنی علیه السلام با عنوان دانشمندان و مشاهیر حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام و شهر ری به کوشش آقای علی رضا هزار سامان یافته است. در این اثر از ۱۹۸ نفر از مدفونین در ری، از رجال قدیم و جدید با مسالک و مذاهب مختلف یاد شده است.

۲- . آثار تاریخی تهران، ص ۱۱۹.

۳- . ری باستان، ج ۱، ص ۳۴۲.

ص: ۱۷۳

## تپه چال ترخان و تپه مرتضی کرد

## کاخ اشکانیان

تپه چال ترخان و تپه مرتضی کرد تپه‌های دیگری به نام تپه مرتضی کرد و تپه چال ترخان در چند کیلومتری جنوب غربی قصبه فعلی شهر ری قرار دارد که بقایای کاخ‌های ساسانی است و ضمن حفاری‌های سابق الذکر گچ بری‌ها و نقوش برجسته و ستون‌های سترگ با تزئینات گچ بری به دست آمده که نمونه‌های مهم تر آنها در موزه ایران باستان زینت بخش غرفه ساسانی می‌باشد. و در میان آنها نقش بهرام و آزاده دیده می‌شود که بر شتر، سوار هستند و در شکارگاه به صید آهوان مشغول بوده و بهرام سم و گوش آهوایی را با پیکان به هم دوخته و آزاده چنگ می‌نوازد. (۱)

کاخ اشکانیانی را با خاندان اشکانی ارتباطی خاص بوده است و علاوه بر پایتخت بودن به عهد آن سلاله، نام‌های اماکن منسوب بدان همچون باب بلیسان (بلاشان) و دز رشکان (ارشکان) و نهر سورین (منسوب به خاندان سورن) و نیز نام ری به صورت ارشکیه که به ما رسیده این نظر را مؤیدی تواند بود. (۲) در کوه رشکان، آثار بنایی عظیم که از بالای کوه شروع می‌شده و تا دامنه آن ادامه می‌یافته هنوز باقی است. هرچند نمی‌توان دانست که کهنگی چه مقدار از این آثار تا به عهد اشکانیان می‌رسد. (۳)

۱- آثار تاریخی تهران، ص ۱۱۹.

۲- ری باستان، ج ۱، ص ۳۴۷.

۳- و ۲. همان مأخذ، ص ۳۵۰.

ص: ۱۷۴

**باروی بزرگ ری برین****سرای صاحب بن عباد****گنبد مردآویج زیاری و رکن الدوله**

باروی بزرگ ری برین این بارو که هنوز قسمتی از آن در شمال چشمه علی، و پهنه کارخانه گلیسیرین و کارخانه سیمان، و به نزدیکی قلعه گبری به چشم می خورد، ظاهراً نیمه شرقی آن به طور کامل، و پی های آن در دیگر جهات در آغاز عهد قاجاریان باقی بود، و حدود ری پیش از اسلام را نشان می داد. (۱)

سرای صاحب بن عباد صاحب بن عباد یکی از وزرای مشهور آل بویه در ری سرایی مجلل و باشکوه داشت. (۲) آقای دکتر حسین کریمان تلّ بزرگی را که بازمانده از یک بنای عظیم است و هم اکنون در قسمت «ری برین» در محلت دز رشکان قدیم در شمال غربی ابن بابویه و جنوب غربی چشمه علی در مشرق راه آهن سابق حضرت عبدالعظیم با دیوارهای کهنه آجری به چشم می خورد، منطبق بر سرای صاحب بن عباد می داند. (۳)

گنبد مردآویج زیاری و رکن الدوله بقایای ساختمان های سنگی معظم کوهسار امین آباد که در ۲۵ سال قبل بر اثر کشف پارچه های ذی قیمت قرون اولیه اسلام معلوم شد مدفن سلاطین آل بویه است. (۴) آقای دکتر حسین کریمان در مورد مدفن رکن الدوله تحلیلی را عرضه نموده و مکانی را که در شمال محله جیلاباد از بناهای مردآویج قرار داشته آرامگاه رکن الدوله می پندارد. ۵

۱- همان مأخذ، ص ۳۵۹.

۲- همان مأخذ، ص ۳۵۶.

۳- آثار تاریخی تهران، ص ۱۲۱.

۴- ری باستان، ج ۱، ص ۴۵۰.

ص: ۱۷۵

## گنبد فخرالدوله

## برج طغرل

گنبد فخرالدوله یک برج سنگی از میان رفته ری با کتیبه ای به خط کوفی، تصویرش در اسناد سیاحان اروپایی قرن های گذشته موجود است؛ دکتر حسین کریمان می نویسد: گنبد فخرالدوله به احتمال قریب به یقین در مغرب کوه های ری میان کوه نقاره خانه و مرتفعات غربی آن، در پای تپه مرتفع در شمال رشته قنات بایر واقع بوده، و برجی که در نقشه ری کرپرتر انگلیسی به رمز (F) نموده گویا ظاهراً همین گنبد فخرالدوله است. (۱)

برج طغرل برج طغرل در مشرق ابن بابویه در میان باغی که از باغ بزرگ طغرلیه سابقاً باقی مانده است؛ خوشبختانه در ۱۳۰۱ ه. ق به فرمان ناصرالدین شاه قاجار تعمیر و تجدید آن عملی گردید. این برج منسوب به آرامگاه طغرل بیگ آخرین شهیار سلجوقی (۵۷۳-۵۹۰) است، هرچند منسوب به طغرل است. لکن ساختمان اصلی آن به آثار قرن هفتم هجری شباهت دارد. (۲) اقبال آشتیانی آغاز سلطنت طغرل سوم آخرین سلطان سلجوقی را ۵۷۱ ه. ق و قتل وی را ۵۹۰ ه. ق نوشته است. (۳) همو سلطنت طغرل اول از سلاجقه بزرگ و اولین سلطان سلجوقیان را از ۴۲۹-۴۵۵ نوشته است. (۴) در چند منبع معتبر دیگر این برج را محل دفن طغرل اول نوشته اند. در کتاب راحه الصدور متعلق به قرن ششم، و تاریخ گزیده متعلق به قرن هشتم در گذشت طغرل اول به سال ۴۵۵ ه. ق در ری نوشته شده است. (۵) مؤلف النقض که در عصر سلجوقیان می زیسته گورخانه طغرل اول در ری را ذکر کرده است. (۶) همچنین در مجمل التواریخ متعلق به ۵۲۰ قرن ششم هجری آمده است: سلطان طغرل بیگ به شهر ری وفات رسید و تربتش آنجا بر جای است. نیز در همان جا نوشته شده است: سلطان طغرل بن ارسلان (طغرل سوم) به شهر ری در تربت سلطان طغرل بیگ مدفون است. (۷) محمدحسن خان اعتمادالسلطنه هم در شرح باغ طغرل، برج طغرل را آرامگاه طغرل بیگ اول سلجوقی نوشته است. (۸) دکتر کریمان نیز وفات و مدفن طغرل اول را ری ذکر کرده (۹) و در تحقیقاتی سودمند نوشته است: طغرل اول و زوجه وی و طغرل سوم در ری مدفون شده اند، مدفنشان به حکم معمول زمان در همان سرای ایالت واقع بوده است. (۱۰) وی در توضیحی سرای ایالت را همان ارگ سلطنتی شاهان سلجوقی دانسته و می نویسد: برج طغرل فعلی ظاهراً بازمانده آن (سرای ایالت) است. (۱۱) همچنین در بحث دیگری بیان می کند: طغرل اول را در گورخانه مجلی در ری دفن کردند که ظاهراً برج طغرل فعلی قسمتی از بقایای آن بناست. طغرل سوم را هم پس از قتل در تربت طغرل اول به خاک سپردند. سپس در استتاجی گورخانه طغرل در ری را آرامگاه خاندان آل سلجوق در ری دانسته است. (۱۲)

۱- همان مأخذ، ص ۱۳ و ص ۴۵۱-۴۵۹.

۲- آثار تاریخی تهران، ص ۱۴۵.

۳- تاریخ مفصل ایران، عباس اقبال آشتیانی، ص ۳۷۵-۳۷۹.

۴- همان مأخذ، ص ۳۰۹.

۵- راحه الصدور، محمد بن علی بن سلیمان راوندی، ص ۱۱۲؛ تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی، ص ۴۳۰.

- ۶- . النقص، عبدالجلیل قزوینی رازی، ص ۶۳۱.
- ۷- . مجمل التواریخ و القصص، مؤلف ناشناخته، تصحیح ملک الشعراى بهار، ص ۴۶۵. این کتاب متعلق به ۵۲۰ه است. اما مدفن طغرل سوم مقتول به ۵۹۰ق در این کتاب آمده است. در مقدمه کتاب، محمد قزوینی نویسنده مشهور در این مورد می نویسد: تاریخ تألیف کتاب به تصریح مکرر مؤلف در سنه ۵۲۰ بوده است ولی با این وجود یکی از قراء متأخر این کتاب که گویا قریب العهد به عصر مؤلف بوده است در بعضی مواضع ذیل وقایع را الی حدود سنه ۵۹۰ و ۶۰۰ امتداد داده و جا به جا در اثنا کتاب علاوه نموده است. (ص لز، مجمل التواریخ و القصص).
- ۸- . المآثر و الآثار، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، ص ۵۶.
- ۹- . ری باستان، ج ۱، ص ۴۵۹.
- ۱۰- . همان مأخذ، ص ۲۰۴.
- ۱۱- . همان مأخذ، ص ۲۰۳ ۲۰۴.
- ۱۲- . همان مأخذ، ج ۲، ص ۱۸۲.

ص: ۱۷۶

..

ص: ۱۷۷

..



ص: ۱۷۸

## استودان بزرجمید

## دخمه گبرها یا قلعه گبرها

## آثار نقاره خانه (گور اینانج)

استودان بزرجمید این اثر تاریخی متعلق به یک زرتشتی دوران آل بویه است که در سیاست نامه از تغییر نام این محل به «دیده سپاه سالاران» سخن به میان رفته است. توصیفات نظام الملک از این اثر، آن را با برج کوچکی که هم اکنون در بالای کوه نقاره خانه مشهود است منطبق می سازد. (۱)

دخمه گبرها یا قلعه گبرها این قلعه در دامنه شمالی کوه ری، در آن حدود که مزار بی بی شهربانو و کوه طبرک در سوی جنوبی آن قرار دارد، واقع است. ظاهراً این دخمه کهنه و قدیمی است، و گویا تاریخ آن به عهد ساسانیان و یا جلوتر می کشد. (۲)

آثار نقاره خانه (گور اینانج) در دامنه کوهسار مجاور کارخانه های مواد نسوز و مواد شیمیایی واقع در تقی آباد در جانب شمال شرقی شهر ری بقایای برج بسیار زیبای دوازده ترک آجری در وسط صفه بزرگ دایره شکل سنگی (به قطر ۳۶ متر) و اطاق دو طبقه سنگ و گچی مستحکم و شیوا قرار دارد و برج هشت ضلعی آجر و سنگی هم بالای همان قسمت کوهستان خودنمایی می کند. کلیه این آثار مقابر بزرگان عهد دیلمی و سلجوقی بوده است. (۳) کوه طبرک همان است که ما به آن نقاره خانه می گوئیم و بقایای گنبد اینانج به طور مسلم آنجاست. (۴) سنقر اینانج از فرماندهان سلجوقی بود که مدتی بر ری و نواحی مجاور آن سلطه یافت و در ۵۶۴ ه. ق به قتل رسید. بقایای برج آجری نقاره خانه که دارای هشت ترک آجری است از بناهای دوره سلجوقی است که در فراز کوهی به همین نام آثار آن باقی مانده است. شماره ثبت تاریخی آن ۲۰۳ است. (۵)

۱- همان مأخذ، ج ۱، ص ۴۷۷.

۲- همان مأخذ، ص ۴۷۹ ۴۸۰.

۳- آثار تاریخی تهران، ص ۱۳۹.

۴- ر.ک: ری باستان، ج ۱، ص ۴۶۷ ۴۸۰.

۵- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، نصرت الله مشکوتی، ص ۲۱۴.

**بقایای قلعه طبرک**

بقایای قلعه طبرک‌کنشانه‌هایی که از محل قلعه طبرک در منابع مختلف ثبت افتاده، مسلم می‌سازد که این دز بر فراز کوه نقاره‌خانه در شمال تقی‌آباد کنونی، در فاصله‌ای نزدیک به دو کیلومتری جنوب غربی بی‌بی‌شهربانو، در پای کوه بزرگ ری (کوه بی‌بی‌شهربانو) واقع بوده است. این قلعه به سال ۵۸۸ به امر طغرل سوم خراب و با زمین یکسان شد و دیگر اثری از آن به جای نماند. (۱)

اکنون نیز پاره‌آجرهای کهنه قدیمی و کلوخ‌های گچ و خاک قلعه طبرک بر فراز کوه موجود است. (۲) آقای سید محمد تقی مصطفوی نیز می‌نویسد: ... بر فراز این کوه قرار داشت و ضمن خاک برداری‌های کارخانه سیمان، بقایای دیوارها و برج‌ها و ساختمان‌های مختلف عهد دیلمیان و سلجوقیان از زیر خاک بیرون آمده است. (۳)

---

۱- ری باستان، ج ۱، ص ۴۸۷.

۲- همان مأخذ، ص ۴۹۲.

۳- آثار تاریخی تهران، ص ۱۳۹.

ص: ۱۸۰

## سرسره فتحعلی شاه

## چهار بنای سنگی مکعب شکل

سرسره فتحعلی شاهنقش سرسره فتحعلی شاه قاجار که نقش برجسته این شهریار را در حال شکار شیر نشان می دهد، با حاشیه ای از اشعار مدیحه و مورخ به ۱۲۴۶ ه. ق در میان دامنه جنوبی همین کوه (کوه چشمه علی) وجود داشت و محل سر خوردن که شیه سرسره های عهد زندیه در شیراز در مجاورت این نقش درست کرده بودند نیز بر سمت چپ (جانب غربی نقش) تعبیه کرده بودند که تمامی این آثار بر اثر انفجارهای کوه جهت کارخانه سیمان از میان رفته است. بالای نقش فتحعلی شاه محل حجاری قدیم تر نمایان بود که طرح ساده ای از پیکر انسان از آجر عهد ساسانی یا به احتمال بیشتر از آغاز دوران اسلام در آن حجاری کرده بودند و مقارن احداث نقش فتحعلی شاه تا اندازه ای آن را محو نموده بودند و با از بین رفتن نقش فتحعلی شاه و سرسره، بقایای نقش قدیم تر نیز معدوم گشت. (۱)

چهار بنای سنگی مکعب شکلاثر تاریخی مهم و بسیار قابل توجه دیگر، چهار بنای مکعب شکل سنگی ساده ای است که در پشت کارخانه سیمان و به مسافت چند صد متری مشرق آن قرار دارد. طول و عرض و ارتفاع هر یک از این چهار بنای مکعب شکل، هر کدام در حدود چهار متر بوده، و وسط آن ها مانند تنور یا چاه حفره ای خالی وجود دارد. و به جز از یکی از آن ها که از وسط منهدم شده سه بنای دیگر کم و بیش صورت محفوظی دارد. (۲)

۱- همان مأخذ، ص ۱۳۹، ۱۴۰.

۲- همان مأخذ، ص ۱۴۵.

ص: ۱۸۱

## زندان هارون

## پل صفوی حسن آباد

زندان هارونبنای تاریخی زندان هارون که در ۱۰ کیلومتری جاده تهران به خراسان و در دامنه کوه های مسگرآباد واقع گردیده از سنگ های نامنظم سیاه رنگ با ملاط گچ و طاق آجری ساخته شده است. (اکنون طاق آجری این بنا تخریب گردیده) زندان هارون دارای دو طبقه است که هر طبقه شامل چهار صفه می باشد. ساختمان این بنای عجیب در قرن چهارم هجری قمری و مربوط به دوران آل بویه می باشد. (۱) مرحوم مهدی بازرگان در مقاله ای کوتاه در مورد آثار باستانی زندان هارون می نویسد: این بنای منفرد دور افتاده در ۹۷۰۰ متری مشرق حضرت عبدالعظیم سمت چپ جاده قدیم خراسان در دامنه کوه های مسگرآباد در کنار دیهی که آن را زندان گویند قرار گرفته است. وی با توصیف این بنا و ارائه تحلیلی معتقد است که این بنا زندان نبوده، بلکه معبد و آتشکده بوده است و مردم تصور کرده اند که زندان هارون است. (۲)

پل صفوی حسن آباد این پل بر روی رودخانه شور، در مسیر جاده کاروان رو تهران قم و در ۱۰ کیلومتری جنوب کنارگرد حسن آباد به طرف حوض سلطان واقع و از آثار دوره صفوی است که در دوره های بعد، بازسازی شده و گسترش یافته است. آب رودخانه شور که امروز از جنوب پل می گذرد در بهار به قدری زیاد است که ساخت این پل را ایجاب می کرده است. طول پل ۱۱۰ متر و عرض آن در بخش میانی (شامل سه دهانه و چهار پایه) ۹ متر و در دو رأس پل ۷/۸ متر است. (۳)

۱- فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور (تهران)، ج ۳۸، ص ۱۶۹.

۲- آثار تاریخی تهران، ص ۱۲۵ به نقل از آقای مهدی بازرگان از مجله صنعت (نشریه کانون مهندسين) ش ۲۰ خرداد ۱۳۲۳ ش.

۳- دایره المعارف بناهای تاریخی ایران: بناهای عام المنفعه، کاظم ملازاده، مریم محمدی، ص ۹۱.

## پل قاجاری حسن آباد

## ۳. آثار هنری و مسکوکات ری

پل قاجاری حسن آبادین پل در ۱۰ کیلومتری جنوب غربی حسن آباد و در مجاورت پل جدید اتوبان، بر روی رودخانه شور واقع گردیده و ظاهراً از ساخته های اواخر دوره قاجاریه است که در دوره پهلوی مرمت گشته و با افزودن دهانه هایی گسترش یافته است. راه کاروان رو و قدیمی تهران، از طریق این پل به طرف علی آباد، منظریه و غرب دریاچه قم کشیده می شد. پل مزبور به طول ۱۵۷ متر (با احتساب دو انتهای آن) و عرض ۷/۸ متر با ۷ دهانه در یک خط مستقیم بر بستر رودخانه شور کشیده شده است. بستر رودخانه در محل برپایی پل سنگ فرش شده که بقایای آن امروز در زیر چهار دهانه بخش قدیم تر پل دیده می شود. (۱)

۳. آثار هنری و مسکوکات ریشهرستان ری یکی از مراکز مهم فرهنگی و هنری گذشته ایران است و مسکوکات و آثار هنری فراوانی از این ناحیه کشف و ثبت شده است. آقای دکتر حسین کریمان تصاویر متعددی را در این زمینه عرضه داشته است. از جمله تصاویر کاسه ها و کوزه ها و خمره و پیه سوز و مجسمه و شیشه و کنده کاری در محراب و گچ بری با نقش و نگار متعلق به ادوار پیش و پس از اسلام. برخی از این تصاویر مستند به کتاب ها هستند و برخی هم مستند به موزه تهران که خود این آثار در آنجا نگهداری می شوند. (۲) همچنین شهر ری، پیش از اسلام و بعد از آن، محل ضرب نقود بوده و در آنجا بدان جا دینار و درهم سکه می زده اند. جرج مایلز سکه شناس معروف آمریکایی کتابی فراهم آورده به نام تاریخ سکه شناسی ری یا تاریخ ری از لحاظ سکه شناسی و در آن قریب ۲۷۹ سکه را که میان سال های ۲۱ هجری تا ۷۳۳ هجری در ری ضرب شده و تاکنون به دست آمده شرح داده و مشخصات هر یک را باز گفته و تصویر پاره ای از آنها را نیز در آن کتاب درج کرده است. سکه ها از زمان امویان، عباسیان، طاهریان، سامانیان، بوئیان، غزنویان، سلجوقیان و مغولان است. از جمله یکی از این سکه ها، سکه مضروب به فرمان حضرت امام رضا علیه السلام است به هنگام ولایت عهدی، در المحمدیه (ری) به سال ۲۰۲ هـ؛ که شماره ۱۰۳ در کتاب تاریخ سکه شناسی ری است. (۳)

۱- همان مأخذ، ص ۹۱.

۲- ر.ک: ری باستان، ج ۱، ص ۵۵۷، ۵۸۰.

۳- همان مأخذ، ص ۵۹۴، ۵۹۵.

ص: ۱۸۳

..

ص: ۱۸۴

..

## منابع و مأخذ

- کتابنامه ۱. آثار الباقیه عن القرون الخالیه، ابوریحان بیرونی، بغداد: مکتبه المثنی، [بی تا]. ۲. آثار البلاد و اخبار العباد، زکریا بن محمد بن محمود قزوینی، بیروت: دار صادر، [بی تا]. ۳. آثار البلاد و اخبار العباد، زکریا بن محمد بن محمود قزوینی، ترجمه باضافات جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳. ۴. آثار تاریخی تهران، سید محمدتقی مصطفوی، تنظیم و تصحیح میرهاشم محدث، چاپ اول، تهران: نشر انجمن آثار ملی، ۱۳۶۱. ۵. آستانه حضرت عبدالعظیم، محمدتقی مصطفوی، [بی جا]: چاپ تابان، شهریور ۱۳۳۰. ۶. آستانه ری، محمدعلی هدایتی، تهران، ۱۳۴۴. ۷. آکام المرجان فی ذکر المدائن المشهوره فی کل مکان (متن جغرافیایی سده چهارم هجری)، اسحاق بن حسین منجم، ترجمه محمد آصف فکرت، تحقیق فهمی سعد، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰. ۸. آل بویه، علی اصغر فقیهی، [بی جا]: انتشارات صبا، ۱۳۵۷. ۹. آمارنامه استان تهران ۱۳۷۳، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵. ۱۰. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، مقدسی نیشابوری، چاپ دوم، لیدن: مطبعه بریل، ۱۹۰۶ م. ۱۱. اخبار الطوال، دینوری، تحقیق عبدالمنعم العامر، جمال الدین الشیال، چاپ اول، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۰ م. ۱۲. اشکال العالم، ابوالقاسم بن احمد جیهانی، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، تصحیح و تعلیق فیروز منصوری، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸. ۱۳. الاعلاق النفیسه، ابن رسته، ترجمه و تعلیق حسین قره جانلو، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵. ۱۴. القاب و مواجب دوره سلاطین صفویّه، میرزا علی نقی نصیری، تصحیح یوسف رحیم لو، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۲. ۱۵. الانساب، سمعانی، مقدمه و تعلیق عبدالله عمر البارودی، چاپ اول، بیروت: دارالجنان، ۱۴۰۸/۱۹۸۸ م. ۱۶. ایران باستان، حسن پیرنیا، چاپ دوم، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲. ۱۷. ایران زمین، جلیل زاهد و محمدرضا زهتابی، تهران: پدیده، مجوز کتابخانه ملی، [۱۳۴۸]. ۱۸. ایران و قضیه ایران، جرج. ن. کرزن، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ چهارم، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳. ۱۹. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ق. ۲۰. برخی از آثار بازمانده ری قدیم، حسین کریمان، تهران: انتشارات دانشگاه ملی، ۱۳۵۰. ۲۱. برهان قاطع، ابن خلف تبریزی، به اهتمام دکتر معین، جلد دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱. ۲۲. بستان السیاحه، زین العابدین شروانی، [بی جا]: انتشارات کتابخانه سنائی و کتابفروشی محمودی، [بی تا]، افست چاپ سنگی. ۲۳. البلدان، احمد بن ابی یعقوب، چاپ سوم، نجف: منشورات حیدریه، ۱۳۷۷ ق/۱۹۵۷ م. ۲۴. بلوچستان و سیستان، اقبال یغمائی، از انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵. ۲۵. بناهای آرامگاهی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶. ۲۶. پاسخ به چند آمار جغرافیایی شهرستان ری، استعلامی نگارنده از اداره کل امور اجتماعی استانداری تهران و سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران. ۲۷. پژوهشی در نام شهرهای ایران، ایرج افشار، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۸. ۲۸. تاریخ اشکانیان (درر التیجان فی تاریخ بنی اشکان)، محمدحسن خان اعتماد السلطنه، به کوشش نعمت احمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلس، ۱۳۷۱. ۲۹. تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض و الانبیاء)، حمزه بن حسن اصفهانی، ترجمه جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶. ۳۰. تاریخ تهران، عبدالعزیز جواهر کلام، ج ۱، چاپ اول، تهران، ۱۳۲۵. ۳۱. تاریخ تهران (قسمت شمالی و مضافات)، سید عبدالحجت حسینی بلاغی، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا]. ۳۲. تاریخ تهران (قسمت مرکزی و مضافات)، سید عبدالحجت حسینی بلاغی، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا]. ۳۳. تاریخ حبیب السیر، خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، تصحیح محمد دبیر سیاقی مقدمه جلال الدین همایی، چاپ سوم، تهران: انتشارات خیام، [بی تا]. ۳۴. تاریخ روضه الصفا، خواند شاه، میرمحمد بن سید برهان الدین، تهران: انتشارات مرکزی، خیام، پیروز، [بی تا]. ۳۵. تاریخ رویان، مولانا اولیاءالله آملی، تصحیح عباس خلیلی، تهران: انتشارات کتابخانه



- اقبال، ۱۳۱۳. ۳۶. تاریخ طبری، ابن جریر طبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار اسویدان، [بی تا]. ۳۷. تاریخ غزنویان و سامانیان و آل بویه از جامع التواریخ، رشید الدین فضل الله وزیر همدانی، با مقدمه و حواشی محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۳۸. ۳۸. تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی، به اهتمام عبدالحسین نوائی، چاپ سوم انتشارات امیرکبیر تهران: ۱۳۶۴. ۳۹. تاریخ ماد، دیاکونوف، ترجمه کریم کشاورز، چاپ دوم، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷. ۴۰. تاریخ مردم ایران، عبدالحسین زرین کوب، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱. ۴۱. تاریخ مغول، عباس اقبال آشتیانی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶. ۴۲. تاریخ مفصل ایران، عباس اقبال آشتیانی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، بی جا: انتشارات کتابخانه خیام، [بی تا]. ۴۳. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، چاپ اول، قم: منشورات شریف رضی، ۱۴۱۴/ق ۱۳۷۳. ۴۴. تتمه المنتهی، محدث قمی، تصحیح علی محدث زاده، چاپ سوم، قم: انتشارات کتابفروشی داوری، ۱۳۹۷. ق. ۴۵. تذکره جغرافیای تاریخی ایران، و. بارتلد، ترجمه حمزه سردادور، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۸. ۴۶. تذکره الملوک، میرزا سمعی، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، تعلیقات مینورسکی (سازمان اداری حکومت صفوی) چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸. ۴۷. تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، محمدحسن خان اعتماد السلطنه، تصحیح میر هاشم محدث، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳. ۴۸. تقویم البلدان، ابوالفدا، ترجمه عبدالمحمد آیتی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹. ۴۹. تهران به روایت تاریخ، مسعود نوریخ، چاپ اول، تهران: نشر علم، ۱۳۸۱. ۵۰. تهران در گذشته و حال، حسین کریمان، تهران: انتشارات دانشگاه ملی، ۱۳۵۵. ۵۱. جغرافیای استان تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، وزارت آموزش و پرورش، چاپ سال های ۱۳۶۳ و ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳. ۵۲. جغرافیای تاریخی ایران، محسن معتمدی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱. ۵۳. جغرافیای تاریخی ری تهران، میر حسین یکرنگیان، تهران: [بی نا]، ۱۳۳۲. ۵۴. جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، لسترنج، ترجمه محمود عرفان، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴. ۵۵. جغرافیای مفصل ایران، ربیع بدیعی، جلد ۱ و ۲، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۷۲. ۵۶. جغرافیای مفصل ایران، مسعود کیهان، سه جلد، تهران: مطبعه مجلس شورای ملی، ۱۳۱۱. ۵۷. جنه النعیم و العیش السلیم، محمدباقر کجوری، تهران: چاپ سنگی، ۱۲۹۶. ق. ۵۸. جواهر الاخبار، بوداق منشی قزوینی، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام نژاد، چاپ اول، میراث مکتوب، ۱۳۷۸. ۵۹. جهان نامه، محمد بن نجیب بکران، به کوشش محمد امین ریاحی، تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۲. ۶۰. چهار سو و نگرشی کوتاه بر تاریخ و جغرافیای تاریخی، حسین شهیدی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵. ۶۱. چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المآثر والآثار)، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، جلد اول، چاپ اول، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۳؛ نیز جلد دوم همین کتاب به کوشش ایرج افشار، با تعلیقات و شرح حسین محبوبی اردکانی، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۸. ۶۲. حدائق السیاحه، زین العابدین شروانی، [بی جا]، سازمان چاپ دانشگاه، ۱۳۴۸. ۶۳. حدود العالم، مؤلف ناشناخته، ترجمه میرحسین شاه، تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا وهرام، مقدمه و . بارتولد، تعلیقات و . مینورسکی، نشر دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۲. ۶۴. حدیقه الاقالیم، مرتضی حسین مصاحب المخاطب به آله یار عثمانی بلگرامی (از متون قرن دوازده هجری)، مطبع نامی منشی نول کشور (هند). ۶۵. دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۵، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۹. ۶۶. دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج اول، تهران: ۱۳۷۴. ۶۷. دایره المعارف بناهای تاریخی ایران: بناهای عام المنفعه، تهیّه و تدوین کاظم ملازاده، مریم محمدی، چاپ اول، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹. ۶۸. دایره المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، تهران: انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵. ۶۹. درر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان، محمدحسن خان اعتماد السلطنه، چاپ سنگی، ۱۳۰۹. ق. ۷۰. دوره کامل دستور زبان فارسی، سید مصطفی آرننگ، محمدعلی خیر، [بی جا]، [بی نا]، ۱۳۴۹. ۷۱. دو سفرنامه از جنوب ایران، تصحیح و اهتمام سید علی آل داود، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸. ۷۲. ذیل تاریخ گزیده، زین الدین بن حمدالله مستوفی قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران:

مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر افشار یزدی، ۱۳۷۲. ۷۳. راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، محمد بن علی بن سلیمان الراوندی، تصحیح محمد اقبال، تهران، علمی، [بی تا]. ۷۴. رستم التواریخ، محمد هاشم آصف (رستم الحکما)، به اهتمام محمد مشیری، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی با همکاری انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷. ۷۵. رودها و رودنامه ایران، عباس جعفری، چاپ اول، تهران: گیتاشناسی، ۱۳۷۶. ۷۶. روزنامه جمهوری اسلامی (روزنامه رسمی کشور)، انتشارات قوه قضائیه، سال ۱۳۵۸، شماره ۱۶۷۵۰ و ۱۶۷۸۸، ۱۳۸۱. ۷۷. روض المعطار فی خبر الاقطار، محمد بن عبدالمنعم الحمیری، تحقیق احسان عباس، چاپ دوم، بی جا: مؤسسه ناصر للثقافه، ۱۹۸۰م. ۷۸. ریاض السیاحه، زین العابدین شروانی، تصحیح اصغر حامد (ربانی)، تهران: کتابفروشی سعدی، [بی تا]. ۷۹. ری باستان، حسین کریمان، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۵. ۸۰. ریحانه الادب، محمدعلی مدرس خیابانی تبریزی، چاپ دوم، تبریز: کتابفروشی خیام، [بی تا]. ۸۱. زبده التواریخ، حافظ ابرو، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰. ۸۲. زبده التواریخ، محمد محسن مستوفی، به کوشش بهروز گودرزی، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر افشار یزدی، ۱۳۷۵. ۸۳. زندگانی شاه عباس اول، نصرالله فلسفی، جلد ۱ و ۲، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۱. ۸۴. سالنامه آماری استان تهران ۱۳۸۰، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، تهران، ۱۳۸۱. ۸۵. سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، جلد اول، چاپ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹. ۸۶. سفرنامه ابودلف در ایران (در سال ۳۴۱)، با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۵۴. ۸۷. سفرنامه پیترو دلواله، ترجمه شعاع الدین شفا، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰. ۸۸. سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، چاپ دوم، اصفهان: کتابفروشی تأیید، ۱۳۳۶. ۸۹. سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محیی، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه گوتمبرک، ۱۳۴۸. ۹۰. سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمائی، چاپ اول، توس، ۱۳۷۴. ۹۱. سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴. ۹۲. سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش نادر وزین پور، چاپ نهم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲. ۹۳. سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰. ۹۴. سی مقاله، رضا استادی، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳. ۹۵. شناسنامه آبادی های کشور شهرستان ری استان تهران (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵) تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶. ۹۶. شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، عباس جعفری، چاپ اول، تهران: گیتاشناسی، [بی تا]. ۹۷. شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، ج ۲، با همکاری جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶. ۹۸. صوره الارض، ابن حوقل، ترجمه جعفر شعار، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵؛ صوره الارض، ابن حوقل، بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاه، ۱۹۷۹م. ۹۹. طبرسی و مجمع البیان، حسین کریمان، ج اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱. ۱۰۰. فتوح البلدان، بلاذری، تصحیح صلاح الدین المنجد، ج ۲، مکتبه النهضه المصریّه، [بی تا]. ۱۰۱. فرهنگ آبادی ها و مکان های مذهبی کشور، محمد حسین پاپلی یزدی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷. ۱۰۲. فرهنگ آندراج، محمد پادشاه، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، انتشارات خیام، ۱۳۳۶. ۱۰۳. فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور جمهوری اسلامی ایران، جلد ۳۸، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۰. ۱۰۴. فرهنگ جغرافیایی ایران، زیر نظر رزم آرا، انتشارات جغرافیایی ستاد ارتش، ۱۳۲۸. ۱۰۵. فرهنگ جهانگیری، میرجمال الدین حسین بن فخرالدین حسن انجو شیرازی، ویراسته رحیم عفیفی، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۵۱. ۱۰۶. فرهنگ دهخدا، حرف پ و راء و شین. ۱۰۷. فرهنگ معین، محمد معین، چاپ سیزدهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸. ۱۰۸. فرهنگنامه تطبیقی نام های قدیم و جدید مکان های جغرافیایی ایران و نواحی مجاور، علیرضا چکنگی، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸. ۱۰۹. فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، نصرت الله مشکوتی، چاپخانه وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۹. ۱۱۰. القاموس المحيط، مجدالدین فیروزآبادی، چاپ سوم، مکتبه

مصطفی البابی الحلبي و اولاده، مصر، ۱۳۷۱ق/۱۹۵۲م. ۱۱۱. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، چاپ چهارم، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م. ۱۱۲. کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، عزیزالله بیات، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹. ۱۱۳. کوه ها و کوهنامه ایران، عباس جعفری، تهران: گیتاشناسی. ۱۱۴. گنج دانش، محمدتقی خان حکیم، به اهتمام محمدعلی صوتی و جمشید کیانفر، چاپ اول، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۶۶. ۱۱۵. المآثر و الآثار، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چاپ سنگی، از انتشارات کتابخانه سنائی، ۱۳۰۶ق. ۱۱۶. مجمل التواریخ و القصص، مؤلف ناشناخته، تصحیح ملک الشعرا بهار، به کوشش محمد رضائی، چاپ دوم، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا]. ۱۱۷. مجموعه آثار کنگره و بزرگداشت حضرت عبدالعظیم علیه السلام، چاپ اول، قم: دارالحديث، ۱۳۸۲. ۱۱۸. مختصر کتاب البلدان، ابی بکر احمد بن محمد الهمدانی معروف به ابن الفقیه، دار صادر بیروت، افسس لیدن، ۱۳۰۲ق. ۱۱۹. مرآت البلدان، محمدحسن خان اعتماد السلطنه، تصحیح و حواشی عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷. ۱۲۰. مرصد الاطلاع، صفی الدین عبدالؤمن بغدادی، تحقیق و تعلیق علی محمد البجاوی، چاپ اول، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۳ق/۱۹۵۴م. ۱۲۱. مروج الذهب، مسعودی، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره: مطبعه سعاده، ۱۳۶۷ق. ۱۲۲. المسالک و الممالک، ابن خردادبه، ترجمه حسین قره جانلو، چاپ اول، تهران: ۱۳۷۰. ۱۲۳. مسالک و ممالک، ابو اسحاق ابراهیم استخری، ترجمه فارسی قرن پنجم / ششم هجری، به اهتمام ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸. ۱۲۴. مستدرک الوسائل، حاج میرزا حسین نوری، ج ۳، چاپ سنگی، ناشر: مؤسسه اسماعیلیان قم و المکتبه الاسلامیه تهران، [بی تا]. ۱۲۵. معجم البلدان، یاقوت حموی، بیروت: دار بیروت للطباعه و النشر، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م. ۱۲۶. معجم مااستعجم من اسماء البلاد والمواضع، ابو عبید عبدالله بن عبدالعزیز البکری الاندلسی، تصحیح مصطفی السقا، چاپ سوم، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م. ۱۲۷. المعیار و الموازنه، ابو جعفر اسکافی، تحقیق محمدباقر محمودی، چاپ اول، بی جا، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۱م. ۱۲۸. مفاتیح الجنان، محدث قمی، تصحیح، کشفی بروجردی، انتشارات جهان، تهران، [بی تا]. ۱۲۹. منتقله الطالیبه، ابراهیم بن ناصر بن طباطبا، تحقیق سید محمدمهدی سید حسن خراسان، چاپ اول، نجف: منشورات مطبعه حیدری، ۱۳۸۸ق/۱۹۸۳م. ۱۳۰. نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر، شمس الدین محمد بن ابی طالب انصاری دمشقی، ترجمه سید حمید طیبیان، فرهنگستان ادب و هنر ایران، ۱۳۵۷. ۱۳۱. نزه القلوب، حمدالله مستوفی، به اهتمام و تصحیح گای لیسترانج، چاپ اول، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲. ۱۳۲. نزه المشتاق، شریف ادریسی، چاپ اول، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م. ۱۳۳. نظام ایالات در دوره صفویه، زهر بُرن، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۷. ۱۳۴. نقشه ۵۰۱/۵۰۰. ۱۳۵. ۶۱۶۰. II. نقشه ۵۰۱/۵۰۰. ۱۳۶. ۶۲۶۰. III. نقشه شماره ۱۳۰ البرز مرکزی، گیتاشناسی. ۱۳۷. نقشه ۱۸۳ گیتاشناسی. ۱۳۸. النقض، عبدالجلیل قزوینی رازی، تصحیح میر جلال الدین محدث، تهران: ۱۳۳۱. ۱۳۹. هدیه الاحباب، محدث قمی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳. ۱۴۰. هفت اقلیم، امین احمد رازی، تصحیح جواد فاضل، کتابفروشی علی اکبر علمی و کتابفروشی ادیبه. ۱۴۱. یادداشت های آقای نعمت الله محرمی از اسناد تقسیمات کشوری ایران مستند به آرشیو اسناد وزارت کشور از اعضای واحد تقسیمات کشوری وزارت کشور. ۱۴۲. یادداشت های نگارنده مقاله در «روزشمار تاریخ ایران و مناطق پیرامون آن از ۶۰۷ ه. تا ۹۰۷ ه.»، «جغرافیای استان آذربایجان شرقی»، «تحولات تاریخی تقسیمات کشوری ایران».

ص: ۱۸۶

..

ص: ۱۸۷

..

ص: ۱۸۸

..

ص: ۱۸۹

..

ص: ۱۹۰

..



ص: ۱۹۱

..

ص: ۱۹۲

..

ص: ۱۹۳

..

ص: ۱۹۴

..

ص: ۱۹۵

..

ص: ۱۹۶

..

ص: ۱۹۷

فهرست مطالب .

ص: ۱۹۸

..



ص: ۱۹۹

..

ص: ۲۰۰

..



## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

